محمد بن بابویه؛ صدوق أم کذوب!؟

محقق:

برادر صلاح الدین

عنوان:	محمد بن بابویه؛ صدوق أم کذوب!؟
محقق:	برادر صلاح الدین
موضوع:	رجال شناسی شیعه
تاریخ انتشار:	بهمن ۱۴۰۱
ناشر:	مجموعه اسلامی مدافعان سنت

کانال های مرتبط با مجموعه اسلامی مدافعان سنت

https://t.me/Modafean_Sonnat
https://t.me/ayesha_world
https://t.me/rodoud_elmi
https://t.me/shahadatefatemeh
https://t.me/towhi_d
https://t.me/khatme_kafi

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه ۷

فصل اول ۹

تشکیک و طعنه اعلام شیعه در وثاقت محمد بن بابویه الصدوق ۹

علامه بحرانی ۹

خوانساری ۹

حرّ العاملی ۹

ابوالمعالی کلباسی ۹

محقّق أسد الله کاظمی ۱۰

الصدوق کذوب ۱۰

أحمد الاحسائی ۱۰

الکجوری ۱۰

تمسخر و دعا بر علیه شیخ صدوق توسط اعلام شیعه ۱۱

شریف المرتضی ۱۱

شیخ بهائی ۱۱

شیخ مفید ۱۱

یوسف البحرانی ۱۲

محقّق أسد الله کاظمی ۱۲
تصریح اعلام متقدمین شیعه به کافر بودن شیخ صدوق ۱۲
نعمة الله جزایری ۱۲
ثنا عظیم شیخ صدوق (کذوب) توسط شیخ مفید ۱۳
فصل دوم ۱۴
اعتراف اعلام شیعه به دست کاری و تحریفات کلام امامان توسط شیخ صدوق ۱۴
آیة الله سیستانی ۱۴
محقّق یوسف البحرانی ۱۴
محمد باقر مجلسی ۱۴
محمد تقی مجلسی ۱۴
الشیخ علی أکبر غفاری ۱۶
قول محدّث نوری طبرسی ۱۶
فصل سوم ۱۷
مثال های زیاد از دستکاری های حرام و قبیح توسط شیخ صدوق ۱۷
روایت اول ۱۷
روایت دوم ۱۸
روایت سوم ۱۹
روایت چهارم ۲۰
روایت پنجم ۲۳

روایت ششم ۲۶
روایت هفتم..... ۲۷
روایت هشتم..... ۲۹
روایت نهم ۳۰
روایت دهم..... ۳۱
روایت یازدهم..... ۳۲
روایت دوازدهم ۳۳
روایت سیزدهم..... ۳۵
روایت چهاردهم..... ۳۶
روایت پانزدهم..... ۳۷
روایت شانزدهم ۳۸
روایت هفدهم ۳۹
روایت هجدهم ۴۰
روایت نوزدهم ۴۱
روایت بیستم ۴۲
روایت بیست و یکم..... ۴۴
روایت بیست و دوم ۴۵
روایت بیست و سوم ۴۶
روایت بیست و چهارم ۴۷

روایت بیست و پنجم ۴۸
روایت بیست و ششم ۵۰
روایت بیست و هفتم ۵۳
روایت بیست و هشتم ۵۶
روایت بیست و نهم ۵۷
روایت سی‌ام ۵۸
پایان ۶۰

مقدمه

الحمدلله رب العالمين والصلاة والسلام علي خير خلقه محمد و علي آله وصحبه أجمعين.
وبعد...

محمد بن بابویه معروف به «شیخِ صدوق» از علمای قرن چهارم شیعه میباشد که در بسیاری از روایاتی که در تالیفاتش آورده، انفراد دارد و این دست روایات در سایر کتب روایی شیعه به چشم نمیخورند.

لذا جهت اعتبارسنجی این دست از روایات و صحت و اطمینان به صدورِ آنها، خواننده را برآن میدارد که در وهله اول، عدالت و وثاقتِ «محمد بن بابویه» را بررسی نماید تا بتواند سراغ تالی رود.

در این نوشته در سه بخش اساسی به بررسی شخصیت، عدالت ووثاقتِ «ابن بابویه» در چارچوبی بدور از تعصب خواهیم پرداخت تا تلنگری باشد برای آن دست از طلاب علمی که جانب افراط را در وثاقتِ وی گرفته اند و تفاوتی بین روایات مشهور و آنچه که «ابن بابویه» انفراد و نقل نموده، قائل نمیشوند!

در مورد زمان و مکان ولادت وی اطلاع روشنی در دست نیست. جمعی از نویسندگان قرون اخیر با تکیه بر برخی روایات تولد او را اندکی پس از سال ۳۰۵هـ دانسته اند[1] و وفات ایشان هم در سال ۳۸۱ هـ.

اولین موردی که راجع شیخ صدوق عنوان میشود، راجع به وثـوق ایشان است، زیرا در بین خود شیعیان (کما اینکه در ادامه ذکر خواهم کرد) در وثاقت شیخ صدوق اختلاف است، زیرا آنچه از متقدمین آنان یاد شده، تنها راجع به ممدوح و فقیه بودنِ وی است.

---

[1] - بحرالعلوم، ۳/ ۳۰۱.

نخستین کسی که ابن بابویه را صدوق نامیده، ابن ادریس حلی (متوفی ۵۹۸) است، لیکن پس از وی تا زمان شهید اول این لقب شهرت نداشته است[۲].

[۲] - دائرة المعارف / احمد پاکتچی

فصل اول

تشکیک و طعنه اعلام شیعه در وثاقت محمد بن بابویه الصدوق

علامه بحرانی: برخی از مشایخ ما، در وثاقت شیخ صدوق، متوقف اند!

((ومِن المَنقول عن شيخنا العلاّمَة البحرانی.. أنّه قال في بعض حَواشيه علي كتابه (البلغة): كَان بعَضُ مَشايخنَا يَتوقف فی وثَاقة شَيخنَا الصّدوق))[۳]

خوانساری: بعید نیست که توقف برخی علمای شیعه در وثاقت شیخ صدوق، به سبب کثرت فتواهای مخالف با اجماعات طائفه بوده!

((و لا يبعد كون توقّف بعضهم فی أمر الرّجل من جهة افتائه بكثير من مخالفات اجماع الطائفة))[۴]

حرّ العاملی که حال معاصرین زمان خود را یاد میکند میگوید: با اینکه شهرت شیخ صدوق مخفی نیست، اما برخی معاصرین ما منکر وثاقت شیخ صدوق هستند!

((والحاصل أن حَاله [أی الصّدوق] أشهَر مِن أن يخفي؛ ومَع ذلک فَإن بعضَ المُعَاصِرِين الآن يَتوقّفُ فی تَوثِيقِه؛ بَل يُنكر ذلک؛ لعَدم التّصريحِ بِه))[۵]

ابوالمعالی کلباسی؛ علتی دیگر برای عدم توثیق او یاد میکند: ممکن است افرادی که در قبول روایات شیخ صدوق متوقف اند، به سبب عدم ثبوث ظبط و حافظه او است.

---

[۳] - روضات الجنات: ۱۳۳/۶

[۴] - روضات الجنات: ۱۳۴/۶

[۵] - الفوائد الطوسیّ: ۷/۱

((لأنّه وإن كان فی أعلا دَرجَة الزُّهد والعبادة والتّوفيق والسّعَادة، إلا أن الضّبط فی الحَديث أمرٌ آخَر يحتاجُ إلي الثّبوت. وكذَا مَا ذَكرَه بَعضُ عُلماء الرِّجَال فی حَق الصّدوق المُجمَع علي عدالته: مِن أن تَوقّف بَعضٍ فی اعتبار رِوَايتِه؛ لَعلّه لعَدم ثُبوت ضَبطِه))[۶]

محقّق أسد الله كاظمی: چه بسا متقدمين به سبب اضطراب و فتواهای او، به ايشان طعنه زدند.

((وبالجُملَة فَأمْرُ الصَّدوقِ مُضْطِربٌ جِدّاً، وَلا يحصُل مِن فَتَاواه غَالباً عِلمٌ وَلا ظنّ؛ [لا كما ظ] يحصُل من فتاوي أساطِين المُتأخّرين، وكذا الحالُ فی تصحيحِه وترجيحِه،...، وربّما طَعنَ عَليه بَعض القُدمَاء بِمِثل ذَلک فی حَديثٍ رَواه فی العَمل فی الصَّوم بالعَدَد، وهَذا عَجيبٌ مِنْ مِثلِه))[۷]

الصدوق كذوب

أحمد الاحسائی:

((الصدوق فی هذه المسألة كذوب))[۸]

الكجوری:

((وَكذلِک قَال السيد المرتضي -رحمه الله- : إنّ الصَّدوقَ كَذوبٌ فی هَذه المسْألَة))[۹]

---

[۶] - سماء المقال فی علم الرّجال: ۲۱۰/۲

[۷] - كشف القناع عن وجوه حجية الإجماع: ۲۱۳

[۸] - مقدمة كتاب من لايحضره الفقيه: ۱/۷۰

[۹] - الخصائص الفاطميّة: ۲۴۵/۲

تمسخر و دعا بر علیه شیخ صدوق توسط اعلام شیعه

شریف المرتضی: او در موضوعی خود را به تکلف انداخته که فراتر از بضاعت اوست! از این رو نقصان علمی و ناتوانی خود [در فهم و درک این موضوع] را نشان داده است، در حالی که اگر از کسانی بود که توفیق رشد [علمی] یافته اند، به آنچه نسبت به آن بی‌اطلاع است و در حوزه تخصص او نیست و به شناخت روش راه نیافته است نمی‌پرداخت.اما تمایلات [نفسانی] صاحبش را هلاک می کند. از سلب توفیق به خدا پناه می بریم و از او می طلبیم که ما را از گمراهی ایمن دارد.

((امّا المتقدمون فمنهم سيّدنا الأجلّ المرتضي قدّس اللّه روحه فانّه قال بعد ما حكي كلام الصدوق ره: إعلم أنّ الّذى حكيت عمّا حكيت ممّا قد أثبتناه قد تكلّف ما ليس من شأنه فأبدي بذلک عن نقصه فى العلم و عجزه، و لو كان ممّن وفق لرشده لما تعرض لما لا يحسنه و لا هو من صناعته، و لا يهتدى الي معرفته لكنّ الهوي مرد لصاحبه نعوذ باللّه من سلب التوفيق))[۱۰]

شیخ بهائی: خدا را شکر که خداوند شیخ صدوق را هلاک کرد و به او توفیق نداد که کتاب خود را بنویسد!

((و نقل الشيخ البهائى رحمه الله انه قال: الحمد لله الذى قطع عمره ولم يوفقه لكتابة مثل ذلک))[۱۱]

شیخ مفید: آنچه شیخ صدوق در معنای روح بیان کرده، از توهمات ایشان بوده و قول صدوق همان قول کثیری از فلاسفه و ملحدین است!

((وقال الشيخ المفيد فى شرحه علي العقائد كلام أبى جعفر فى النفس والروح ... والذى حكاه من ذلک وتوهمه هو مذهب كثير من الفلاسفة الملحدين الذين زعموا أن الأنفس لا يلحقها الكون والفساد وأنها باقية وإنما تفني وتفسد الأجسام المركبة.))[۱۲]

---

[۱۰] – الأنوار النعمانية: ۲۸/۴

[۱۱] – مقدمة كتاب من لايحضره الفقيه: ۱/۷۰

[۱۲] – بحار الأنوار: ۸۱/۶۱

یوسف البحرانی: شیخ صدوق رئیس اخباریها بوده و دارای نظریات غریبی بوده که هیچ مجتهد و اخباری با او موافقت نکرده است!

((وقد ذهب رئيس الاخباريين الصدوق إلي مذاهب غريبة لم يوافقه عليها مجتهد أو إخبارى))[۱۳]

محقّق أسد الله کاظمی: چه بسا متقدمین به سبب فتواها و ترجیحات او، به ایشان طعنه زدند!

((وبالجُملَة فَأمْرُ الصَّدوقِ مُضْطِربٌ جِدّاً، وَلا يحصُل مِن فَتَاواه غَالباً عِلمٌ وَلا ظنّ؛ [لا كما ظ] يحصُل من فتاوي أساطِين المُتأخّرين، وكذا الحالُ فی تصحيحِه وترجيحِه،...، وربّما طَعنَ عَليه بَعض القُدمَاء بِمِثل ذَلک فی حَديثٍ رَواه فی العَمل فی الصَّوم بالعَدَد، وهَذا عَجيبٌ مِنْ مِثلِه))[۱۴]

تصریح اعلام متقدمین شیعه به کافر بودن شیخ صدوق

نعمة الله جزایری: بر چه اساس شریف مرتضی و شیخ مفید و موافق آنان، شیخ صدوق را کافر میدانند در حالی که روایات او را میپذیرند!؟

((فالمرتضي و من شاركه فی التشنيع كشيخنا المفيد .. قد أعتمدوا علي الصدوق ره فی الأخبار و الأحكام و نقلوها عنه و أعتمدوا علي نقله، فكيف يقبلونها منه و ينسبونه الي الخروج عن الدين؟!))[۱۵]

---

[۱۳] – الحدائق الناضرة: ۱۷۰/۱

[۱۴] – كشف القناع عن وجوه حجية الإجماع: ۲۱۳

[۱۵] – الأنوار النعمانية: ۲۹/۴

ثنا عظیم شیخ صدوق (کذوب) توسط شیخ مفید:

۱: غیر متخصص	۲: نابکار	۳: ناقص العقل
۴: عاجز	۵: شکست خورده	۶: هوا پرست
۷: گمراه	۸: قریب به جنون و دیوانگی	۹: معاند
۱۰: مبتلا به آفت و بلا	۱۱: هالِک	

((إعلم، أن الذی حکیت عنه ما حکیت، مما قد أثبتناه، قد تکلف ما لیس من شأنه، فأبدي بذلک عن نقصه فی العلم وعجزه، ولو کان ممن وفق لرشده لما تعرض لما لا یحسنه، ولا هو من صناعته، ولا یهتدی إلي معرفة طریقه، لکن الهوي مود لصاحبه، نعوذ بالله من سلب التوفیق، ونسأله العصمة من الضلال، ونستهدیه فی سلوک منهج الحق، وواضح الطریق بمنه.))[۱۶]

((وان شیعیا یعتمد علي هذا الحدیث فی الحکم علي النبی علیه السلام بالغلط، والنقص، وارتفاع العصمة عنه من العناد لناقص العقل، ضیف الرأی، قریب إلي ذوی الآفات المسقطة عنهم التکلیف. والله المستعان، وهو حسبنا ونعم الوکیل.))[۱۷]

[۱۶] - عدم سهو النبی (ص) – الشیخ مفید: ۲۰

[۱۷] - عدم سهو النبی (ص) – الشیخ مفید: ۳۲

فصل دوم

اعتراف اعلام شيعه به دست كارى و تحريفات كلام امامان توسط شيخ صدوق

آية الله سيستانى:

((ومَن راجَع (الفقيه) يِجد أنّ دَأب الصّدوق -قُدس سره- عَلى تَعقِيب بَعض الرّوايات بكلامٍ لنَفسِه مِن دُون فَصلٍ مُشعر بالتّغاير ـ كما أنّ الأمر كَذلک فى التهذيب ـ ومِن هُنا قَد يَشتبهُ الأمرُ عَلي النّاظر فَيعدّ كَلامه جُزءاً مِنَ الرِّوايَة))[١٨]

محقّق يوسف البحرانى راجع به روايتى ميگويد:

((والظّاهر أنّ هذا التّفسير مِن كَلام الصّدوق الذى يُدخِلُه غَالباً فى الأخبَار))[١٩]

محمد باقر مجلسى:

((هَذا الخبرُ مَأخوذٌ مِن الكَافى، وفَيه تَغييراتٌ عَجَيبة تُورِثُ سُوءَ الظنّ بالصَّدوق ، وإنّه إنّما فَعَلَ ذَلک ليُوافق مذهب أهل العَدل، وفِى الكافى هَكَذا: أيها السّائل ..))[٢٠]

محمد تقى مجلسى:

((والظَّاهِرُ أنّ هَذِه الزِّيادَة المُخِلَّةُ مِنَ الصَّدوق))[٢١]

---

[١٨] – قاعدة لا ضرر ولا ضرار: ٢٧

[١٩] – الحدائق الناضرة: ٢٣٠/١٨

[٢٠] – بحار الأنوار: ١٥۶/۵

[٢١] – روضة المتّقين: ١٠۶/۴

((فَتدبّر فی التّغییراتِ المُخِلّة))[۲۲]

((والظّاهِرُ أنّ هَذهِ التّغییرات المُخِلَّة بِالفَهْمِ؛ إنّما وَقعَت لإسقَاط السَّنَد؛ وسَقطَ بَعضُه سَهْواً، ویُحتمَلُ کَونُه مِنَ النّسّاخ وهُو بَعیدٌ))[۲۳]

((والظَّاهِرُ أنَّ الصَّدوقَ أخَذَهُ مِن کِتابِ الحَلَبی؛ وغَیَّرَ بَعض التّغییرَاتِ المُخِلَّة))[۲۴]

((لما غَیَّر المُصَنِّفُ [أی الصّدوق] العِبارة الأولي ؛ غَفل عَن تَغییر مَا بعده کما یَقع کَثیراً منه))[۲۵]

((وعلي أیّ حَال؛ فَالتغییرُ الذی مِنَ المُصنِّف [أی الصّدوق] مُخِلٌّ بالمعنَي، ومُخالِفٌ للأخبَار ولِقَول الأصحَاب))[۲۶]

((والظّاهِر أنّه [أی الصّدوق] نقلَهُ بالمعنَي، وأسقَطَ بَعضَه))[۲۷]

((وَأسقطَ المصنّف [یعنی الشیخ الصّدوق] قَولَه : (یَا مَنْ بَدا لله) لأنّه لا یَعتقِدُ هَذا الخبر الذی نُقِلَ أنّه بَدا لله فی إسماعیل ، والأخبَار فی البَداء عِندنا مُتواتِرَة ، لا یُمکن نفیه حتي یترک هَذا الخبر لأجله ، ومعناهُ : أنّ الإمامة لمّا کانت فی الأکبر من الأولاد بعد وفَاة الأب ، ولمّا کَان إسماعیل أکبَرُ الأولاد ، کانَ جمیع الأصحَاب یَنتظرُونَه، فَلمّا مَات ظَهر لَهم أنّه لم یَکُن إمَامَاً ؛ فَأُطلِق البَداء علیه بِاعتبار ظُهورِه عِندَ النّاس ؛ لأنّه لا یتغیّر عِلم الله أبداً ، أو کانَ إمَامته فی لَوح المَحو والإثبَات ، ومحي وأثبتَ إمَامة مُوسي -علیه السلام- لمَصْلَحَة لا نَعرفها ، کما فی أکثر مَا یُمحَي خَبراً کَان أو حُکما ، و لو عَرفه العُلماء لم یَعرِفْه العَوامّ ، فکَانَ عَدم ذِکره أولي))[۲۸]

---

[۲۲] – روضة المتّقین: ۱۹۱/۳

[۲۳] – روضة المتّقین: ۳۰۰/۱

[۲۴] – روضة المتّقین: ۳۹۰/۱

[۲۵] – روضة المتقین: ۲۳۳/۱۱

[۲۶] – روضة المتقین: ۳۸۸/۷

[۲۷] – روضة المتقین: ۱۸۰/۳

[۲۸] – روضة المتقین: ۴۴۰/۵-۴۴۱

الشیخ علی أکبر غفاری بعد از ذکر روایتی راجع به بداء میگوید:

((أو أسَقطهَا المُصنّفُ [أی الصّدوق] وهُو الأظهَر؛ لأنّه لا یَعتقُدُ الخَبر الذی نُقل عَن الصادق -علیه السلام- أنّه قال: ((مَا بدا للّه بدَاء کمَا بدا له فی إسمَاعیل ابنی))[٢٩]

قول محدّث نوری طبرسی راجع به دستکاری های صدوق میگوید:

((هَذا ویظهر من بعض المواضع أنّ الصّدوق -رحمه الله- کان یختصر الخبر الطّویل، ویُسقِطُ منه ما أدّي نَظره إلي إسقَاطِه))[٣٠]

[٢٩] - حاشیة تحقیق من لا یحضره الفقیه: ٦٠١/٢

[٣٠] - مستدرک الوسائل:١٦٩/١١

فصل سوم

مثال های زیاد از دستکاری های حرام و قبیح توسط شیخ صدوق

روایت اول

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ شُعَيْبٍ الْعَقَرْقُوفِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ :كُنْتُ بَيْنَ يَدَيْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جَالِساً وَ قَدْ سَأَلَهُ سَائِلٌ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ أَيْنَ لَحِقَ الشَّقَاءُ أَهْلَ الْمَعْصِيَةِ حَتَّي حَكَمَ اللَّهُ لَهُمْ فِي عِلْمِهِ بِالْعَذَابِ عَلَي عَمَلِهِمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَيُّهَا السَّائِلُ حُكْمُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَقُومُ لَهُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ بِحَقِّهِ فَلَمَّا حَكَمَ بِذَلِكَ وَهَبَ لِأَهْلِ مَحَبَّتِهِ الْقُوَّةَ عَلَي مَعْرِفَتِهِ وَ وَضَعَ عَنْهُمْ ثِقْلَ الْعَمَلِ بِحَقِيقَةِ مَا هُمْ أَهْلُهُ وَ وَهَبَ لِأَهْلِ الْمَعْصِيَةِ الْقُوَّةَ عَلَي مَعْصِيَتِهِمْ لِسَبْقِ عِلْمِهِ فِيهِمْ وَ مَنَعَهُمْ إِطَاقَةَ الْقَبُولِ مِنْهُ فَوَافَقُوا مَا سَبَقَ لَهُمْ فِي عِلْمِهِ وَ لَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يَأْتُوا حَالًا تُنْجِيهِمْ مِنْ عَذَابِهِ لِأَنَّ عِلْمَهُ أَوْلَي بِحَقِيقَةِ التَّصْدِيقِ وَ هُوَ مَعْنَي شَاءَ مَا شَاءَ وَ هُوَ سِرُّهُ.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۱ صفحه: ۱۵۳

حدثنا علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق رحمه‌الله قال : حدثنا محمد بن يعقوب ، قال : حدثنا علي بن محمد رفعه عن شعيب العقرقوفي ، عن أبي بصير ، قال : كنت بين يدى أبي عبد الله عليه‌السلام جالسا وقد سأله سائل فقال : جعلت فداك يا ابن رسول الله من أين لحق الشقاء أهل المعصية حتي حكم لهم فى علمه بالعذاب علي عملهم ، فقال أبو عبد الله عليه‌السلام :أيها السائل علم الله عزوجل ألا يقوم أحد من خلقه بحقه ، فلما علم بذلك وهب لأهل محبته القوة علي معرفته ووضع عنهم ثقل العمل بحقيقة ما هم أهله ووهب لأهل المعصية القوة علي معصيتهم لسبق علمه فيهم، ولم يمنعهم إطاقة القبول منه لأن علمه أولي بحقيقة التصديق ، فوافقوا ما سبق لهم فى علمه، وإن قدروا أن يأتوا خلالا تنجيهم عن معصيته وهو معني شاء ما شاء ، وهو سر.

نام کتاب: التّوحید نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۳۵۴-۳۵۵

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- شیخ صدوق این حدیث را از کافی گرفته است و در کلام معصوم دستکاری قبیح انجام داد!

سه موضع را تغییر داد:

۱. تغییر کلمات:
   - در دو موضع، حکم را به علم تغییر داد!

۲. برعکس کردن کلمات:
   - منعهم اطاقة القبول را با لم_یمنعهم عوض کرد.

- لم_یقدروا را با إن قدروا عوض کرد.

۳. حذفیات: این را با مقارنه کردن خواهید فهمید، و همچنین به برخی تغییرات توجه کنید که بیش از آنچه یاد شد وجود دارد.

- محمد باقر مجلسی راجع به این تحریفات شیخ صدوق میگوید:

((هَذا الخبرُ مَأخوذٌ مِن الکَافی، وفَیه تَغییراتٌ عَجَیبة تُورِثُ سُوءَ الظنّ بالصَّدوق، وإنّه إنّما فَعَلَ ذَلک لیُوافق مذهب أهل العَدل، وفِی الکافی هَکَذا: أیها السّائل ..))[۳۱]

هدف تحریف:

روایت همانطور که واضح است، مؤید مذهب جبریه هست زیرا همانطور که شریف مرتضی گفتند؛ اهل قم جمیعهم جز شیخ صدوق، مجبّره و مجسمه بودند!

((وأن القمیین کلهم من غیر استثناء لأحد منهم إلا أبا جعفر بن بابویه بالأمس کانوا مشبهة مجبرة وکتبهم وتصانیفهم تشهد بذلک وتنطق به))[۳۲]

روایت دوم

الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّی بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنِ الْمُثَنَّی الْحَنَّاطِ عَنْ قُتَیْبَةَ الْأَعْشَی عَنِ ابْنِ أَبِی یَعْفُورٍ عَنْ مَوْلًی لِبَنِی شَیْبَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ یَدَهُ عَلَی رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ کَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۱ صفحه: ۲۵

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّی بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ مُثَنًّی الْحَنَّاطِ عَنْ قُتَیْبَةَ الْأَعْشَی عَنِ ابْنِ أَبِی یَعْفُورٍ عَنْ مَوْلًی لِبَنِی شَیْبَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ع قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا ع وَضَعَ یَدَهُ عَلَی رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ کَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامُهُمْ.

نام کتاب: کمال الدین و تمام النعمه- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۲ صفحه: ۶۷۵

---

[۳۱] - بحار الأنوار: ۱۵۶/۵

[۳۲] - رسائل المرتضی: ۳۱۰/۳

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- اصل روایت در کتاب کافی است:

[اذا قام قائمنا؛ وضع الله يده علي رؤوس العباد]

یعنی هر گاه امام زمان قیام کند، خداوند دست خود را بر سر بندگان قرار میدهد!

- اما شیخ صدوق کلمه الله را حذف نمودند:

[اذا قام قائمنا؛ وضع يده علي رؤوس العباد]

یعنی امام_زمان دست خود را بر سر بندگان قرار میدهد!

هدف تحریف:

- انکار صفت "ید" از خداوند متعال که معصوم به آن قائل بوده!

روایت سوم

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَبُّنَا وَ الْعِلْمُ ذَاتُهُ وَ لَا مَعْلُومَ وَ السَّمْعُ ذَاتُهُ وَ لَا مَسْمُوعَ وَ الْبَصَرُ ذَاتُهُ وَ لَا مُبْصَرَ وَ الْقُدْرَةُ ذَاتُهُ وَ لَا مَقْدُورَ فَلَمَّا أَحْدَثَ الْأَشْيَاءَ وَ كَانَ الْمَعْلُومُ وَقَعَ الْعِلْمُ مِنْهُ عَلَى الْمَعْلُومِ وَ السَّمْعُ عَلَى الْمَسْمُوعِ وَ الْبَصَرُ عَلَى الْمُبْصَرِ وَ الْقُدْرَةُ عَلَى الْمَقْدُورِ قَالَ قُلْتُ فَلَمْ يَزَلِ اللَّهُ مُتَحَرِّكاً قَالَ فَقَالَ تَعَالَى اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ إِنَّ الْحَرَكَةَ صِفَةٌ مُحْدَثَةٌ بِالْفِعْلِ قَالَ قُلْتُ فَلَمْ يَزَلِ اللَّهُ مُتَكَلِّماً قَالَ فَقَالَ إِنَّ الْكَلَامَ صِفَةٌ مُحْدَثَةٌ لَيْسَتْ بِأَزَلِيَّةٍ كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا مُتَكَلِّمَ.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۱ صفحه: ۱۰۷

حدثنا محمد بن علي ماجيلويه رحمه‌الله ، قال : حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم ، عن محمد بن خالد الطيالسي الخزاز الكوفي ، عن صفوان بن يحيي ، عن ابن مسكان ، عن أبي بصير قال : سمعت أبا عبد الله عليه‌السلام يقول : لم يزل الله عزوجل ربنا والعلم ذاته ولا معلوم ، والسمع ذاته ولا مسموع ، والبصر ذاته ولا مبصر ، والقدرة ذاته ولا مقدور ، فلما أحدث الأشياء وكان المعلوم وقع العلم منه علي المعلوم والسمع علي المسموع ، والبصر علي المبصر ، والقدرة علي المقدور، قال: قلت : فلم يزل الله متكلما؟ قال : إن الكلام صفة محدثة ليست بأزلية ، كان الله عزوجل ولا متكلم.

نام کتاب: التّوحید نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۱۳۹

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- اصل روایت در کتاب کافی است اما این قسمت رو شیخ صدوق حذف کرده!

[فلم يزل الله متحركاً؟ قال فقال: تعالي الله عن ذلک إن الحرکة صفة محدثة بالفعل]

هدف تحریف:

- این قسمت رو حذف کرد، زیرا بیانگر صفت حرکت حادث با بوجود تنزیه خدا از ازلی بودن آن است و از آنجا که معصوم با شیخ صدوق مخالف بوده، از این قسمت خوشش نیامد.

- جالب اینجاست که تحریف و دستکاری شیخ صدوق سبب شده که برداشت های شارحین اشتباه از آب در بیاد!

قاضی سعید قمی در شرح خود بر توحید صدوق میگوید:

((ذكر المصنّف هذا الخبر لبيان صفات الذات و صفات الأفعال؛ فمن جملة الأولي: العلم و القدرة و السمع و البصر و من الثانية: الكلام فقط))[۳۳]

یعنی شیخ صدوق این روایت را برای صفات ذات و صفات افعال خداوند بیان کردند. برای صفات ذات؛ علم و قدرت و سمع و بصر یاد کرد و برای صفات افعال؛ تنها صفت کلام ذکر کردند!

- از آنجا که شیخ صدوق در روایت دستکاری کرده و صفت حرکت که جزو صفات افعال هست را حذف کرده، شارح فکر کرده که تنها صفت کلام از صفات افعال است!

روایت چهارم

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَي وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَي بْنِ عُمَرَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ :سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع لِأَيِّ عِلَّةٍ وَضَعَ اللَّهُ الْحَجَرَ فِي الرُّكْنِ الَّذِي هُوَ فِيهِ وَ لَمْ يُوضَعْ فِي غَيْرِهِ وَ لِأَيِّ عِلَّةٍ تُقَبَّلُ وَ لِأَيِّ عِلَّةٍ أُخْرِجَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ لِأَيِّ عِلَّةٍ وُضِعَ مِيثَاقُ الْعِبَادِ وَ الْعَهْدُ فِيهِ وَ لَمْ يُوضَعْ فِي غَيْرِهِ وَ كَيْفَ السَّبَبُ فِي ذَلِكَ تُخْبِرُنِي جَعَلَنِيَ اللَّهُ فِدَاكَ فَإِنَّ تَفَكُّرِي فِيهِ لَعَجَبٌ قَالَ فَقَالَ سَأَلْتَ وَ أَعْضَلْتَ فِي الْمَسْأَلَةِ وَ اسْتَقْصَيْتَ فَافْهَمِ الْجَوَابَ وَ فَرِّغْ قَلْبَكَ وَ أَصْغِ سَمْعَكَ أُخْبِرْكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ- إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَي وَضَعَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ هِيَ جَوْهَرَةٌ أُخْرِجَتْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَي آدَمَ ع فَوُضِعَتْ فِي ذَلِكَ الرُّكْنِ لِعِلَّةِ الْمِيثَاقِ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَمَّا أَخَذَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ حِينَ أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ وَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ تَرَاءَي لَهُمْ وَ مِنْ ذَلِكَ الْمَكَانِ يَهْبِطُ الطَّيْرُ عَلَي الْقَائِمِ ع فَأَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ ذَلِكَ الطَّائِرُ وَ هُوَ وَ اللَّهِ جَبْرَئِيلُ ع وَ إِلَي ذَلِكَ الْمَقَامِ يُسْنِدُ الْقَائِمُ

[۳۳] - شرح توحید صدوق – القمی، القاضی سعید: ۴۶۶/۲

ظَهْرَهُ وَ هُوَ الْحُجَّةُ وَ الدَّلِيلُ عَلَي الْقَائِمِ وَ هُوَ الشَّاهِدُ لِمَنْ وَافَاهُ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ وَ الشَّاهِدُ عَلَي مَنْ أَدَّي إِلَيْهِ الْمِيثَاقَ وَ الْعَهْدَ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَي الْعِبَادِ وَ أَمَّا الْقُبْلَةُ وَ الِاسْتِلَامُ فَلِعِلَّةِ الْعَهْدِ تَجْدِيداً لِذَلِكَ الْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ وَ تَجْدِيداً لِلْبَيْعَةِ لِيُؤَدُّوا إِلَيْهِ الْعَهْدَ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي الْمِيثَاقِ فَيَأْتُوهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ يُؤَدُّوا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْعَهْدَ وَ الْأَمَانَةَ اللَّذَيْنِ أَخِذَا عَلَيْهِمْ أَ لَا تَرَي أَنَّكَ تَقُولُ أَمَانَتِي أَدَّيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُوَافَاةِ وَ اللَّهِ مَا يُؤَدِّي ذَلِكَ أَحَدٌ غَيْرُ شِيعَتِنَا وَ لَا حَفِظَ ذَلِكَ الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ أَحَدٌ غَيْرُ شِيعَتِنَا وَ إِنَّهُمْ لَيَأْتُوهُ فَيَعْرِفُهُمْ وَ يُصَدِّقُهُمْ وَ يَأْتِيهِ غَيْرُهُمْ فَيُنْكِرُهُمْ وَ يُكَذِّبُهُمْ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَمْ يَحْفَظْ ذَلِكَ غَيْرُكُمْ فَلَكُمْ وَ اللَّهِ يَشْهَدُ وَ عَلَيْهِمْ وَ اللَّهِ يَشْهَدُ بِالْخَفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ الْكُفْرِ وَ هُوَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ- يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَجِيءُ وَ لَهُ لِسَانٌ نَاطِقٌ وَ عَيْنَانِ فِي صُورَتِهِ الْأُولَي يَعْرِفُهُ الْخَلْقُ وَ لَا يُنْكِرُهُ يَشْهَدُ لِمَنْ وَافَاهُ وَ جَدَّدَ الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ عِنْدَهُ بِحِفْظِ الْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ يَشْهَدُ عَلَي كُلِّ مَنْ أَنْكَرَ وَ جَحَدَ وَ نَسِيَ الْمِيثَاقَ بِالْكُفْرِ وَ الْإِنْكَارِ فَأَمَّا عِلَّةُ مَا أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنَ الْجَنَّةِ فَهَلْ تَدْرِي مَا كَانَ الْحَجَرُ قُلْتُ لَا قَالَ كَانَ مَلَكاً مِنْ عُظَمَاءِ الْمَلَائِكَةِ عِنْدَ اللَّهِ فَلَمَّا أَخَذَ اللَّهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمِيثَاقَ كَانَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ أَقَرَّ ذَلِكَ الْمَلَكُ فَاتَّخَذَهُ اللَّهُ أَمِيناً عَلَي جَمِيعِ خَلْقِهِ فَأَلْقَمَهُ الْمِيثَاقَ وَ أَوْدَعَهُ عِنْدَهُ وَ اسْتَعْبَدَ الْخَلْقَ أَنْ يُجَدِّدُوا عِنْدَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ الْإِقْرَارَ بِالْمِيثَاقِ وَ الْعَهْدِ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ ثُمَّ جَعَلَهُ اللَّهُ مَعَ آدَمَ فِي الْجَنَّةِ يُذَكِّرُهُ الْمِيثَاقَ وَ يُجَدِّدُ عِنْدَهُ الْإِقْرَارَ فِي كُلِّ سَنَةٍ- فَلَمَّا عَصَي آدَمُ وَ أُخْرِجَ مِنَ الْجَنَّةِ أَنْسَاهُ اللَّهُ الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَي وُلْدِهِ لِمُحَمَّدٍ ص وَ لِوَصِيِّهِ ع وَ جَعَلَهُ تَائِهاً حَيْرَانَ فَلَمَّا تَابَ اللَّهُ عَلَي آدَمَ حَوَّلَ ذَلِكَ الْمَلَكَ فِي صُورَةِ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ فَرَمَاهُ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَي آدَمَ ع وَ هُوَ بِأَرْضِ الْهِنْدِ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ آنَسَ إِلَيْهِ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُهُ بِأَكْثَرَ مِنْ أَنَّهُ جَوْهَرَةٌ وَ أَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ لَهُ يَا آدَمُ أَ تَعْرِفُنِي قَالَ لَا قَالَ أَجَلْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْكَ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاكَ ذِكْرَ رَبِّكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَي صُورَتِهِ الَّتِي كَانَ مَعَ آدَمَ فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ لِآدَمَ أَيْنَ الْعَهْدُ وَ الْمِيثَاقُ فَوَثَبَ إِلَيْهِ آدَمُ وَ ذَكَرَ الْمِيثَاقَ وَ بَكَي وَ خَضَعَ لَهُ وَ قَبَّلَهُ وَ جَدَّدَ الْإِقْرَارَ بِالْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ ثُمَّ حَوَّلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَي جَوْهَرَةِ الْحَجَرِ دُرَّةً بَيْضَاءَ صَافِيَةً تُضِيءُ فَحَمَلَهُ آدَمُ ع عَلَي عَاتِقِهِ إِجْلَالًا لَهُ وَ تَعْظِيماً فَكَانَ إِذَا أَعْيَا حَمَلَهُ عَنْهُ جَبْرَئِيلُ ع حَتَّي وَافَي بِهِ مَكَّةَ فَمَا زَالَ يَأْنَسُ بِهِ بِمَكَّةَ وَ يُجَدِّدُ الْإِقْرَارَ لَهُ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمَّا بَنَي الْكَعْبَةَ وَضَعَ الْحَجَرَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ لِأَنَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَي حِينَ أَخَذَ الْمِيثَاقَ مِنْ وُلْدِ آدَمَ أَخَذَهُ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ وَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ أَلْقَمَ الْمَلَكَ الْمِيثَاقَ وَ لِذَلِكَ وَضَعَ فِي ذَلِكَ الرُّكْنِ وَ نَحَّي آدَمَ مِنْ مَكَانِ الْبَيْتِ إِلَي الصَّفَا وَ حَوَّاءَ إِلَي الْمَرْوَةِ وَ وَضَعَ الْحَجَرَ فِي ذَلِكَ الرُّكْنِ فَلَمَّا نَظَرَ آدَمُ مِنَ الصَّفَا وَ قَدْ وُضِعَ الْحَجَرُ فِي الرُّكْنِ كَبَّرَ اللَّهَ وَ هَلَّلَهُ وَ مَجَّدَهُ فَلِذَلِكَ جَرَتِ السُّنَّةُ بِالتَّكْبِيرِ وَ اسْتِقْبَالِ الرُّكْنِ الَّذِي فِيهِ الْحَجَرُ مِنَ الصَّفَا فَإِنَّ اللَّهَ أَوْدَعَهُ الْمِيثَاقَ وَ الْعَهْدَ دُونَ غَيْرِهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمَّا أَخَذَ الْمِيثَاقَ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لِمُحَمَّدٍ ص بِالنُّبُوَّةِ وَ لِعَلِيٍّ ع بِالْوَصِيَّةِ اصْطَكَّتْ فَرَائِصُ الْمَلَائِكَةِ -فَأَوَّلُ مَنْ أَسْرَعَ إِلَي الْإِقْرَارِ ذَلِكَ الْمَلَكُ لَمْ يَكُنْ فِيهِمْ أَشَدَّ حُبّاً لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ص مِنْهُ وَ لِذَلِكَ اخْتَارَهُ اللَّهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَ أَلْقَمَهُ الْمِيثَاقَ وَ هُوَ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ لِسَانٌ نَاطِقٌ وَ عَيْنٌ نَاظِرَةٌ يَشْهَدُ لِكُلِّ مَنْ وَافَاهُ إِلَي ذَلِكَ الْمَكَانِ وَ حَفِظَ الْمِيثَاقَ.

نام كتاب: الكافي- ط الاسلاميه نويسنده: الشيخ الكليني جلد: ۴ صفحه: ۱۸۶

أَبِي رحمه الله قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَي الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَي عَنْ عُمَرَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع لِأَيِّ عِلَّةٍ وَضَعَ اللَّهُ الْحَجَرَ فِي الرُّكْنِ الَّذِي هُوَ فِيهِ وَ لَمْ يُوضَعْ فِي غَيْرِهِ وَ لِأَيِّ عِلَّةٍ يُقَبَّلُ وَ لِأَيِّ عِلَّةٍ أُخْرِجَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ لِأَيِّ عِلَّةٍ وُضِعَ فِيهِ مِيثَاقُ الْعِبَادِ وَ الْعَهْدُ وَ لَمْ يُوضَعْ فِي غَيْرِهِ وَ كَيْفَ السَّبَبُ فِي ذَلِكَ تُخْبِرُنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِنَّ تَفَكُّرِي فِيهِ لَعَجَبٌ قَالَ فَقَالَ سَأَلْتَ وَ أَعْضَلْتَ فِي الْمَسْأَلَةِ وَ اسْتَقْصَيْتَ فَافْهَمْ وَ فَرِّغْ قَلْبَكَ وَ أَصْغِ سَمْعَكَ أُخْبِرْكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَي وَضَعَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ هُوَ جَوْهَرَةٌ أُخْرِجَتْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَي آدَمَ فَوُضِعَتْ فِي ذَلِكَ الرُّكْنِ لِعِلَّةِ الْمِيثَاقِ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَمَّا أَخَذَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ حِينَ أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ وَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ تَرَاءَي لَهُمْ رَبُّهُمْ وَ مِنْ ذَلِكَ الرُّكْنِ يَهْبِطُ الطَّيْرُ عَلَي الْقَائِمِ فَأَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ ذَلِكَ الطَّيْرُ وَ هُوَ وَ اللَّهِ جَبْرَئِيلُ ع وَ إِلَي ذَلِكَ الْمَقَامِ يُسْنِدُ ظَهْرَهُ وَ هُوَ الْحُجَّةُ وَ الدَّلِيلُ عَلَي الْقَائِمِ وَ هُوَ الشَّاهِدُ لِمَنْ وَافَي ذَلِكَ الْمَكَانَ وَ الشَّاهِدُ لِمَنْ أَدَّي إِلَيْهِ الْمِيثَاقَ وَ الْعَهْدَ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ بِهِ عَلَي الْعِبَادِ وَ أَمَّا الْقُبْلَةُ وَ الِالْتِمَاسُ فَلِعِلَّةِ الْعَهْدِ تَجْدِيداً لِذَلِكَ الْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ وَ تَجْدِيداً لِلْبَيْعَةِ وَ لِيُؤَدُّوا إِلَيْهِ فِي

ذَلکَ الْعَهْدَ الَّذی أخذَ عَلَیهِمْ فی الْمیثَاقِ فَیأتُونَهُ فی کُلِّ سَنَةٍ وَ لیؤَدُّوا إِلَیهِ ذَلکَ الْعَهْدَ أَ لَا تَرَي أَنَّکَ تَقُولُ أَمَانَتی أَدَّیتُهَا وَ میثَاقی تَعَاهَدْتُهُ لتَشْهَدَ لی بِالْمُوَافَاةِ وَ اللَّهِ مَا یؤَدِّی ذَلکَ أَحَدٌ غَیرُ شیعَتنَا وَ لَا حَفِظَ ذَلکَ الْعَهْدَ وَ الْمیثَاقَ أَحَدٌ غَیرُ شیعَتنَا وَ إِنَّهُمْ لَیأْتُونَهُ فَیعْرِفُهُمْ وَ یصَدِّقُهُمْ وَ یأْتیهِ غَیرُهُمْ فَینْکِرُهُمْ وَ یکَذِّبُهُمْ وَ ذَلکَ أَنَّهُ لَمْ یحْفَظْ ذَلکَ غَیرُکُمْ فَلَکُمْ وَ اللَّهِ یشْهَدُ وَ عَلَیهِمْ وَ اللَّهِ یشْهَدُ بِالْخَفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ الْکُفْرِ وَ هُوَ الْحُجَّةُ الْبَالغَةُ منَ اللَّهِ عَلَیهِمْ یوْمَ الْقیامَةِ یجِیءُ وَ لَهُ لسَانٌ نَاطِقٌ وَ عَینَانِ فی صُورَتِهِ الْأُولَي یعْرِفُهُ الْخَلْقُ وَ لَا ینْکِرُونَهُ یشْهَدُ لمَنْ وَافَاهُ وَ جَدَّدَ الْعَهْدَ وَ الْمیثَاقَ عِنْدَهُ بِحِفْظِ الْمیثَاقِ وَ الْعَهْدِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ یشْهَدُ عَلَي کُلِّ مَنْ أَنْکَرَ وَ جَحَدَ وَ نَسِیَ الْمیثَاقَ بِالْکُفْرِ وَ الْإِنْکَارِ وَ أَمَّا عِلَّةُ مَا أَخْرَجَهُ اللَّهُ منَ الْجَنَّةِ فَهَلْ تَدْرِی مَا کَانَ الْحَجَرُ قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ کَانَ مَلَکاً عَظِیماً منْ عُظَمَاءِ الْمَلَائکَةِ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَي فَلَمَّا أَخَذَ اللَّهُ منَ الْمَلَائکَةِ الْمیثَاقَ کَانَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ أَقَرَّ ذَلکَ الْمَلَکُ فَاتَّخَذَهُ اللَّهُ أَمِیناً عَلَي جَمِیعِ خَلْقِهِ فَأَلْقَمَهُ الْمیثَاقَ وَ أَوْدَعَهُ عِنْدَهُ وَ اسْتَعْبَدَ الْخَلْقَ أَنْ یجَدِّدُوا عِنْدَهُ فی کُلِّ سَنَةٍ الْإِقْرَارَ بِالْمیثَاقِ وَ الْعَهْدِ الَّذی أَخَذَ اللَّهُ بِهِ عَلَیهِمْ ثُمَّ جَعَلَهُ اللَّهُ مَعَ آدَمَ فی الْجَنَّةِ یذَکِّرُهُ الْمیثَاقَ وَ یجَدِّدُ عِنْدَهُ الْإِقْرَارَ فی کُلِّ سَنَةٍ فَلَمَّا عَصَي آدَمُ فَأَخْرَجَ منَ الْجَنَّةِ أَنْسَاهُ اللَّهُ الْعَهْدَ وَ الْمیثَاقَ الَّذی أَخَذَ اللَّهُ عَلَیهِ وَ عَلَي وُلْدِهِ لمُحَمَّدٍ وَ وَصِیِّهِ وَ جَعَلَهُ بَاهِتاً حَیرَانَ فَلَمَّا تَابَ عَلَي آدَمَ حَوَّلَ ذَلکَ الْمَلَکَ فی صُورَةِ دُرَّةٍ بَیضَاءَ فَرَمَاهُ منَ الْجَنَّةِ إِلَي آدَمَ وَ هُوَ بِأَرْضِ الْهِندِ فَلَمَّا رَآهُ أَنِسَ إِلَیهِ وَ هُوَ لَا یعْرِفُهُ بِأَکْثَرَ منْ أَنَّهُ جَوْهَرَةٌ فَأَنْطَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ یا آدَمُ أَ تَعْرِفُنی قَالَ لَا قَالَ أَجَلْ اسْتَحْوَذَ عَلَیکَ الشَّیطَانُ فَأَنْسَاکَ ذِکْرَ رَبِّکَ وَ تَحَوَّلَ إِلَي الصُّورَةِ الَّتی کَانَ بِهَا فی الْجَنَّةِ مَعَ آدَمَ فَقَالَ لآدَمَ أَیْنَ الْعَهْدُ وَ الْمیثَاقُ فَوَثَبَ إِلَیهِ آدَمُ وَ ذَکَرَ الْمیثَاقَ وَ بَکَي وَ خَضَعَ لَهُ وَ قَبَّلَهُ وَ جَدَّدَ الْإِقْرَارَ بِالْعَهْدِ وَ الْمیثَاقِ ثُمَّ حَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَي إِلَي جَوْهَرِ الْحَجَرِ دُرَّةً بَیضَاءَ صَافِیةً تُضِیءُ فَحَمَلَهُ آدَمُ عَلَي عَاتِقِهِ إِجْلَالًا لَهُ وَ تَعْظِیماً فَکَانَ إِذَا أَعْیَا حَمَلَهُ عَنْهُ جَبْرَئِیلُ حَتَّي وَافَي بِهِ مَکَّةَ فَمَا زَالَ یأْنَسُ بِهِ بِمَکَّةَ وَ یجَدِّدُ الْإِقْرَارَ لَهُ کُلَّ یوْمٍ وَ لَیلَةٍ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَي لَمَّا أَهْبَطَ جَبْرَئِیلَ إِلَي أَرْضِهِ وَ بَنَي الْکَعْبَةَ هَبَطَ إِلَي ذَلکَ الْمَکَانِ بَینَ الرُّکْنِ وَ الْبَابِ وَ فی ذَلکَ الْمَکَانِ تَرَاءَي لآدَمَ حِینَ أَخَذَ الْمیثَاقَ وَ فی ذَلکَ الْمَوْضِعِ أَلْقَمَ الْمَلَکَ الْمیثَاقَ فَلتلْکَ الْعِلَّةِ وُضِعَ فی ذَلکَ الرُّکْنِ وَ نَحَّي آدَمَ منْ مَکَانِ الْبَیتِ إِلَي الصَّفَا وَ حَوَّاءَ إِلَي الْمَرْوَةِ فَأَخَذَ اللَّهُ الْحَجَرَ فَوَضَعَهُ بِیدِهِ فی ذَلکَ الرُّکْنِ فَلَمَّا أَنْ نَظَرَ آدَمُ منَ الصَّفَا وَ قَدْ وُضِعَ الْحَجَرُ فی الرُّکْنِ کَبَّرَ اللَّهَ وَ هَلَّلَهُ وَ مَجَّدَهُ فَلذَلکَ جَرَتِ السُّنَّةُ بِالتَّکْبِیرِ فی اسْتِقْبَالِ الرُّکْنِ الَّذی فِیهِ الْحَجَرُ منَ الصَّفَا وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْدَعَهُ الْعَهْدَ وَ الْمیثَاقَ وَ أَلْقَمَهُ إِیَّاهُ دُونَ غَیرِهِ منَ الْمَلَائکَةِ لأَنَّ اللَّهَ تَعَالَي لَمَّا أَخَذَ الْمیثَاقَ لَهُ بِالرُّبُوبِیَّةِ وَ لمُحَمَّدٍ بِالنُّبُوَّةِ وَ لعَلِیٍّ)ع(بِالْوَصِیَّةِ اصْطَکَّتْ فَرَائِصُ الْمَلَائکَةِ وَ أَوَّلُ مَنْ أَسْرَعَ إِلَي الْإِقْرَارِ بِذَلکَ الْمَلَکُ وَ لَمْ یکُنْ فِیهِمْ أَشَدَّ حُبّاً لمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ منْهُ فَلذَلکَ اخْتَارَهُ اللَّهُ تَعَالَي منْ بَینِهِمْ وَ أَلْقَمَهُ الْمیثَاقَ فَهُوَ یجِیءُ یوْمَ الْقِیامَةِ وَ لَهُ لسَانٌ نَاطِقٌ وَ عَینٌ نَاظِرَةٌ لیشْهَدَ لکُلِّ مَنْ وَافَاهُ إِلَي ذَلکَ الْمَکَانِ وَ حَفِظَ الْمیثَاقَ

قال محمد بن علی مؤلف هذا الکتاب جاء هذا الخبر هکذا و معني قوله إن الله أهبط إلي أرضه و بني الکعبة أهبطهم إلي ما بین الرکن و المقام و فی ذلک المکان ثوابه جزیل لآدم فأخذ المیثاق و أما قوله أخذ الله الحجر بیده فإنه یعنی بقدرته

نام کتاب: علل الشرائع نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۲ صفحه: ۴۲۹ – ۴۳۱

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- اصل این روایت طولانی در کتاب کافی است اما این قسمتی که میگوید:

[ان الله عزوجل لما بني الکعبة وضع الحجر فی ذلک المکان]

یعنی هنگامی که خداوند کعبه را بنا کرد، سنگ را در آن موضع قرار داد

- شیخ صدوق این را تغییر داد به!

[إن الله لما أهبط جبریل إلي أرضه و بني الکعبة؛ هبط الي ذلک المکان]

یعنی هنگامی که خداوند جبریل را به زمین فرستاد و جبریل کعبه را ساخت ..!

- روایت را با کلماتی مخل، تغییر داده و سنگ را با هبوط جبریل و ساخت خدا را به ساخت جبریل تغییر داد!

هدف تحریف:

- از آنجا که با عقیده خودش معارض بود، عمل خداوند را به جبریل نسبت داد!

- نکته: موسی بن عمر؛ در این نسخه علل الشرایع به موسی عن عمر تصحیف شده است، و بنا به نسخه های دیگر محققین گفته اند صحیح آن موسی بن عمر است.

روایت پنجم

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ أَخْبَرَنِي زَكَرِيَّا بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرٍو عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ :كَانَ قَوْمٌ لُوطٍ مِنْ أَفْضَلِ قَوْمٍ خَلَقَهُمُ اللَّهُ فَطَلَبَهُمْ إِبْلِيسُ الطَّلَبَ الشَّدِيدَ وَ كَانَ مِنْ فَضْلِهِمْ وَ خِيَرَتِهِمْ أَنَّهُمْ إِذَا خَرَجُوا إِلَي الْعَمَلِ خَرَجُوا بِأَجْمَعِهِمْ وَ تَبْقَي النِّسَاءُ خَلْفَهُمْ فَلَمْ يَزَلْ إِبْلِيسُ يَعْتَادُهُمْ فَكَانُوا إِذَا رَجَعُوا خَرَّبَ إِبْلِيسُ مَا يَعْمَلُونَ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ تَعَالَوْا نَرْصُدْ هَذَا الَّذِي يُخَرِّبُ مَتَاعَنَا فَرَصَدُوهُ فَإِذَا هُوَ غُلَامٌ أَحْسَنُ مَا يَكُونُ مِنَ الْغِلْمَانِ فَقَالُوا لَهُ أَنْتَ الَّذِي تُخَرِّبُ مَتَاعَنَا مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ فَاجْتَمَعَ رَأْيُهُمْ عَلَي أَنْ يَقْتُلُوهُ فَبَيَّتُوهُ عِنْدَ رَجُلٍ فَلَمَّا كَانَ اللَّيْلُ صَاحَ فَقَالَ لَهُ مَا لَكَ فَقَالَ كَانَ أَبِي يُنَوِّمُنِي عَلَي بَطْنِهِ فَقَالَ لَهُ تَعَالَ فَنَمْ عَلَي بَطْنِي قَالَ فَلَمْ يَزَلْ يَدْلُكُ الرَّجُلَ حَتَّي عَلَّمَهُ أَنَّهُ يَفْعَلُ بِنَفْسِهِ فَأَوَّلًا عَلَّمَهُ إِبْلِيسُ وَ الثَّانِيَةَ عَلَّمَهُ هُوَ ثُمَّ انْسَلَّ فَفَرَّ مِنْهُمْ وَ أَصْبَحُوا فَجَعَلَ الرَّجُلُ يُخْبِرُ بِمَا فَعَلَ بِالْغُلَامِ وَ يُعَجِّبُهُمْ مِنْهُ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ فَوَضَعُوا أَيْدِيَهُمْ فِيهِ حَتَّي اكْتَفَي الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ ثُمَّ جَعَلُوا يَرْصُدُونَ مَارَّةَ الطَّرِيقِ فَيَفْعَلُونَ بِهِمْ حَتَّي تَنَكَّبَ مَدِينَتَهُمُ النَّاسُ ثُمَّ تَرَكُوا نِسَاءَهُمْ وَ أَقْبَلُوا عَلَي الْغِلْمَانِ فَلَمَّا رَأَي أَنَّهُ قَدْ أَحْكَمَ أَمْرَهُ فِي الرِّجَالِ جَاءَ إِلَي النِّسَاءِ فَصَيَّرَ نَفْسَهُ امْرَأَةً فَقَالَ إِنَّ رِجَالَكُنَّ يَفْعَلُ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ قَالُوا نَعَمْ قَدْ رَأَيْنَا ذَلِكَ وَ كُلَّ ذَلِكَ يَعِظُهُمْ لُوطٌ وَ يُوصِيهِمْ وَ إِبْلِيسُ يُغْوِيهِمْ حَتَّي اسْتَغْنَي النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ فَلَمَّا كَمَلَتْ عَلَيْهِمُ الْحُجَّةُ بَعَثَ اللَّهُ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ ع فِي زِيِّ غِلْمَانٍ عَلَيْهِمْ أَقْبِيَةٌ فَمَرُّوا بِلُوطٍ وَ هُوَ يَحْرُثُ فَقَالَ أَيْنَ تُرِيدُونَ مَا رَأَيْتُ أَجْمَلَ مِنْكُمْ قَطُّ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا سَيِّدُنَا إِلَي رَبِّ هَذِهِ الْمَدِينَةِ قَالَ أَ وَ لَمْ يَبْلُغْ سَيِّدَكُمْ مَا يَفْعَلُ أَهْلُ هَذِهِ الْمَدِينَةِ يَا بَنِيَّ إِنَّهُمْ وَ اللَّهِ يَأْخُذُونَ الرِّجَالَ فَيَفْعَلُونَ بِهِمْ حَتَّي يَخْرُجَ الدَّمُ فَقَالُوا أَمَرَنَا سَيِّدُنَا أَنْ نَمُرَّ وَسَطَهَا قَالَ فَلِي إِلَيْكُمْ حَاجَةٌ قَالُوا وَ مَا هِيَ قَالَ تَصْبِرُونَ هَاهُنَا إِلَي اخْتِلَاطِ الظَّلَامِ قَالَ فَجَلَسُوا قَالَ فَبَعَثَ ابْنَتَهُ فَقَالَ جِيئِي لَهُمْ بِخُبْزٍ وَ جِيئِي لَهُمْ بِمَاءٍ فِي الْقُرْعَةِ وَ جِيئِي لَهُمْ عَبَاءً يَتَغَطَّوْنَ بِهَا مِنَ الْبَرْدِ فَلَمَّا أَنْ ذَهَبَتِ الِابْنَةُ أَقْبَلَ الْمَطَرُ وَ الْوَادِي فَقَالَ لُوطٌ السَّاعَةَ يَذْهَبُ بِالصِّبْيَانِ الْوَادِي قُومُوا حَتَّي نَمْضِيَ وَ جَعَلَ لُوطٌ يَمْشِي فِي أَصْلِ الْحَائِطِ وَ جَعَلَ جَبْرَئِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ يَمْشُونَ وَسَطَ الطَّرِيقِ فَقَالَ يَا بَنِيَّ امْشُوا هَاهُنَا فَقَالُوا أَمَرَنَا سَيِّدُنَا أَنْ نَمُرَّ فِي وَسَطِهَا وَ كَانَ لُوطٌ يَسْتَغْنِمُ الظَّلَامَ وَ مَرَّ إِبْلِيسُ فَأَخَذَ مِنْ حَجَرِ امْرَأَةٍ صَبِيّاً فَطَرَحَهُ فِي الْبِئْرِ فَتَصَايَحَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ كُلُّهُمْ عَلَي بَابِ لُوطٍ فَلَمَّا أَنْ نَظَرُوا إِلَي الْغِلْمَانِ فِي مَنْزِلِ لُوطٍ قَالُوا يَا لُوطُ قَدْ دَخَلْتَ فِي عَمَلِنَا فَقَالَ هؤُلاءِ ضَيْفِي فَلا تَفْضَحُونِ فِي ضَيْفِي قَالُوا هُمْ ثَلَاثَةٌ خُذْ وَاحِداً وَ أَعْطِنَا اثْنَيْنِ قَالَ فَأَدْخَلَهُمُ الْحُجْرَةَ وَ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي أَهْلَ بَيْتٍ يَمْنَعُونِّي مِنْكُمْ قَالَ وَ تَدَافَعُوا عَلَي الْبَابِ وَ كَسَرُوا بَابَ لُوطٍ وَ طَرَحُوا لُوطاً فَقَالَ لَهُ جَبْرَئِيلُ -إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَخَذَ كَفّاً مِنْ بَطْحَاءَ فَضَرَبَ بِهَا وُجُوهَهُمْ وَ قَالَ شَاهَتِ الْوُجُوهُ فَعَمِيَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ كُلُّهُمْ وَ قَالَ لَهُمْ لُوطٌ يَا رُسُلَ رَبِّي فَمَا أَمْرَكُمْ رَبِّي فِيهِمْ قَالُوا أَمَرَنَا أَنْ نَأْخُذَهُمْ بِالسَّحَرِ قَالَ فَلِي إِلَيْكُمْ حَاجَةٌ قَالُوا وَ مَا حَاجَتُكَ قَالَ تَأْخُذُونَهُمُ السَّاعَةَ فَإِنِّي أَخَافُ أَنْ يَبْدُوَ لِرَبِّي فِيهِمْ فَقَالُوا يَا لُوطُ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَ لَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ لِمَنْ يُرِيدُ أَنْ

يَأْخُذَ فَخُذْ أَنْتَ بَنَاتِكَ وَ امْضِ وَ دَعِ امْرَأَتَكَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع- رَحِمَ اللَّهُ لُوطاً لَوْ يَدْرِي مَنْ مَعَهُ فِي الْحُجْرَةِ لَعَلِمَ أَنَّهُ مَنْصُورٌ حَيْثُ يَقُولُ -لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلى رُكْنٍ شَدِيدٍ أَيْ رُكْنٍ أَشَدُّ مِنْ جَبْرَئِيلَ مَعَهُ فِي الْحُجْرَةِ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُحَمَّدٍ ص وَ ما هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ مِنْ ظَالِمِي أُمَّتِكَ إِنْ عَمِلُوا مَا عَمِلَ قَوْمُ لُوطٍ قَالَ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَلَحَّ فِي وَطْيِ الرِّجَالِ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَدْعُوَ الرِّجَالَ إِلَى نَفْسِهِ.

نام كتاب: الكافي- ط الاسلاميه نويسنده: الشيخ الكليني جلد: ۵ صفحه: ۵۴۴ - ۵۴۶

عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ أَخْبَرَنِي زَكَرِيَّا بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرٍو عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ كَانَ قَوْمُ لُوطٍ مِنْ أَفْضَلِ قَوْمٍ خَلَقَهُمُ اللَّهُ فَطَلَبَهُمْ إِبْلِيسُ الطَّلَبَ الشَّدِيدَ وَ كَانَ مِنْ فَضْلِهِمْ وَ خَيْرَتِهِمْ أَنَّهُمْ إِذَا خَرَجُوا إِلَى الْعَمَلِ خَرَجُوا بِأَجْمَعِهِمْ وَ يَبْقَى النِّسَاءُ خَلْفَهُمْ فَلَمَّا حَسَدَهُمْ إِبْلِيسُ لِعِبَادَتِهِمْ كَانُوا إِذَا رَجَعُوا خَرَّبَ إِبْلِيسُ مَا يعلمون [يَعْمَلُونَ قَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ تَعَالَوْا حَتَّى نَرْصُدَ هَذَا الَّذِي يُخَرِّبُ مَتَاعَنَا فَرَصَدُوهُ فَإِذَا هُوَ غُلَامٌ أَحْسَنُ مَا يَكُونُ مِنَ الْغِلْمَانِ فَقَالُوا أَنْتَ الَّذِي تُخَرِّبُ مَتَاعَنَا مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ فَقَالَ نَعَمْ فَأَخَذُوهُ فَاجْتَمَعَ رَأْيُهُمْ عَلَى أَنْ يَقْتُلُوهُ فَبَيَّتُوهُ عِنْدَ رَجُلٍ فَلَمَّا كَانَ اللَّيْلُ صَاحَ فَقَالَ لَهُ مَا لَكَ قَالَ كَانَ أَبِي يُنَوِّمُنِي فِي بَطْنِهِ فَقَالَ لَهُ تَعَالَ فَنَمْ فِي بَطْنِي قَالَ فَلَمْ يَزَلْ يَدْلُكُ الرَّجُلَ حَتَّى عَلَّمَهُ أَنْ يَعْمَلَ بِنَفْسِهِ فَأَوَّلًا عَمِلَهُ إِبْلِيسُ وَ الثَّانِيَةَ عَمِلَهُ هُوَ ثُمَّ انْسَلَّ فَفَرَّ مِنْهُمْ وَ أَصْبَحُوا فَجَعَلَ الرَّجُلُ يُخْبِرُ بِمَا فَعَلَ بِالْغُلَامِ وَ يُعَجِّبُهُمْ مِنْهُ شَيْءٌ لَا يَعْرِفُونَهُ فَوَضَعُوا أَيْدِيَهُمْ فِيهِ حَتَّى اكْتَفَى الرِّجَالُ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ ثُمَّ جَعَلُوا يَرْصُدُونَ مَارَّ الطَّرِيقِ فَيَفْعَلُونَ بِهِمْ حَتَّى تَرَكَتْ مَدِينَتَهُمُ النَّاسُ ثُمَّ تَرَكُوا نِسَاءَهُمْ فَأَقْبَلُوا عَلَى الْغِلْمَانِ فَلَمَّا رَأَى إِبْلِيسُ أَنَّهُ قَدْ أَحْكَمَ أَمْرَهُ فِي الرِّجَالِ دَارَ إِلَى النِّسَاءِ فَصَيَّرَ نَفْسَهُ امْرَأَةً ثُمَّ قَالَ إِنَّ رِجَالَكُنَّ يَفْعَلُونَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ قُلْنَ نَعَمْ قَدْ رَأَيْنَا ذَلِكَ فَقَالَ وَ أَنْتُنَّ افْعَلْنَ كَذَلِكَ وَ عَلَّمَهُنَّ الْمُسَاحَقَةَ فَفَعَلْنَ حَتَّى اسْتَغْنَتِ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ كُلَّ ذَلِكَ يَعِظُهُمْ لُوطٌ وَ يُوصِيهِمْ فَلَمَّا كَمَلَتْ عَلَيْهِمُ الْحُجَّةُ بَعَثَ اللَّهُ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ فِي زِيِّ غِلْمَانٍ عَلَيْهِمْ أَقْبِيَةٌ فَمَرُّوا بِلُوطٍ وَ هُوَ يَحْرُثُ قَالَ أَيْنَ تُرِيدُونَ فَمَا رَأَيْتُ أَجْمَلَ مِنْكُمْ قَطُّ قَالُوا أَرْسَلَنَا سَيِّدُنَا إِلَى رَبِّ هَذِهِ الْمَدِينَةِ قَالَ أَ وَ لَمْ يَبْلُغْ سَيِّدَكُمْ مَا يَفْعَلُ أَهْلُ هَذِهِ الْمَدِينَةِ يَا بَنِيَّ إِنَّهُمْ وَ اللَّهِ يَأْخُذُونَ الرِّجَالَ فَيَفْعَلُونَ بِهِمْ حَتَّى يَخْرُجَ الدَّمُ فَقَالُوا أَمَرَنَا سَيِّدُنَا أَنْ نَمُرَّ وَسَطَهَا قَالَ فَلِي إِلَيْكُمْ حَاجَةٌ قَالُوا وَ مَا هِيَ قَالَ تَصْبِرُونَ هَاهُنَا إِلَى اخْتِلَاطِ الظَّلَامِ فَجَلَسُوا قَالَ فَبَعَثَ ابْنَتَهُ فَقَالَ جِيئِينِي لَهُمْ بِخُبْزٍ وَ جِيئِينِي لَهُمْ بِمَاءٍ فِي الْقَرْعَةِ وَ جِيئِينِي لَهُمْ بِعَبَاءٍ يَتَغَطَّوْنَ بِهَا مِنَ الْبَرْدِ فَلَمَّا أَنْ ذَهَبَتْ إِلَى الْبَيْتِ أَقْبَلَ الْمَطَرُ وَ امْتَلَأَ الْوَادِي فَقَالَ لُوطٌ السَّاعَةَ يَذْهَبُ بِالصِّبْيَانِ الْوَادِي قَالَ فَقُومُوا حَتَّى نَمْضِيَ فَجَعَلَ لُوطٌ يَمْشِي فِي أَصْلِ الْحَائِطِ وَ جَعَلَ جَبْرَئِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ يَمْشُونَ فِي وَسَطِ الطَّرِيقِ فَقَالَ يَا بَنِيَّ امْشُوا هَاهُنَا فَقَالُوا أَمَرَنَا سَيِّدُنَا أَنْ نَمُرَّ فِي وَسَطِهَا وَ كَانَ لُوطٌ يَسْتَغْنِمُ الظَّلَامَ وَ مَرَّ إِبْلِيسُ فَأَخَذَ مِنْ حَجَرِ امْرَأَةٍ صَبِيّاً فَطَرَحَهُ فِي الْبِئْرِ فَتَصَايَحَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ كُلُّهُمْ عَلَى بَابِ لُوطٍ فَلَمَّا نَظَرُوا إِلَى الْغِلْمَانِ فِي مَنْزِلِهِ قَالُوا يَا لُوطُ قَدْ دَخَلْتَ فِي عَمَلِنَا فَقَالَ هؤُلاءِ ضَيْفِي فَلا تَفْضَحُونِ فِي ضَيْفِي قَالُوا هُمْ ثَلَاثَةٌ خُذْ أَنْتَ وَاحِداً وَ أَعْطِنَا اثْنَيْنِ قَالَ فَأَدْخَلَهُمُ الْحُجْرَةَ وَ قَالَ لُوطٌ لَوْ أَنَّ لِي أَهْلَ بَيْتٍ يَمْنَعُونَنِي مِنْكُمْ قَالَ وَ تَدَافَعُوا عَلَى الْبَابِ فَكَسَرُوا بَابَ لُوطٍ وَ طَرَحُوا لُوطاً قَالَ جَبْرَئِيلُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَخَذَ كَفّاً مِنْ بَطْحَاءَ فَضَرَبَ بِهَا وُجُوهَهُمْ وَ قَالَ شَاهَتِ الْوُجُوهُ فَعَمِيَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ كُلُّهُمْ فَقَالَ لَهُمْ لُوطٌ يَا رُسُلَ رَبِّي بِمَا أَمَرَكُمْ فِيهِمْ قَالُوا أَمَرَنَا أَنْ نَأْخُذَهُمْ بِسِحْرٍ قَالَ فَلِي إِلَيْكُمْ حَاجَةٌ قَالُوا وَ مَا حَاجَتُكَ قَالَ تَأْخُذُونَهُمُ السَّاعَةَ فَإِنِّي أَخَافُ أَنْ يَبْدُوَ لِرَبِّي فِيهِمْ فَقَالُوا يَا لُوطُ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَ لَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ لِمَنْ يُرِيدُ أَنْ يَأْخُذَ فَخُذْ أَنْتَ بَنَاتِكَ وَ امْضِ وَ دَعِ امْرَأَتَكَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ رَحِمَ اللَّهُ لُوطاً لَمْ يَدْرِ مَنْ مَعَهُ فِي الْحُجْرَةِ وَ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ مَنْصُورٌ حِينَ يَقُولُ -لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلى رُكْنٍ شَدِيدٍ أَيْ رُكْنٍ أَشَدُّ مِنْ جَبْرَئِيلَ مَعَهُ فِي الْحُجْرَةِ قَالَ اللَّهُ لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ ما هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ أَيْ مِنْ ظَالِمِي أُمَّتِكَ أَنْ عَمِلُوا مَا عَمِلَ قَوْمُ لُوطٍ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ أَلَحَّ فِي وَطْءِ الرِّجَالِ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَدْعُوَ الرِّجَالَ إِلَى نَفْسِهِ.

نام كتاب: المحاسن نويسنده: البرقي، ابو جعفر جلد: ۱ صفحه: ۱۱۰ – ۱۱۲

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي حَسَنُ بْنُ مُتَيِّلٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ أَخْبَرَنِي زَكَرِيَّا بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرٍو عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ قَوْمُ لُوطٍ أَفْضَلَ قَوْمٍ خَلَقَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فَطَلَبَهُمْ إِبْلِيسُ الطَّلَبَ الشَّدِيدَ وَ كَانَ مِنْ قِصَّتِهِمْ وَ خَبَرِهِمْ أَنَّهُمْ إِذَا خَرَجُوا إِلَى الْعَمَلِ خَرَجُوا بِأَجْمَعِهِمْ وَ تَبْقَى النِّسَاءُ خَلْفَهُمْ فَأَتَى إِبْلِيسُ مَتَاعَهُمْ وَ كَانُوا إِذَا رَجَعُوا خَرَّبَ إِبْلِيسُ مَا يَعْمَلُونَ- فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ تَعَالَوْا نَرْصُدْ هَذَا الَّذِي يُخَرِّبُ مَتَاعَنَا فَرَصَدُوهُ فَإِذَا هُوَ غُلَامٌ أَحْسَنُ مَا يَكُونُ مِنَ الْغِلْمَانِ فَقَالُوا لَهُ أَنْتَ الَّذِي تُخَرِّبُ مَتَاعَنَا فَقَالَ نَعَمْ مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ فَاجْتَمَعَ رَأْيُهُمْ عَلَى أَنْ يَقْتُلُوهُ فَبَيَّتُوهُ عِنْدَ رَجُلٍ فَلَمَّا كَانَ اللَّيْلُ صَاحَ فَقَالَ مَا لَكَ فَقَالَ كَانَ أَبِي يُنَوِّمُنِي عَلَى بَطْنِهِ فَقَالَ تَعَالَ فَنَمْ عَلَى بَطْنِي فَلَمْ يَزَلْ يَدْلُكُ الرَّجُلَ حَتَّى عَلَّمَهُ أَنْ يَعْمَلَ بِنَفْسِهِ فَأَوَّلُ عَمَلَهُ إِبْلِيسُ وَ الثَّانِيَةَ عَمِلَهُ هُوَ ثُمَّ انْسَلَّ فَفَرَّ مِنْهُمْ فَأَصْبَحُوا فَجَعَلَ الرَّجُلُ يُخْبِرُ بِمَا فَعَلَ الْغُلَامُ وَ يُعْجِبُهُمْ مِنْهُ شَيْئاً لَا يَعْرِفُونَهُ فَوَضَعُوا أَيْدِيَهُمْ فِيهِ حَتَّى اكْتَفَى الرِّجَالُ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ ثُمَّ جَعَلُوا يَرْصُدُونَ مَارَّ الطَّرِيقِ فَيَفْعَلُونَ بِهِمْ حَتَّى تَرَكَ مَدِينَتَهُمُ النَّاسُ- ثُمَّ تَرَكُوا نِسَاءَهُمْ فَأَقْبَلُوا عَلَى الْغِلْمَانِ- فَلَمَّا رَأَى إِبْلِيسُ أَنَّهُ قَدْ أَحْكَمَ أَمْرَهُ فِي الرِّجَالِ دَارَ إِلَى النِّسَاءِ فَصَيَّرَ نَفْسَهُ امْرَأَةً ثُمَّ قَالَ إِنَّ رِجَالَكُمْ يَفْعَلُونَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ قُلْنَ نَعَمْ قَدْ رَأَيْنَا ذَلِكَ وَ عَلَى ذَلِكَ يَعِظُهُمْ لُوطٌ وَ يُوصِيهِمْ حَتَّى اسْتَخَفَّ بِهِ ثُمَّ اسْتَكْفَتِ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ فَلَمَّا كَمُلَتْ عَلَيْهِمُ الْحُجَّةُ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ فِي زِيِّ غِلْمَانٍ عَلَيْهِمْ أَقْبِيَةٌ فَمَرُّوا بِلُوطٍ ع وَ هُوَ يَحْرُثُ فَقَالَ أَيْنَ تُرِيدُونَ فَمَا رَأَيْتُ أَجْمَلَ مِنْكُمْ قَطُّ فَقَالُوا أَرْسَلَنَا سَيِّدُنَا إِلَى رَبِّ هَذِهِ الْمَدِينَةِ فَقَالَ أَ وَ لَمْ يَبْلُغْ سَيِّدَكُمْ مَا يَفْعَلُ أَهْلُ هَذِهِ الْقَرْيَةِ يَا بَنِيَّ إِنَّهُمْ وَ اللَّهِ يَأْخُذُونَ الرِّجَالَ فَيَفْعَلُونَ بِهِمْ حَتَّى يَخْرُجَ الدَّمُ فَقَالُوا أَمَرَنَا سَيِّدُنَا أَنْ نَمُرَّ فِي وَسَطِهَا قَالَ فَلِي إِلَيْكُمْ حَاجَةٌ قَالُوا وَ مَا هِيَ قَالَ تَصْبِرُونَ هَاهُنَا إِلَى اخْتِلَاطِ الظَّلَامِ قَالَ فَجَلَسُوا قَالَ فَبَعَثَ ابْنَتَهُ فَقَالَ جِيئِي لَهُمْ بِخُبْزٍ وَ جِيئِي لَهُمْ بِمَاءٍ فِي الْقِرْبَةِ وَ جِيئِي لَهُمْ عَبَاءً يُغَطُّونَ بِهَا مِنَ الْبَرْدِ فَلَمَّا أَنْ ذَهَبَتِ الِابْنَةُ إِلَى الْبَيْتِ ثُمَّ أَقْبَلَ الْمَطَرُ مِنَ الْوَادِي- قَالَ لَهُمْ قُومُوا بِنَا حَتَّى نَمْضِيَ فَجَعَلَ لُوطٌ ع يَمْشِي فِي أَصْلِ الْحَائِطِ وَ جَعَلَ جَبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ يَمْشُونَ فِي وَسَطِ الطَّرِيقِ فَقَالَ يَا بَنِيَّ امْشُوا هَاهُنَا فَقَالُوا أَمَرَنَا سَيِّدُنَا أَنْ نَمُرَّ فِي وَسَطِهَا وَ كَانَ لُوطٌ ع يَسْتَغْنِمُ الظَّلَامَ وَ مَرَّ إِبْلِيسُ فَأَخَذَ مِنْ حَجَرِ امْرَأَةٍ صَبِيّاً فَطَرَحَهُ فِي الْبِئْرِ فَتَصَايَحَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ كُلُّهُمْ عَلَى بَابِ لُوطٍ ع فَلَمَّا نَظَرُوا إِلَى الْغِلْمَانِ فِي مَنْزِلِ لُوطٍ ع قَالُوا يَا لُوطُ قَدْ دَخَلْتَ فِي عَمَلِنَا- قَالَ هؤُلاءِ ضَيْفِي فَلا تَفْضَحُونِ قَالُوا ثَلَاثَةٌ خُذْ وَاحِداً وَ أَعْطِنَا اثْنَيْنِ قَالَ وَ أَدْخَلَهُمُ الْحُجْرَةَ قَالَ لُوطٌ ع لَوْ أَنَّ لِي أَهْلَ بَيْتٍ يَمْنَعُونَنِي مِنْكُمْ قَالَ وَ تَدَافَعُوا عَلَى الْبَابِ فَكَسَرُوا بَابَ لُوطٍ ع وَ طَرَحُوا لُوطاً فَقَالَ لَهُمْ جَبْرَائِيلُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَخُذْ كَفّاً مِنْ بَطْحَاءِ الْأَرْضِ فَاضْرِبْ وُجُوهَهُمْ فَقَالَ شَاهَتِ الْوُجُوهُ فَعَمِيَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ كُلُّهُمْ فَقَالَ لَهُمْ لُوطٌ يَا رُسُلَ رَبِّي بِمَ أُمِرَكُمْ رَبِّي فِيهِمْ قَالَ أَمَرَنَا أَنْ نَأْخُذَهُمْ بِالسَّحَرِ قَالَ فَلِي إِلَيْكُمْ حَاجَةٌ قَالُوا وَ مَا حَاجَتُكَ قَالَ تَأْخُذُونَهُمُ السَّاعَةَ- قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَ لَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ لَكِنْ نُرِيدُ أَنْ تَرْحَلَ فَخُذْ أَنْتَ بَنَاتِكَ وَ امْضِ وَ دَعِ امْرَأَتَكَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع رَحِمَ اللَّهُ لُوطاً لَوْ يَدْرِي مَنْ مَعَهُ فِي الْحُجْرَةِ لَعَلِمَ أَنَّهُ مَنْصُورٌ حِينَ يَقُولُ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلى رُكْنٍ شَدِيدٍ أَيْ رُكْنٍ أَشَدَّ مِنْ جَبْرَئِيلَ مَعَهُ فِي الْحُجْرَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُحَمَّدٍ ص وَ ما هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ مِنْ ظَلَمَةِ أُمَّتِكَ إِنْ عَمِلُوا مَا عَمِلَ قَوْمُ لُوطٍ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَلَحَّ فِي وَطْيِ الرِّجَالِ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَدْعُوَ الرِّجَالَ إِلَى نَفْسِهِ.

نام کتاب: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۲۶۴ - ۲۶۶

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- اصل این روایت در کتاب محاسن برقی است که کلینی و شیخ صدوق آن را در کتاب خود آورده اند.

- اما آنچه شیخ صدوق آورده، این قسمت رو حذف کرده:

[فإني أخاف أن يبدو لربي فيهم]

یعنی میترسم که خداوند در مورد آنها نظرش برگردد (بدا کند)

هدف تحریف:

- واضح است، زیرا شیخ صدوق معتقد به بداء (ظهور بعد خفاء) نیست و بلکه صاحب چنین اعتقاد رو کافر میداند

((فمن زعم أن الله تعالي بدا له فی شیء بداء ندامة فهو عندنا کافر بالله العظیم))[۳۴]

- نکته: أحمد بن محمد بن خالد در سند صدوق و کلینی؛ برقی صاحب محاسن است که اسکن او را گذاشتم و کلینی و صدوق این روایت رو از او گرفته اند.

روایت ششم

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ :سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ -حُنَفاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ قَالَ الْحَنِيفِيَّةُ مِنَ الْفِطْرَةِ الَّتِي فَطَرَ اللَّهُ النَّاسَ عَلَيْهَا لا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ- قَالَ فَطَرَهُمْ عَلَي الْمَعْرِفَةِ بِهِ قَالَ زُرَارَةُ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ -وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلي أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلي الْآيَةَ قَالَ أَخْرَجَ مِنْ ظَهْرِ آدَمَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَي يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَخَرَجُوا كَالذَّرِّ فَعَرَّفَهُمْ وَ أَرَاهُمْ نَفْسَهُ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يَعْرِفْ أَحَدٌ رَبَّهُ وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَي الْفِطْرَةِ يَعْنِي الْمَعْرِفَةَ بِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَالِقُهُ كَذَلِكَ قَوْلُهُ وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۲ صفحه: ۱۲ – ۱۳

أبي رحمه‌الله، قال: حدثنا سعد بن عبد الله ، عن إبراهيم بن هاشم ومحمد بن الحسين بن أبي الخطاب ويعقوب بن يزيد جميعا ، عن ابن أبي عمير ، عن ابن أذينة ، عن زرارة ، عن أبي جعفر عليه‌السلام قال: سألته عن قول الله عزوجل: حنفاء لله غير مشركين به وعن الحنيفية ، فقال : هي الفطرة التي فطر الله الناس عليها لا تبديل لخلق الله ، وقال : فطرهم الله علي المعرفة ، قال زرارة: وسألته عن قول الله عزوجل: وإذا أخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ـ الآية قال: أخرج من ظهر آدم ذريته إلي يوم القيامة فخرجوا كالذر، فعرفهم وأراهم صنعه، ولولا ذلك لم يعرف أحد ربه، وقال: قال رسول الله صلي‌الله‌عليه‌وآله :كل مولود يولد علي الفطرة. يعني علي المعرفة بأن الله عزوجل خالقه ، فذلك قوله: ولئن سألتهم من خلق السماوات والأرض ليقولن الله.

نام کتاب: التّوحید نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۳۳۱

[۳۴] - الإعتقادات – الشیخ صدوق: ۴۱/۱

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- شیخ صدوق جمله امام معصوم [″فعرفهم وأراهم نفسه″] که در کافی آمده را به [″فعرفهم وأراهم صنعه″] تغییر داد!

هدف تحریف:

- توهّم تشبیه دانستن خدا را برطرف کرد و رؤیت خدا را به صنع او تغییر داد.

- آقای طباطبایی در تفسیر میزان بر این دستکاری های شیخ صدوق تعلیق زد و فرمود:

((و لعله من تغيير اللفظ قصداً للنقل المعني، زعماً أن ظاهر اللفظ يوهم التجسيم، و فيه إفساد اللفظ و المعني جميعاً))[۳۵]

به این معنا که شیخ صدوق از آنجا که از ظاهر جمله، تجسیم رو احساس کرد، فلذا آن را به معنای مد نظر خود، لفظ را تغییر داد که نتیجه این شد که هم به معنای روایت و هم به لفظ روایت گند زد!

روایت هفتم

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ :يُسْلَكُ بِالسَّعِيدِ فِي طَرِيقِ الْأَشْقِيَاءِ حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ مَا أَشْبَهَهُ بِهِمْ بَلْ هُوَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَتَدَارَكُهُ السَّعَادَةُ وَ قَدْ يُسْلَكُ بِالشَّقِيِّ فِي طَرِيقِ السُّعَدَاءِ حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ مَا أَشْبَهَهُ بِهِمْ بَلْ هُوَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَتَدَارَكُهُ الشَّقَاءُ إِنَّ مَنْ كَتَبَهُ اللَّهُ سَعِيداً وَ إِنْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا فُوَاقُ نَاقَةٍ خَتَمَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۱ صفحه: ۱۵۴

عَنْهُ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنْ مُعَلَّى أَبِي عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ اخْتَصَمَ رَجُلَانِ بِالْمَدِينَةِ قَدَرِيٌّ وَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ فَجَعَلَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ بَيْنَهُمَا فَأَتَيَاهُ فَذَكَرَا كَلَامَهُمَا فَقَالَ إِنْ شِئْتُمَا أَخْبَرْتُكُمَا بِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَا قَدْ شِئْنَا فَقَالَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ فَصَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ كِتَابٌ كَتَبَهُ اللَّهُ بِيَمِينِهِ وَ كِلْتَا يَدَيْهِ يَمِينٌ فِيهِ أَسْمَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ عَشَائِرِهِمْ مُجْمَلٌ عَلَيْهِمْ لَا يَزِيدُ فِيهِمْ رَجُلًا وَ لَا يَنْقُصُ مِنْهُمْ أَحَداً أَبَداً وَ كِتَابٌ كَتَبَهُ اللَّهُ فِيهِ أَسْمَاءُ أَهْلِ النَّارِ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ عَشَائِرِهِمْ مُجْمَلٌ عَلَيْهِمْ لَا يَزِيدُ فِيهِمْ رَجُلًا وَ لَا يَنْقُصُ مِنْهُمْ رَجُلًا وَ قَدْ يُسْلَكُ بِالسَّعِيدِ فِي طَرِيقِ الْأَشْقِيَاءِ ثُمَّ يَقُولُ النَّاسُ كَأَنَّهُ مِنْهُمْ مَا أَشْبَهَهُ بِهِمْ بَلْ هُوَ مِنْهُمْ ثُمَّ تَدَارَكَهُ السَّعَادَةُ وَ قَدْ يُسْلَكُ بِالشَّقِيِّ طَرِيقَ

[۳۵] - المیزان فی تفسیر القرآن: ۳۳۰/۸

السَّعَدَاءِ حَتَّي يَقُولَ النَّاسُ مَا أَشْبَهَهُ بِهِمْ بَلْ هُوَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَتَدَارَكُهُ الشَّقَاءُ مَنْ كَتَبَهُ اللَّهُ سَعِيداً وَ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْءٌ إِلَّا فُوَاقَ نَاقَةٍ خَتَمَ اللَّهُ لَهُ بِالسَّعَادَةِ.

نام کتاب: المحاسن نویسنده: البرقی، ابو جعفر جلد: ۱ صفحه: ۲۸۰

أبی رحمه‌الله قال: حدثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن خالد ، عن أبيه ، عن النضر بن سويد، عن يحيي بن عمران الحلبی، عن معلي أبی عثمان عن علی بن حنظلة، عن أبی عبد الله عليه‌السلام أنه قال: يسلک بالسعيد طريق الأشقياء حتي يقول الناس: ما أشبهه بهم بل هو منهم ثم يتداركه السعادة ، وقد يسلک بالشقی طريق السعداء حتي يقول الناس : ما أشبهه بهم بل هو منهم ثم يتداركه الشقاء. إن من علمه الله تعالي سعيدا وإن لم يبق من الدنيا إلا فواق ناقة ختم له بالسعادة.

نام کتاب: التّوحید نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۳۵۷

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

"إن من کتبه الله سعيداً ... ختم له بالسعادة"

- شیخ صدوق آن را چنین تغییر داد:

"إن من عَلِمَهُ الله سعيداً ... ختم له بالسعادة"

- أحمد بن محمد بن خالد در سند صدوق و کلینی؛ برقی صاحب محاسن است و کلینی و صدوق این روایت رو از او گرفته اند.

هدف تحریف:

- از آنجا که ظاهر روایت نزد شیخ صدوق مؤید مذهب جبریه هست آن را تغییر داد، زیرا همانطور که شریف مرتضی گفتند؛ اهل قم جمیعهم جز شیخ صدوق، مجبّره و مجسمه بودند!

((وأن القميين كلهم من غير استثناء لأحد منهم إلا أبا جعفر بن بابويه بالأمس كانوا مشبهة مجبرة وكتبهم وتصانيفهم تشهد بذلک وتنطق به))[۳۶]

- کتاب ها و مصنفات آنان از شیعیان از بین رفت، و تنها تحریفات و تزویرات شیخ صدوق باقی ماند!

[۳۶] - رسائل المرتضي: ۳۱۰/۳

روایت هشتم

مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ :إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّعَادَةَ وَ الشَّقَاءَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ خَلْقَهُ فَمَنْ خَلَقَهُ اللَّهُ سَعِيداً لَمْ يُبْغِضْهُ أَبَداً وَ إِنْ عَمِلَ شَرّاً أَبْغَضَ عَمَلَهُ وَ لَمْ يُبْغِضْهُ وَ إِنْ كَانَ شَقِيّاً لَمْ يُحِبَّهُ أَبَداً وَ إِنْ عَمِلَ صَالِحاً أَحَبَّ عَمَلَهُ وَ أَبْغَضَهُ لِمَا يَصِيرُ إِلَيْهِ فَإِذَا أَحَبَّ اللَّهُ شَيْئاً لَمْ يُبْغِضْهُ أَبَداً وَ إِذَا أَبْغَضَ شَيْئاً لَمْ يُحِبَّهُ أَبَداً

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۱ صفحه: ۱۵۲ - ۱۵۳

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّعَادَةَ وَ الشَّقَاءَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ خَلْقَهُ فَمَنْ عَلِمَهُ اللَّهُ سَعِيداً لَمْ يُبْغِضْهُ اللَّهُ أَبَداً وَ إِنْ عَمِلَ شَرّاً أَبْغَضَ عَمَلَهُ وَ لَمْ يُبْغِضْهُ وَ إِنْ كَانَ شَقِيّاً لَمْ يُحِبَّهُ اللَّهُ أَبَداً وَ إِنْ عَمِلَ صَالِحاً أَحَبَّ اللَّهُ عَمَلَهُ وَ أَبْغَضَهُ لِمَا يُصَيِّرُهُ إِلَيْهِ فَإِذَا أَحَبَّ اللَّهُ شَيْئاً لَمْ يُبْغِضْهُ أَبَداً وَ إِذَا أَبْغَضَ اللَّهُ شَيْئاً لَمْ يُحِبَّهُ أَبَداً

نام کتاب: المحاسن نویسنده: البرقی، ابو جعفر جلد: ۱ صفحه: ۲۷۹

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رحمه‌الله ، قال : حدثنا محمد بن الحسن الصفار ، عن يعقوب بن يزيد ، عن صفوان بن يحيي ، عن منصور بن حازم ، عن أبي عبد الله عليه‌السلام ، قال : إن الله عزوجل خلق السعاة والشقاوة قبل أن يخلق خلقه فمن علمه الله سعيدا لم يبغضه أبدا ، وإن عمل شرا أبغض عمله ولم يبغضه، وإن كان علمه شقيا لم يحبه أبدا، وإن عمل صالحا أحب عمله وأبغضه لما يصير إليه ، فإذا أحب الله شيئا لم يبغضه أبدا ، وإذا أبغض شيئا لم يحبه أبداً.

نام کتاب: التّوحید نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۳۵۷ - ۳۵۸

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- شیخ صدوق در دو موضع از روایت را تغییر داد:

۱- "فمن خلقه الله سعيداً لم يبغضه أبداً"

- شیخ صدوق آن را چنین تغییر داد:

"فمن علمه الله سعيداً لم يبغضه أبداً"

۲- "و إن كان شقيّاً لم يحبه الله أبداً"

- شیخ صدوق آن را چنین تغییر داد:

"و إن كان علمه شقيّاً لم يحبه الله أبداً"

هدف تحریف:

- روایت مؤید مذهب جبریه هست، همانطور که در روایت سابق (۷) و روایت شماره (۱) ذکر کردم.

- نکته: در کتاب کافی باب "السعادة و الشقاء" ۳ عدد روایت است، که اتفاقاً شیخ صدوق هر سه مورد رو در کتاب خود تغییر داده است و آن هم در روایات شماره ۱ ؛ ۷ و ۸ قرار داده ام.

روایت نهم

وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع السَّبْتُ لَنَا وَ الْأَحَدُ لِشِيعَتِنَا- وَ الِاثْنَيْنِ لِبَنِي أُمَيَّةَ وَ الثَّلَاثَاءُ لِشِيعَتِهِمْ- وَ الْأَرْبِعَاءُ لِبَنِي الْعَبَّاسِ وَ الْخَمِيسُ لِشِيعَتِهِمْ- وَ الْجُمُعَةُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَيْسَ فِيهِ سَفَرٌ- قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ {فإذا قضيت الصلاة فانتشروا فی الأرض وابتغوا من فضل الله} يَعْنِي سَفَرَ يَوْمِ السَّبْتِ.

نام کتاب: صحیفه الرضا نویسنده: منسوب به علی بن موسی ع محقق: محمد مهدی نجف جلد: ۱ صفحه: ۷۸

وبهذا الاسناد عن جعفر بن محمد عليهما السلام قال السبت لنا والاحد لشيعتنا والاثنين لبني امية والثلاثاء لشيعتهم والاربعاء لبني العباس والخميس لشيعتهم والجمعة لسائر الناس جميعا وليس فيه سفر قال الله تعالي {فإذا قضيت الصلاة فانتشروا فی الأرض وابتغوا من فضل الله} يعني يوم السبت.

نام کتاب: عيون أخبار الرضا(ع) نویسنده: الشيخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۴۶

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- در صحیفه امام رضا آمده:

"السبت لنا والاحد لشيعتنا والاثنين لبني امية والثلاثاء لشيعتهم والاربعاء لبني العباس والخميس لشيعتهم والجمعة لله عزوجل"

- شیخ صدوق آن را چنین تغییر داد:

"السبت لنا والاحد لشيعتنا والاثنين لبني امية والثلاثاء لشيعتهم والاربعاء لبني العباس والخميس لشيعتهم والجمعة لسائر الناس جميعاً"

هدف تحریف:

- خلاف عقل است، زیرا تمام روزها برای خداوند است، نه تنها به روز جمعه اختصاص دارد فلذا شیخ صدوق برای امام معصوم تصحیح کرد!

روایت دهم

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ :سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْمَاضِيَ ع عَمَّا أَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَقَدِ اخْتَلَفَ أَصْحَابُنَا فِيهِ فَقَالَ قُلْ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ -اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ اللَّهُ رَبِّي وَ الْإِسْلَامَ دِينِي وَ مُحَمَّداً نَبِيِّي وَ عَلِيّاً وَ فُلَاناً وَ فُلَاناً إِلَى آخِرِهِمْ أَئِمَّتِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَ مِنْ عَدُوِّهِمْ أَتَبَرَّأُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ ثَلَاثاً {اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ بِإِيوَائِكَ عَلَي نَفْسِكَ} لِأَوْلِيَائِكَ لَتُظْفِرَنَّهُمْ بِعَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ عَلَي الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ ثَلَاثاً ثُمَّ ضَعْ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَي الْأَرْضِ وَ تَقُولُ يَا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَ تَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ يَا بَارِئَ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَ قَدْ كَانَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ عَلَي الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ ضَعْ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ وَ تَقُولُ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَ عِزَّتِكَ بَلَغَ بِي مَجْهُودِي- ثَلَاثاً ثُمَّ تَقُولُ- يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعِظَامِ ثَلَاثاً ثُمَّ تَعُودُ لِلسُّجُودِ فَتَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ- شُكْراً شُكْراً ثُمَّ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَي.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۳ صفحه: ۳۲۵ – ۳۲۶

رَوَي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جُنْدَبٍ عَنْ مُوسَي بْنِ جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ: تَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي وَ الْإِسْلَامَ دِينِي وَ مُحَمَّداً نَبِيِّي وَ عَلِيّاً وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ- وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَي بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَي وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ- وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍ أَئِمَّتِي بِهِمْ أَتَوَلَّي وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّأُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ ثَلَاثاً اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ بِإِيوَائِكَ عَلَي نَفْسِكَ لِأَعْدَائِكَ لَتُهْلِكَنَّهُمْ بِأَيْدِينَا وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ بِإِيوَائِكَ عَلَي نَفْسِكَ لِأَوْلِيَائِكَ لَتُظْفِرَنَّهُمْ بِعَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ- وَ عَلَي الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ثَلَاثاً وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ ثَلَاثاً ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَي الْأَرْضِ وَ تَقُولُ يَا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَ تَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ يَا بَارِئَ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ- وَ عَلَي الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ثَلَاثاً ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَي الْأَرْضِ وَ تَقُولُ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَ عِزَّتِكَ بَلَغَ بِي مَجْهُودِي ثَلَاثاً ثُمَّ تَعُودُ لِلسُّجُودِ وَ تَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ شُكْراً شُكْراً ثُمَّ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

نام کتاب: من لا یحضره الفقیه نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۳۲۹ – ۳۳۱

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- آنچه معلوم است، تا وفات امام حسن عسکری (۲۶۰ هـ)، نام ۱۲ امام نزد شیعیان معلوم نبوده است [همانطور که در کانال ردود علمیة بیان شد]

- اما هنگامی که شیعه ای بیاد روایت شیخ صدوق رو مطالعه کند، فکر خواهد کرد که نام این امامان که در متن یاد شده از امام معصوم است، در حالی که جزو تحریفات و دستکاری های شیخ صدوق است!

- نکته: سند شیخ صدوق، همان سند کلینی است.

((و ما کان فی عن عبدالله بن جندب، فقد رویته عن محمد بن علی ماجیلویه عن علی بن ابراهیم بن هاشم عن ابیه عن عبد الله بن جندب))[۳۷]

روایت یازدهم

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ الِاثْنَا عَشَرَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ كُلُّهُمْ مُحَدَّثٌ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ وُلْدِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع -فَرَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلِيٌّ ع هُمَا الْوَالِدَانِ.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۱ صفحه: ۵۳۳

حدثنا محمد بن علي ماجيلويه رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن يعقوب الكليني قال: حدثنا أبو علي الاشعري عن الحسين بن عبيد الله عن الحسن بن موسي الخشاب عن علي بن سماعه عن علي بن الحسن بن رباط عن أبيه عن ابن اذينه عن زراره بن اعين قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: نحن اثنا عشر اماما من آل محمد كلهم محدثون بعد رسول الله صلي الله عليه وآله وعلي بن أبي طالب منهم.

نام کتاب: عیون أخبار الرضا(ع) نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۲ صفحه: ۶۰

[۳۷] - من لایحضره الفقیه: ۳۴۳/۴

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكُلَيْنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ع كُلُّهُمْ مُحَدَّثُونَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع مِنْهُمْ.

نام کتاب: الخصال نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۲ صفحه: ۴۸۰

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- در کافی چنین آمده:

[الإثنا عشر إمام من آل محمد کلهم محدّث من ولد رسول الله و ولد علی بن ابی طالب؛ فرسول الله و علی هما الوالدان]

یعنی دوازده امام از فرزندان رسول خدا و حضرت علی هستند و پیغمبر و حضرت علی پدر آنان هستند (یعنی عدد امامان با حضرت علی، ۱۳ نفر میباشند)

- اما شیخ صدوق آن را تحریف کرد که تعداد امامان؛ ۱۲ نفر شوند:

[اثنا عشر إمام من آل محمد کلهم محدّثون بعد رسول الله و علی بن ابی طالب منهم!]

- نکته : فطحیه، معتقد به ۱۳ امام هستند، که جز دوازده امام معروف شیعه، عبدالله افطح؛ فرزند امام صادق همچنین امام میدانند.

روایت دوازدهم

وما رواه محمد بن سعيد عن القسم بن محمد بن عبيد عن ابن كاوب قل حدثنا حسين بن زيد بن علي (ع) عن جعفر بن محمد عن ابائه عليهم السلام قال قال رسول الله (ص) ابشروا ثم ابشروا ثم ابشروا ثلث مرات انما مثل امتي كمثل غيث لا يدري اوله خيرام اخره انما مثل امتي كمثل حديقه اطعم منها فوجا ما لعل اخرها فوجا يكون اعرضها بحرا واعمقها طولا واطولها فرعا واحسنها جنا وكيف تهلک امه انافيها اولها واثنا عشر من ولدي من السعدا اولي الالباب والمسيح بن مريم اخرها ولكن بهلک بين ذلک نتج الهرج ليس مني ولست منه

نام کتاب: الاستنصار نویسنده: الکراجکی، أبو الفتح جلد: ۱ صفحه: ۱۳

حدثنا حمزه بن محمد بن أحمد بن جعفر بن محمد بن زيد بن علي بن الحسين بن علي بن أبی طالب عليهم السلام فی سنه رجب تسع وثلاثين وثلثمأه قال: اخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد الكوفي مولي بنی هاشم قال: اخبرنی القاسم بن محمد بن حماد قال: حدثنا غياث بن إبراهيم قال: حدثنا حسين بن زيد بن علی عن جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عن علی عليه السلام قال: عليه السلام قال رسول الله صلي الله عليه وآله: ابشروا ثم ابشروا ثلاث مرات إنما مثل امتي كمثل غيث لا يدري اوله خير ام آخره؟ إنما مثل امتي كمثل حديقه اطعم منها فوج عاما ثم اطعم منها فوج عاما لعل آخرها فوج يكون اعرضها بحرا واعمقها طولا وفرعا واحسنها حبا وكيف تهلک امة أنا اولها واثنا عشر من بعدي من السعداء واولوا الالباب والمسيح عيسي بن مريم آخرها؟ ولكن يهلک من بين ذلک انتج الهرج ليسوا مني ولست منهم.

نام کتاب: عيون أخبار الرضا(ع) نویسنده: الشيخ الصدوق جلد: ٢ صفحه: ۵۶

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- در کتاب "الإستنصار" ابوالفتح کراجکی (متولد قرن ۴) حدیثی به رسول خدا منسوب شده که در آن آمده:

[کیف تهلک أمة أنا فیها أولها و اثناعشر من ولدی من السعداء]

یعنی ۱۲ نفر از نسل پیامبر اکرم!

(در حالی که حضرت علی جزو فرزندان و نسل پیامبر نیست فلذا ۱۳ امام خواهند بود)

- اما شیخ صدوق چنین این روایت رو آورده است:

[کیف تهلک أمة أنا فیها أولها و اثناعشر من بعدی من السعداء]

یعنی ۱۲ نفر از بعد رسول اکرم!

هدف تحریف:

- هدف تحریف و دستکاری همچون دو مثال سابق است، با بوجود اینکه سال وفات شیخ صدوق زودتر از ابوالفتح است اما بعید نیست که مسبب آن خود شیخ صدوق باشد.

- نکته: نام ابن کلوب، غیاث است که ظاهراً در سند طوری تصحیفات صورت گرفته است.

روایت سیزدهم

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ وَ الْحَجَّالِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ لَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ ظَاهِرٍ.

نام کتاب: بصائر الدرجات نویسنده: الصفار القمی، محمد بن الحسن جلد: ۱ صفحه: ۴۸۶

أَبِي رحمه الله قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيُّ عَنِ السِّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ لَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ ظَاهِرٍ أَوْ بَاطِنٍ.

نام کتاب: علل الشرائع نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۱۹۷

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- محمد بن حسن صفّار (متوفی ۲۹۰ هـ) روایت کرده:

[لا تبقي الأرض بغير إمام ظاهر]

- اما شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱هـ) کلمه باطن هم اضاف نمودند:

[لا تبقي الأرض بغير إمام ظاهر أو باطن]

هدف تحریف:

- از آنجا که شیخ صدوق غیبت کبری امام زمان در زمان او اتفاق افتاد (سال ۳۲۹ هـ) و امامی ظاهر در دسترس وجود نداشت، روایت را دستکاری کرد که شیعه زیر سؤال نرود!

- نکته: شیعیان میگویند منظور از کلمه ظاهر در روایت، شناخت است، نه ظهور فیزیکی!

اما پاسخ : [اینجا رجوع شود]

روایت چهاردهم

محمد بن مسعود، قال: حدثنی أبو عبد اللّه الشاذانی و کتب به إلی، قال: حدثنی الفضل، قال: حدثنی أبی، قال: حدثنا أبو یعقوب المقری و کان من کبار الزیدیة، قال: أخبرنا عمرو بن خالد و کان من رؤساء الزیدیة، عن ابی الجارود و کان رأس الزیدیة، قال: کنت عند أبی جعفر علیه السّلام جالسا إذ أقبل زید بن علی علیه السّلام فلما نظر الیه أبو جعفر علیه السّلام قال: هذا سید أهل بیتی و الطالب بأوتارهم، (۱) و منزل عمرو ابن خالد کان عند مسجد سماک، و ذکر ابن فضال أنه ثقة.

نام کتاب: إختیار معرفه الرجال المعروف به رجال الکشی (مع تعلیقات میر داماد الأستر آبادی) نویسنده: الشیخ الطوسی جلد: ۲ صفحه: ۴۹۸

حدثنا الحسین بن أحمد بن إدریس (رضی الله عنه)، قال: حدثنا أبی، عن محمد بن الحسین بن أبی الخطاب، عن الحسین بن علوان، عن عمرو بن خالد، عن أبی الجارود زیاد بن المنذر، قال: إنی لجالس عند أبی جعفر محمد بن علی الباقر (علیه السلام) إذ أقبل زید بن علی (علیه السلام)، فلما نظر إلیه أبو جعفر (علیه السلام) وهو مقبل، قال :هذا سید من أهل بیته والطالب بأوتارهم، لقد أنجبت أم ولدتک یا زید.

نام کتاب: الأمالی نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۴۱۵

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- در رجال کشی روایتی از امام باقر آمده که راجع به حضرت زید بن علی میگوید:

[″هذا سیّد أهل بیتی والطالب بأوتارهم″]

یعنی سرور خانواده من است و انتقام‌گیرنده خون آنها است.

- اما شیخ صدوق آن را دستکاری کرد :

[″هذا سیّد أهل بیته والطالب″]

یعنی سرور خانواده خود است.

هدف تحریف:

- این روایت بیانگر افضلیت زید بر امام باقر است اما از آنجا که شیخ صدوق و شیعیان عموماً قائل به امامت زید نیستند، روایت رو تغییر داد.

روایت پانزدهم

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي إِدْرِيسَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ضَمْرَةَ بْنِ أَبِي ضَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَحْكَامُ الْمُسْلِمِينَ عَلَى ثَلَاثَةٍ شَهَادَةِ عَادِلَةٍ أَوْ يَمِينٍ قَاطِعَةٍ أَوْ سُنَّةٍ مَاضِيَةٍ مِنْ أَئِمَّةِ الْهُدَى.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۷ صفحه: ۴۳۲

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي أُوَيْسٍ عَنْ ضَمْرَةَ بْنِ أَبِي ضَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع جَمِيعُ أَحْكَامِ الْمُسْلِمِينَ تَجْرِي عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ شَهَادَةِ عَادِلَةٍ أَوْ يَمِينٍ قَاطِعَةٍ أَوْ سُنَّةٍ جَارِيَةٍ مَعَ أَئِمَّةِ الْهُدَى.

نام کتاب: الخصال نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۱۵۵

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- در کافی آمده:

[جَمِيعُ أَحكَامِ اَلْمُسْلِمِينَ تَجْرِي عَلَي ثَلاَثَةِ أَوْجُهٍ شَهَادَةِ عَادِلَةٍ أَوْ يَمِينٍ قَاطِعَةٍ أَوْ سُنَّةٍ ماضية مَعَ أَئِمَّةِ اَلْهُدَي]

احکام مسلمانان سه گونه است: شهادتي عادلانه، یا سوگندي قاطعانه و یا روش پیشینه‌اي از امامان هدایت‌گر.

- اما شیخ صدوق آن را تحریف کرد:

[أو سنة جارية]

هدف تحریف:

- به انقطاع و تمام شدن امامت دلالت دارد زیرا سنت و روش پیشین، دلالت بر امامان پیشین دارد که در حال وجود ندارند.

روایت شانزدهم

وعنه ، عن مسعدة بن صدقة ، عن جعفر ، عن أبيه قال: قال رسول الله صلي‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :من رأي يهودياً أو نصرانياً أو مجوسياً أو أحداً علي غير ملة الإسلام فقال : الحمد لله الذى فضلنى عليک بالإسلام ديناً، وبالقرآن كتاباً، وبمحمد صلي‌الله‌عليه‌وآله نبياً ، وبالمؤمنين إخواناً ، وبالكعبة قبلة. لم يجمع الله بينه وبينه فى النار أبداً.

نام کتاب: قرب الإسناد نویسنده: الحمیری، أبو العباس جلد: ۱ صفحه: ۷۰ – ۷۱

حدثنا أبى (رحمه الله)، قال: حدثنى عبد الله بن جعفر، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة، عن جعفر بن محمد، عن آبائه (عليهم السلام) :أن النبى (صلي الله عليه وآله) قال: من رأي يهوديا أو نصرانيا أو مجوسيا أو أحدا علي غير ملة الاسلام، فقال :الحمد لله الذى فضلنى عليک بالاسلام دينا، وبالقرآن كتابا، وبمحمد نبيا، وبعلى إماما، وبالمؤمنين إخوانا، وبالكعبة قبلة، لم يجمع الله بينه وبينه فى النار أبدا.

نام کتاب: الأمالی نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۳۳۹

أَبِي ره قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ: مَنْ رَأَي يَهُودِيّاً أَوْ نَصْرَانِيّاً أَوْ مَجُوسِيّاً أَوْ وَاحِداً عَلَي غَيْرِ مِلَّةِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْکَ بِالْإِسْلَامِ دِيناً وَ بِالْقُرْآنِ كِتَاباً وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيّاً وَ بِعَلِيٍّ إِمَاماً وَ بِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَاناً وَ بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً لَمْ يَجْمَعِ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ فِي النَّارِ أَبَداً.

نام کتاب: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۲۶

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- حمیری در قرب الإسناد روایتی راجع به افضلیت مسلمان بر غیره به پیامبر ﷺ نسبت داده اند که در آن آمده:

[من رأي يهوديا أو نصرانيا أو ... فقال: الحمدلله الذى فضلنى عليک بالإسلام ديناً و باالقرآن كتاباً و محمد نبياً...]

- هیچ ذکری از امامت در آن نیست!

اما شیخ صدوق در دوتا از کتاب های خود (الأمالی و ثواب الأعمال) این روایت را آورده و در آن [و بعلى إماما] اضاف کرده است!

روایت هفدهم

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَعْمَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُكَايَةَ التَّمِيمِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ الْفِهْرِيِّ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ :دَخَلْتُ عَلَي أَبِي جَعْفَرٍ ع فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ أَرْمَضَنِي اخْتِلَافُ الشِّيعَةِ فِي مَذَاهِبِهَا فَقَالَ يَا جَابِرُ أَ لَمْ أَقِفْكَ عَلَي مَعْنَي اخْتِلَافِهِمْ مِنْ أَيْنَ اخْتَلَفُوا وَ مِنْ أَيِّ جِهَةٍ تَفَرَّقُوا قُلْتُ بَلَي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ فَلَا تَخْتَلِفْ إِذَا اخْتَلَفُوا يَا جَابِرُ إِنَّ الْجَاحِدَ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ كَالْجَاحِدِ لِرَسُولِ اللَّهِ ص فِي أَيَّامِهِ يَا جَابِرُ اسْمَعْ وَ عِ قُلْتُ إِذَا شِئْتَ قَالَ اسْمَعْ وَ عِ وَ بَلِّغْ حَيْثُ انْتَهَتْ بِكَ رَاحِلَتُكَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع خَطَبَ النَّاسَ بِالْمَدِينَةِ بَعْدَ سَبْعَةِ أَيَّامٍ مِنْ وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ ذَلِكَ حِينَ فَرَغَ مِنْ جَمْعِ الْقُرْآنِ وَ تَأْلِيفِهِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَعَ الْأَوْهَامَ أَنْ تَنَالَ إِلَّا وُجُودَهُ وَ حَجَبَ الْعُقُولَ أَنْ تَتَخَيَّلَ ذَاتَهُ لِامْتِنَاعِهَا مِنَ الشَّبَهِ وَ التَّشَاكُلِ بَلْ هُوَ الَّذِي لَا يَتَفَاوَتُ فِي ذَاتِهِ وَ لَا يَتَبَعَّضُ بِتَجْزِئَةِ الْعَدَدِ فِي كَمَالِهِ فَارَقَ الْأَشْيَاءَ لَا عَلَي اخْتِلَافِ الْأَمَاكِنِ وَ يَكُونُ فِيهَا لَا عَلَي وَجْهِ الْمُمَازَجَةِ وَ عَلِمَهَا لَا بِأَدَاةٍ لَا يَكُونُ الْعِلْمُ إِلَّا بِهَا وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَعْلُومِهِ عِلْمٌ غَيْرُهُ بِهِ كَانَ عَالِماً بِمَعْلُومِهِ إِنْ قِيلَ كَانَ فَعَلَي تَأْوِيلِ أَزَلِيَّةِ الْوُجُودِ وَ إِنْ قِيلَ لَمْ يَزَلْ فَعَلَي تَأْوِيلِ نَفْيِ الْعَدَمِ فَسُبْحَانَهُ وَ تَعَالَي عَنْ قَوْلِ مَنْ عَبَدَ سِوَاهُ وَ اتَّخَذَ إِلَهاً غَيْرَهُ عُلُوّاً كَبِيراً نَحْمَدُهُ بِالْحَمْدِ الَّذِي ارْتَضَاهُ مِنْ خَلْقِهِ وَ أَوْجَبَ قَبُولَهُ عَلَي نَفْسِهِ وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ شَهَادَتَانِ تَرْفَعَانِ الْقَوْلَ وَ تُضَاعِفَانِ الْعَمَلَ- خَفَّ مِيزَانٌ تُرْفَعَانِ مِنْهُ وَ ثَقُلَ مِيزَانٌ تُوضَعَانِ فِيهِ وَ بِهِمَا الْفَوْزُ بِالْجَنَّةِ وَ النَّجَاةُ مِنَ النَّارِ وَ الْجَوَازُ عَلَي الصِّرَاطِ وَ بِالشَّهَادَةِ تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ بِالصَّلَاةِ تَنَالُونَ الرَّحْمَةَ- أَكْثِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ عَلَي نَبِيِّكُمْ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَي النَّبِيِ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً..

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۸ صفحه: ۱۸ - ۱۹

حدثنا محمد بن محمد بن عصام الكلينى (رحمه الله)، قال: حدثنا محمد بن يعقوب، قال: حدثنا محمد بن على بن معز ، قال: حدثنا محمد بن على ابن عاتكة ، عن الحسين بن النضر الفهرى، عن عمرو الاوزاعى، عن عمرو بن شمر، عن جابر بن يزيد الجعفى، عن أبى جعفر محمد بن على الباقر، عن أبيه، عن جده (عليهم السلام)، قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام) فى خطبة خطبها بعد موت النبى (صلي الله عليه وآله) بتسعة أيام، وذلك حين فرغ من جمع القرآن، فقال: الحمد لله الذى أعجز الاوهام أن تنال إلا وجوده، وحجب العقول عن أن تتخيل ذاته، فى امتناعها من الشبه والشكل، بل هو الذى لم يتفاوت فى ذاته، ولم يتبعض بتجزئة العدد فى كماله، فارق الاشياء لا علي اختلاف الاماكن، وتمكن منها لا علي الممازجة، وعلمها لا بأداة لا يكون العلم إلا بها، وليس بينه وبين معلومه علم غيره. إن قيل: كان، فعلي تأويل أزلية الوجود، وإن قيل: لم يزل، فعلي تأويل نفى العدم، فسبحانه وتعالي عن قول من عبد سواه واتخذ إلها غيره علوا كبيرا. نحمده بالحمد الذى ارتضاه لخلقه، وأوجب قبوله علي نفسه، وأشهد أن لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله، شهادتان ترفعان وتضاعفان العمل، خف ميزان ترفعان منه، وثقل ميزان تواضعان فيه، وبهما الفوز بالجنة، والنجاة من النار، والجواز علي الصراط، وبالشهادتين تدخلون الجنة، وبالصلاة تنالون الرحمة، فأكثروا من الصلاة علي نبيكم وآله: (إن الله وملائكته يصلون علي النبى يا أيها الذين ءامنوا صلوا عليه وسلموا تسليما)....

نام کتاب: الأمالی نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۳۹۸ - ۳۹۹

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- کلینی در کافی و ابن شعبه حرانی در تحف العقول این روایت را چنین آورده اند:

[″أكثروا من الصلاة علي نبيكم″]

- اما شیخ صدوق این روایت را در کتاب خود آورده اند و لفظ [وآله] رو اضاف نمودند!

هدف تحریف:

- از آنجا که صلوات فرستادن تنها بر پیامبر اکرم (بدون ذکر آل) نزد شیعه به عنوان صلاة البتراء عنوان میکنند؛ و شیخ صدوق در امالی خود روایت میکند:

((من صلي على ولم يصل علي آلی،لم يجد ريح الجنة، وإن ريحها ليوجد من مسيرة خمسمائة عام))[٣٨]

روایت هجدهم

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ :كَتَبْتُ إِلَيْهِ ع امْرَأَةٌ طَهُرَتْ مِنْ حَيْضِهَا أَوْ مِنْ دَمِ نِفَاسِهَا فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ اسْتَحَاضَتْ فَصَلَّتْ وَ صَامَتْ شَهْرَ رَمَضَانَ كُلَّهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَعْمَلَ مَا تَعْمَلُ الْمُسْتَحَاضَةُ مِنَ الْغُسْلِ لِكُلِّ صَلَاتَيْنِ فَهَلْ يَجُوزُ صَوْمُهَا وَ صَلَاتُهَا أَمْ لَا فَكَتَبَ ع تَقْضِي صَوْمَهَا وَ لَا تَقْضِي صَلَاتَهَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَأْمُرُ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْ نِسَائِهِ بِذَلِكَ.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۴ صفحه: ۱۳۶

أَبِي رحمه الله قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ كَتَبْتُ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ طَهُرَتْ مِنْ حَيْضِهَا أَوْ مِنْ دَمِ نِفَاسِهَا فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ اسْتَحَاضَتْ فَصَلَّتْ وَ صَامَتْ شَهْرَ رَمَضَانَ كُلَّهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَعْمَلَ كَمَا تَعْمَلُهُ الْمُسْتَحَاضَةُ مِنَ الْغُسْلِ لِكُلِّ صَلَاتَيْنِ هَلْ يَجُوزُ صَوْمُهَا وَ صَلَاتُهَا أَمْ لَا فَكَتَبَ تَقْضِي صَوْمَهَا وَ لَا تَقْضِي صَلَاتَهَا لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَأْمُرُ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْ نِسَائِهِ بِذَلِكَ.

نام کتاب: علل الشرائع نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۲۹۳

[٣٨] - الأمالی – الصدوق: ۲۶۷/۱

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- در کافی روایت شده که راجع به عادت ماهیانه (حیض) سؤال کرده اند و در پاسخ آمده که رسول خدا به حضرت فاطمه و ازواج خود دستور میداده که تنها روزه رو قضاء کند.

[″إن رسول الله ﷺ كان يأمر فاطمة صلوات الله عليها والمؤمنات من نسائه بذلک″]

- اما شیخ صدوق (کذوب) از آنجا که معتقد هستند حضرت فاطمه و دختران پیامبر حیض نمیشوند، اسم او رو حذف کرد!

[″لأن رسول الله ﷺ كان يأمر المؤمنات من نسائه بذلک″]!

روایت نوزدهم

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْكَاتِبِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ :أَقْبَلَ أَبُو جَعْفَرٍ ع فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَنَظَرَ إِلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالُوا مَنْ هَذَا فَقِيلَ لَهُمْ إِمَامُ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لَوْ بَعَثْتُمْ إِلَيْهِ بِبَعْضِكُمْ يَسْأَلُهُ فَأَتَاهُ شَابٌّ مِنْهُمْ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ عَمٍّ مَا أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ قَالَ شُرْبُ الْخَمْرِ فَأَتَاهُمْ فَأَخْبَرَهُمْ فَقَالُوا لَهُ عُدْ إِلَيْهِ فَعَادَ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ أَ لَمْ أَقُلْ لَکَ يَا ابْنَ أَخِ شُرْبُ الْخَمْرِ فَأَتَاهُمْ فَأَخْبَرَهُمْ فَقَالُوا لَهُ عُدْ إِلَيْهِ فَلَمْ يَزَالُوا بِهِ حَتَّي عَادَ إِلَيْهِ فَسَأَلَهُ فَقَالَ لَهُ أَ لَمْ أَقُلْ لَکَ يَا ابْنَ أَخِ شُرْبُ الْخَمْرِ إِنَّ شُرْبَ الْخَمْرِ يُدْخِلُ صَاحِبَهُ فِي الزِّنَا وَ السَّرِقَةِ وَ قَتْلِ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَ فِي الشِّرْکِ بِاللَّهِ وَ أَفَاعِيلُ الْخَمْرِ تَعْلُو عَلَي كُلِّ ذَنْبٍ كَمَا يَعْلُو شَجَرُهَا عَلَي كُلِّ الشَّجَرِ.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۶ صفحه: ۴۲۹

أَبِي ره قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْكَاتِبِ قَالَ: أَقْبَلَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَنَظَرَ إِلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لَوْ بَعَثْتُمْ إِلَيْهِ بَعْضَكُمْ فَسَأَلَهُ فَأَتَاهُ شَابٌّ مِنْهُمْ فَقَالَ لَهُ يَا عَمِّ مَا أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ فَقَالَ شُرْبُ الْخَمْرِ فَأَتَاهُمْ فَأَخْبَرَهُمْ فَقَالُوا لَهُ عُدْ إِلَيْهِ فَلَمْ يَزَالُوا بِهِ حَتَّي عَادَ إِلَيْهِ فَسَأَلَهُ فَقَالَ لَهُ أَ لَمْ أَقُلْ لَکَ يَا ابْنَ أَخِ شُرْبُ الْخَمْرِ إِنَّ شُرْبَ الْخَمْرِ يُدْخِلُ صَاحِبَهُ فِي الزِّنَاءِ وَ السَّرِقَةِ وَ قَتْلِ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ فِي الشِّرْکِ وَ تَاللَّهِ أَفَاعِيلُ الْخَمْرِ تَعْلُو عَلَي كُلِّ ذَنْبٍ كَمَا تَعْلُو شَجَرَتُهَا عَلَي كُلِّ شَجَرَةٍ.

نام کتاب: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۲۴۵

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- در کافی آمده:

"أقبل أبو جعفر فی المسجد الحرام فنظر إلیه قوم من قریش فقالوا من هذا ؟! فقیل لهم إمام أهل العراق ..."

یعنی امام باقر هنگامی که در مسجد الحرام آمد، مردم پرسیدند که ایشان کیست!؟ پاسخ داده شد که او امام اهل عراق است.

- اما شیخ صدوق سؤال مردم رو حذف کرد و تغییر داد:

"أقبل أبو جعفر فی المسجد الحرام فنظر إلیه قوم من قریش فقالوا هذا إله أهل العراق ...!

- در روایت کلینی؛ امام باقر نزد قومی از قریشی ها ناشناخته بود اما شیخ صدوق جدا از اینکه امام باقر رو میشناختند، بلکه او را جزو خدا اهل عراق معرفی شده است!

هدف تحریف:

- عدم شناخت امام قریشی، توسط قریشیان، در نظر شیخ صدوق طعنه به امامت میزند!

روایت بیستم

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ وَ غَیْرِهِ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ رَجُلٍ سَمَّاهُ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ السَّبِیعِیِّ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ قَالَ :خَطَبَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع خُطْبَةً بَعْدَ الْعَصْرِ فَعَجِبَ النَّاسُ مِنْ حُسْنِ صِفَتِهِ وَ مَا ذَکَرَهُ مِنْ تَعْظِیمِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ قَالَ أَبُو إِسْحَاقَ فَقُلْتُ لِلْحَارِثِ أَ وَ مَا حَفِظْتَهَا قَالَ قَدْ کَتَبْتُهَا فَأَمْلَاهَا عَلَیْنَا مِنْ کِتَابِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَ لَا تَنْقَضِی عَجَائِبُهُ لِأَنَّهُ کُلَّ یَوْمٍ فِی شَأْنٍ مِنْ إِحْدَاثِ بَدِیعٍ لَمْ یَکُنِ الَّذِی لَمْ یَلِدْ فَیَکُونَ فِی الْعِزِّ مُشَارَکاً وَ لَمْ یُولَدْ فَیَکُونَ مَوْرُوثاً هَالِکاً وَ لَمْ تَقَعْ عَلَیْهِ الْأَوْهَامُ فَتُقَدِّرَهُ شَبَحاً مَاثِلًا وَ لَمْ تُدْرِکْهُ الْأَبْصَارُ فَیَکُونَ بَعْدَ انْتِقَالِهَا حَائِلًا الَّذِی لَیْسَتْ فِی أَوَّلِیَّتِهِ نِهَایَةٌ وَ لَا لِآخِرِیَّتِهِ حَدٌّ وَ لَا غَایَةٌ الَّذِی لَمْ یَسْبِقْهُ وَقْتٌ وَ لَمْ یَتَقَدَّمْهُ زَمَانٌ وَ لَا یَتَعَاوَرُهُ زِیَادَةٌ وَ لَا نُقْصَانٌ وَ لَا یُوصَفُ بِأَیْنٍ وَ لَا بِمَ وَ لَا مَکَانٍ الَّذِی بَطَنَ مِنْ خَفِیَّاتِ الْأُمُورِ وَ ظَهَرَ فِی الْعُقُولِ بِمَا یُرَی فِی خَلْقِهِ مِنْ عَلَامَاتِ التَّدْبِیرِ الَّذِی سُئِلَتِ الْأَنْبِیَاءُ عَنْهُ فَلَمْ تَصِفْهُ بِحَدٍّ وَ لَا بِبَعْضٍ بَلْ وَصَفَتْهُ بِفِعَالِهِ وَ دَلَّتْ عَلَیْهِ بِآیَاتِهِ لَا تَسْتَطِیعُ عُقُولُ الْمُتَفَکِّرِینَ جَحْدَهُ لِأَنَّ مَنْ کَانَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ فِطْرَتَهُ وَ مَا فِیهِنَّ وَ مَا بَیْنَهُنَّ وَ هُوَ الصَّانِعُ لَهُنَّ فَلَا مَدْفَعَ لِقُدْرَتِهِ الَّذِی نَأَی مِنَ الْخَلْقِ فَلَا شَیْءَ کَمِثْلِهِ الَّذِی خَلَقَ خَلْقَهُ لِعِبَادَتِهِ وَ أَقْدَرَهُمْ عَلَی طَاعَتِهِ بِمَا جَعَلَ فِیهِمْ وَ قَطَعَ عُذْرَهُمْ بِالْحُجَجِ فَعَنْ بَیِّنَةٍ هَلَکَ مَنْ هَلَکَ وَ بِمَنِّهِ نَجَا مَنْ نَجَا وَ لِلَّهِ الْفَضْلُ مُبْدِئاً وَ مُعِیداً ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ وَ لَهُ الْحَمْدُ افْتَتَحَ الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ وَ خَتَمَ أَمْرَ الدُّنْیَا وَ مَحَلَّ الْآخِرَةِ بِالْحَمْدِ لِنَفْسِهِ فَقَالَ وَ قُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْحَقِ وَ قِیلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ اللَّابِسِ الْکِبْرِیَاءِ بِلَا تَجْسِیدٍ وَ الْمُرْتَدِی بِالْجَلَالِ بِلَا تَمْثِیلٍ وَ الْمُسْتَوِی عَلَی الْعَرْشِ بِغَیْرِ زَوَالٍ وَ الْمُتَعَالِی عَلَی الْخَلْقِ بِلَا تَبَاعُدٍ مِنْهُمْ وَ لَا مُلَامَسَةٍ مِنْهُ لَهُمْ لَیْسَ لَهُ حَدٌّ یُنْتَهَی إِلَی حَدِّهِ وَ لَا لَهُ مِثْلٌ فَیُعْرَفَ بِمِثْلِهِ ذَلَّ مَنْ تَجَبَّرَ غَیْرَهُ وَ صَغُرَ مَنْ تَکَبَّرَ دُونَهُ وَ تَوَاضَعَتِ الْأَشْیَاءُ لِعَظَمَتِهِ وَ انْقَادَتْ لِسُلْطَانِهِ وَ عِزَّتِهِ وَ کَلَّتْ عَنْ إِدْرَاکِهِ طُرُوفُ الْعُیُونِ وَ قَصُرَتْ دُونَ بُلُوغِ صِفَتِهِ أَوْهَامُ الْخَلَائِقِ الْأَوَّلِ قَبْلَ کُلِّ شَیْءٍ وَ لَا قَبْلَ لَهُ وَ الْآخِرِ بَعْدَ کُلِّ شَیْءٍ وَ لَا بَعْدَ لَهُ الظَّاهِرِ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ بِالْقَهْرِ لَهُ وَ الْمُشَاهِدِ لِجَمِیعِ

الْأَمَاكِنِ بِلَا انْتِقَالٍ إِلَيْهَا لَا تَلْمِسُهُ لَامِسَةٌ وَ لَا تُحِسُّهُ حَاسَّةٌ هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَ فِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ أَتْقَنَ مَا أَرَادَ مِنْ خَلْقِهِ مِنَ الْأَشْبَاحِ كُلِّهَا لَا بِمِثَالٍ سَبَقَ إِلَيْهِ وَ لَا لُغُوبٍ دَخَلَ عَلَيْهِ فِي خَلْقِ مَا خَلَقَ لَدَيْهِ ابْتَدَأَ مَا أَرَادَ ابْتِدَاءَهُ وَ أَنْشَأَ مَا أَرَادَ إِنْشَاءَهُ عَلَي مَا أَرَادَ مِنَ الثَّقَلَيْنِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لِيَعْرِفُوا بِذَلِكَ رُبُوبِيَّتَهُ وَ تَمَكَّنَ فِيهِمْ طَاعَتُهُ نَحْمَدُهُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَي جَمِيعِ نَعْمَائِهِ كُلِّهَا وَ نَسْتَهْدِيهِ لِمَرَاشِدِ أُمُورِنَا وَ نَعُوذُ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا وَ نَسْتَغْفِرُهُ لِلذُّنُوبِ الَّتِي سَبَقَتْ مِنَّا وَ نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ بَعَثَهُ بِالْحَقِّ نَبِيّاً دَالًّا عَلَيْهِ وَ هَادِياً إِلَيْهِ فَهَدَي بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ اسْتَنْقَذَنَا بِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً وَ نَالَ ثَوَاباً جَزِيلًا وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ خَسِرَ خُسْراناً مُبِيناً وَ اسْتَحَقَّ عَذَاباً أَلِيماً فَأَنْجِعُوا بِمَا يَحِقُّ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمْعِ وَ الطَّاعَةِ وَ إِخْلَاصِ النَّصِيحَةِ وَ حُسْنِ الْمُؤَازَرَةِ وَ أَعِينُوا عَلَي أَنْفُسِكُمْ بِلُزُومِ الطَّرِيقَةِ الْمُسْتَقِيمَةِ وَ هَجْرِ الْأُمُورِ الْمَكْرُوهَةِ وَ تعاطوا الحق بينكم و تعاونوا به دونی و خذوا علي يد الظالم السفيه و مروا بالمعروف و انهوا عن المنكر و اعرفوا لذوی الفضل فضلهم عصمنا الله و إياكم بالهدي و ثبتنا و إياكم علي التقوي وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَ لَكُمْ.

نام كتاب: الكافي- ط الاسلاميه نويسنده: الشيخ الكلينی جلد: ۱ صفحه: ۱۴۱ - ۱۴۲

حدثنا أبي رضي‌الله‌عنه ، قال : حدثنا سعد بن عبد الله ، قال : حدثنا أحمد بن أبي عبد الله، عن أبيه محمد بن خالد البرقي ، عن أحمد بن النضر ، وغيره ، عن عمرو بن ثابت ، عن رجل ـ سماه ـ عن أبي إسحاق السبيعي ، عن الحارث الأعور قال : خطب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه‌السلام يوما خطبة بعد العصر ، فعجب الناس من حسن صفته وما ذكر من تعظيم الله جل جلاله ، قال : أبو إسحاق : فقلت للحارث : أوما حفظتها؟ قال : قد كتبتها ، فأملاها علينا من كتابه: الحمد لله الذي لا يموت ، ولا تنقضي عجائبه ، لأنه كل يوم في شأن من إحداث بديع لم يكن الذي لم يولد فيكون في العز مشاركا ، ولم يلد فيكون موروثا هالكا ، ولم يقع عليه الأوهام فتقدره شبحا ماثلا ولم تدركه الأبصار فيكون بعد انتقالها ، حائلا الذي ليست له في أوليته نهاية ، ولا في آخريته حد ولا غاية ، الذي لم يسبقه وقت ، ولم يتقدمه زمان ، ولم يتعاوره زيادة ولا نقصان ، ولم يوصف بأين ولا بمكان الذي بطن من خفيات الأمور ، وظهر في العقول بما يري في خلقه من علامات التدبير ، الذي سئلت الأنبياء عنه فلم تصفه بحد ولا بنقص بل وصفته بأفعاله ، ودلت عليه بآياته ولا تستطيع عقول المتفكرين جحده ، لأن من كانت السماوات والأرض فطرته وما فيهن وما بينهن وهو الصانع لهن ، فلا مدفع لقدرته الذي بان من الخلق فلا شيء كمثله ، الذي خلق الخلق لعبادته وأقدرهم علي طاعته بما جعل فيهم ، وقطع عذرهم بالحجج ، فعن بينة هلك من هلك وعن بينة نجا من نجا ، ولله الفضل مبدئا ومعيدا. ثم إن الله وله الحمد افتتح الكتاب بالحمد لنفسه ، وختم أمر الدنيا ومجيء الآخرة بالحمد لنفسه ، فقال: { وقضى بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين} الحمد لله اللابس الكبرياء بلا تجسد ، والمرتدي بالجلال بلا تمثل ، والمستوي علي العرش بلا زوال ، والمتعالي عن الخلق بلا تباعد منهم ، القريب منهم بلا ملامسة منه لهم ، ليس له حد ينتهي إلي حده ، ولا له مثل فيعرف بمثله ، ذل من تجبر غيره ، وصغر من تكبر دونه ، وتواضعت الأشياء لعظمته ، وانقادت لسلطانه وعزته ، وكلت عن إدراكه طروف العيون ، وقصرت دون بلوغ صفته أوهام الخلائق ، الأول قبل كل شيء والآخر بعد كل شيء ، ولا يعد له شيء ، الظاهر علي كل شيء بالقهر له ، والمشاهد لجميع الأماكن بلا انتقال إليها ، ولا تلمسه لامسة ولا تحسه حاسة ، وهو الذي في السماء إله وفي الأرض إله ، وهو الحكيم العليم ، أتقن ما أراد خلقه من الأشياء كلها بلا مثال سبق إليه ، ولا لغوب دخل عليه في خلق ما خلق لديه ، ابتدأ ما أراد ابتداءه ، وأنشأ ما أراد إنشاءه علي ما أراده من الثقلين الجن والإنس لتعرف بذلك ربوبيته ، وتمكن فيهم طواعيته. نحمده بجميع محامده كلها علي جميع نعمائه كلها ، ونستهديه لمراشد أمورنا ونعوذ به من سيئات أعمالنا ، ونستغفره للذنوب التي سلفت منا ، ونشهد أن لا إله إلا الله ، وأن محمدا عبده ورسوله ، بعثه بالحق دالا عليه وهاديا إليه ، فهدانا به من الضلالة ، واستنقذنا به من الجهالة ، من يطع الله ورسوله فقد فاز فوزا عظيما ، ونال ثوابا كريما ، ومن يعص الله ورسوله فقد خسر خسرانا مبينا ، واستحق عذابا أليما ، فانجعوا بما يحق عليكم من السمع والطاعة وإخلاص النصيحة وحسن المؤازرة وأعينوا أنفسكم بلزوم الطريقة المستقيمة ، وهجر الأمور المكروهة ، وتعاطوا الحق بينكم ، وتعانوا عليه ، وخذوا علي يدي الظالم السفيه ،

مروا بالمعروف ، وانهو عن المنكر ، واعرفوا لذوى الفضل فضلهم ، عصمنا الله وإياكم بالهدى ، وثبتنا وإياكم علي التقوي ، وأستغفر الله لى ولكم.

نام کتاب: التّوحید نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۳۱ - ۳۴

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- در کافی آمده:

[″وتعاطوا الحق بينكم وتعاونوا به دونى″]

یعنی حق را میان خود با همکاری یکدیگر داد و ستد کنید (منظور این است دیگر نیاز به ورود من نیست)

- اما شیخ صدوق کلمه [دونی] را حذف کرده اند زیرا اگر مردم توان تشخیص حق از باطل دارند، دیگر چه نیاز به امام است!

روایت بیست و یکم

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ كُلُّ شَيْءٍ هالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ قَالَ مَنْ أَتَى اللَّهَ بِمَا أَمَرَ بِهِ مِنْ طَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ مُحَمَّدٍ ص فَهُوَ الْوَجْهُ الَّذِي لَا يَهْلِكُ وَ لِذَلِكَ قَالَ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ.

نام کتاب: المحاسن نویسنده: البرقی، ابو جعفر جلد: ۱ صفحه: ۲۱۹

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ -كُلُّ شَيْءٍ هالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ قَالَ مَنْ أَتَى اللَّهَ بِمَا أَمَرَ بِهِ مِنْ طَاعَةِ مُحَمَّدٍ ص فَهُوَ الْوَجْهُ الَّذِي لَا يَهْلِكُ وَ كَذَلِكَ قَالَ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۱ صفحه: ۱۴۳

حدثنا محمد بن على ماجيلويه رحمه‌الله ، عن محمد بن يحيي العطار ، عن سهل ابن زياد ، عن أحمد بن محمد بن أبى نصر ، عن صفوان الجمال ، عن أبى عبد الله عليه‌السلام فى قول الله عزوجل: كل شىء هالك إلا وجهه قال : من أتي الله بما أمر به من طاعة محمد والأئمة من بعده صلوات الله عليهم فهو الوجه الذى لا يهلك ، ثم قرأ: من يطع الرسول فقد أطاع الله.

نام کتاب: التّوحید نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۱۴۹

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- آقای برقی و همچنین کلینی این روایت را در کتاب خود آورده‌اند:

[”من أتي الله بما أمر به من طاعة محمد ﷺ“]

- شیخ صدوق آن را در کتاب خود آورده و آن را دستکاری و کلمه ائمه رو اضاف کرده:

[”والأئمة من بعده“]

روایت بیست و دوم

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ :تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ ص أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلَّ صَبَاحٍ أَبْرَارُهَا وَ فُجَّارُهَا فَاحْذَرُوهَا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَي -اعْمَلُوا فَسَيَرَي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ سكت.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۱ صفحه: ۲۱۹

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ تُعْرَضُ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ ص أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلَّ صَبَاحٍ أَبْرَارُهَا وَ فُجَّارُهَا فَاحْذَرُوا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ اعْمَلُوا فَسَيَرَي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ.

نام کتاب: بصائر الدرجات نویسنده: الصفار القمی، محمد بن الحسن جلد: ۱ صفحه: ۴۲۸

أبي ـ رحمه‌الله ـ قال : حدثنا محمد بن يحيي العطار ، عن أبي سعيد الآدمي ، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة ، عن أبيه ، عن أبي بصير ، قال : قلت لأبي عبد الله عليه‌السلام :إن أبا الخطاب كان يقول : إن رسول الله تعرض عليه أعمال أمته كل خميس ، فقال أبو عبد الله عليه‌السلام :ليس هكذا ولكن رسول الله تعرض عليه أعمال أمته كل صباح أبرارها وفجارها فاحذروا ، وهو قول الله عزوجل : وقل اعملوا فسيري الله عملكم ورسوله والمؤمنون وسكت. قال أبو بصير: إنما عني الأئمة عليهم‌السلام.

نام کتاب: معانی الأخبار نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۳۹۲

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- کلینی به امام صادق رحمه الله روایتی نسبت میدهد:

[تعرض أعمال العباد علي النبى ﷺ كل صباح وهو قول الله تعالي "وقل اعملوا فسيري الله عملكم ورسوله" وسكت]

- آقای صفار همچنین روایت رو چنین آورده بودند.

- اما شیخ صدوق آن را آورد و آخر روایت رو دستکاری و اضاف نمود:

["قال أبو بصير إنما عني الأئمة"]

هدف تحریف واضح است.

روایت بیست و سوم

وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ رَأَيْتُ النَّبِيَّ ص كَبَّرَ عَلَي عَمِّهِ حَمْزَةَ خَمْسَ تَكْبِيرَاتٍ- وَ كَبَّرَ عَلَي الشُّهَدَاءِ بَعْدَهُ خَمْسَ تَكْبِيرَاتٍ- فَلَحِقَ حَمْزَةَ سَبْعِينَ تَكْبِيرَةً- وَ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَي عَلَي الْيُسْرَي. [10]

- [10] عيون الاخبار ٢: ٤٥ الحديث ١٦٧، أقول: وضع اليمني علي اليسري مناف لمذهبنا و لعله قيل تقيّة.

نام کتاب: صحیفه الرضا نویسنده: منسوب به علی بن موسی ع محقق: محمد مهدی نجف جلد: ۱ صفحه: ۸۳

وبهذا الاسناد عن الحسين بن علي عليه السلام انه قال رايت النبى "ص" انه كبر علي حمزة خمس تكبيرات وكبر علي الشهداء حمزة خمس تكبيرات فلحق حمزة سبعون تكبيرة.

نام کتاب: عيون أخبار الرضا(ع) نویسنده: الشيخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۴۹ - ۵۰

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- در صحیفه امام رضا آمده:

[رأيت النبى ﷺ ... و وضع يده اليمني علي اليسري]

یعنی پیامبر در نماز [جنازه] دست راست را بر دست چپ گذاشته است (یعنی مثل اهل سنت که الآن در نماز تکتّف میکنند)

- اما شیخ صدوق روایت را از این منبع آورده اما این قسمت مذکور را حذف کرده!

هدف تحریف:

- هدف حذف و دستکاری شیخ صدوق (کذوب) واضح است، زیرا بیانگر این است که اهل سنت تابع عمل رسول خدا در اقانه نماز هستند.

- نکتــه: شیخ صدوق سند خود به کتاب صحیفه امام رضا در باب ۴۱ از کتاب عیون أخبار الرضا آورده است..

روایت بیست و چهارم

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ :قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي لَمَّا قَضَيْتُ نُسُكِي لِلْعُمْرَةِ أَتَيْتُ أَهْلِي وَ لَمْ أُقَصِّرْ قَالَ عَلَيْكَ بَدَنَةٌ قَالَ قُلْتُ إِنِّي لَمَّا أَرَدْتُ ذَلِكَ مِنْهَا وَ لَمْ تَكُنْ قَصَّرَتِ امْتَنَعَتْ فَلَمَّا غَلَبْتُهَا قَرَضَتْ بَعْضَ شَعْرِهَا بِأَسْنَانِهَا فَقَالَ رَحِمَهَا اللَّهُ كَانَتْ أَفْقَهَ مِنْكَ عَلَيْكَ بَدَنَةٌ وَ لَيْسَ عَلَيْهَا شَيْءٌ.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۴ صفحه: ۴۴۱

و روی عن حماد بن عثمان قال قال رجل لأبی عبد الله ع جعلت فداک إنی لما قضیت نسکی للعمرة أتیت أهلی و لم أقصر قال علیک بدنة قال فإنی لما أردت ذلک منها و لم تکن قصرت امتنعت فلما غلبتها قرضت بعض شعرها بأسنانها قال رحمها الله إنها کانت أَفْقَهَ مِنْکَ عَلَيْکَ بَدَنَةٌ وَ لَيْسَ عَلَيْهَا شَيْءٌ.

نام کتاب: من لا یحضره الفقیه نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۲ صفحه: ۳۷۸

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- هدیه ای برای شیعیان راجع به تدلیس!

- در کافی از روایت محمد بن ابی عمیر از حماد بن عثمان آمده:

[عَنِ اَلْحَلَبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اَللَّهِ عَلَيْهِ اَلسَّلاَمُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنِّي لَمَّا قَضَيْتُ نُسُکِي لِلْعُمْرَةِ أَتَيْتُ أَهْلِي وَ لَمْ أُقَصِّرْ قَالَ عَلَيْکَ بَدَنَةٌ قَالَ قُلْتُ إِنِّي لَمَّا أَرَدْتُ ذَلِکَ مِنْهَا وَ لَمْ تَکُنْ قَصَّرَتِ اِمْتَنَعَتْ فَلَمَّا غَلَبْتُهَا قَرَضَتْ بَعْضَ شَعْرِهَا بِأَسْنَانِهَا فَقَالَ رَحِمَهَا اَللَّهُ كَانَتْ أَفْقَهَ مِنْکَ عَلَيْکَ بَدَنَةٌ وَ لَيْسَ عَلَيْهَا شَيْءٌ]

- اما شیخ صدوق (کذوب) به نام حلبی تصریح نکردند و به جای آن از لفظ مبهم (رجُل) استفاده نمودند!

- اصل سند شیخ صدوق همان سند کلینی است:

((و ما کان فیه، عن حمّاد بن عثمان فقد رویته عن أبی عن سعد ابن عبد اللّه؛ و الحمیریّ جمیعا عن یعقوب بن یزید، عن محمّد بن أبی عمیر، عن حمّاد بن عثمان.))[۳۹]

- نکتـه : این را تنها از این بایت یاد کردم، چون شیعیان مجازیَ میگویند دروغ و تدلیس بحساب می آید!

روایت بیست و پنجم

عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مِیثَمٍ أَوْ صَالِحِ بْنِ مِیثَمٍ عَنْ أَبِیهِ قَالَ :أَتَتِ امْرَأَةٌ مُجِحٌّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ ع فَقَالَتْ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ إِنِّی زَنَیْتُ فَطَهِّرْنِی طَهَّرَکَ اللَّهُ فَإِنَّ عَذَابَ الدُّنْیَا أَیْسَرُ مِنْ عَذَابِ الْآخِرَةِ الَّذِی لَا یَنْقَطِعُ فَقَالَ لَهَا مِمَّا أُطَهِّرُکِ فَقَالَتْ إِنِّی زَنَیْتُ فَقَالَ لَهَا أَ وَ ذَاتُ بَعْلٍ أَنْتِ أَمْ غَیْرُ ذَلِکِ فَقَالَتْ بَلْ ذَاتُ بَعْلٍ فَقَالَ لَهَا أَ فَحَاضِراً کَانَ بَعْلُکِ إِذْ فَعَلْتِ مَا فَعَلْتِ أَمْ غَائِباً کَانَ عَنْکِ فَقَالَتْ بَلْ حَاضِراً فَقَالَ لَهَا انْطَلِقِی فَضَعِی مَا فِی بَطْنِکِ ثُمَّ ائْتِنِی أُطَهِّرْکِ فَلَمَّا وَلَّتْ عَنْهُ الْمَرْأَةُ فَصَارَتْ حَیْثُ لَا تَسْمَعُ کَلَامَهُ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهَا شَهَادَةٌ فَلَمْ یَلْبَثْ أَنْ أَتَتْهُ فَقَالَتْ قَدْ وَضَعْتُ فَطَهِّرْنِی قَالَ فَتَجَاهَلَ عَلَیْهَا فَقَالَ أُطَهِّرُکِ یَا أَمَةَ اللَّهِ مِمَّا ذَا فَقَالَتْ إِنِّی زَنَیْتُ فَطَهِّرْنِی فَقَالَ وَ ذَاتُ بَعْلٍ إِذْ فَعَلْتِ مَا فَعَلْتِ قَالَتْ نَعَمْ قَالَ وَ کَانَ زَوْجُکِ حَاضِراً أَمْ غَائِباً قَالَتْ بَلْ حَاضِراً قَالَ فَانْطَلِقِی وَ أَرْضِعِیهِ حَوْلَیْنِ کَامِلَیْنِ کَمَا أَمَرَکِ اللَّهُ قَالَ فَانْصَرَفَتِ الْمَرْأَةُ فَلَمَّا صَارَتْ مِنْ حَیْثُ لَا تَسْمَعُ کَلَامَهُ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا شَهَادَتَانِ قَالَ فَلَمَّا مَضَی حَوْلَانِ أَتَتِ الْمَرْأَةُ فَقَالَتْ قَدْ أَرْضَعْتُهُ حَوْلَیْنِ فَطَهِّرْنِی یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فَتَجَاهَلَ عَلَیْهَا وَ قَالَ أُطَهِّرُکِ مِمَّا ذَا فَقَالَتْ إِنِّی زَنَیْتُ فَطَهِّرْنِی قَالَ وَ ذَاتُ بَعْلٍ أَنْتِ إِذْ فَعَلْتِ مَا فَعَلْتِ فَقَالَتْ نَعَمْ قَالَ وَ بَعْلُکِ غَائِبٌ عَنْکِ إِذْ فَعَلْتِ مَا فَعَلْتِ أَوْ حَاضِرٌ قَالَتْ بَلْ حَاضِرٌ قَالَ فَانْطَلِقِی فَاکْفُلِیهِ حَتَّی یَعْقِلَ أَنْ یَأْکُلَ وَ یَشْرَبَ وَ لَا یَتَرَدَّی مِنْ سَطْحٍ وَ لَا یَتَهَوَّرَ فِی بِئْرٍ قَالَ فَانْصَرَفَتْ وَ هِیَ تَبْکِی فَلَمَّا وَلَّتْ فَصَارَتْ حَیْثُ لَا تَسْمَعُ کَلَامَهُ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهَا ثَلَاثُ شَهَادَاتٍ قَالَ فَاسْتَقْبَلَهَا عَمْرُو بْنُ حُرَیْثٍ الْمَخْزُومِیُّ فَقَالَ لَهَا مَا یُبْکِیکِ یَا أَمَةَ اللَّهِ وَ قَدْ رَأَیْتُکِ تَخْتَلِفِینَ إِلَی عَلِیٍّ تَسْأَلِینَهُ أَنْ یُطَهِّرَکِ فَقَالَتْ إِنِّی أَتَیْتُ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ ع فَسَأَلْتُهُ أَنْ یُطَهِّرَنِی فَقَالَ اکْفُلِی وَلَدَکِ حَتَّی یَعْقِلَ أَنْ یَأْکُلَ وَ یَشْرَبَ وَ لَا یَتَرَدَّی مِنْ سَطْحٍ وَ لَا یَتَهَوَّرَ فِی بِئْرٍ وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ یَأْتِیَ عَلَیَّ الْمَوْتُ وَ لَمْ یُطَهِّرْنِی فَقَالَ لَهَا عَمْرُو بْنُ حُرَیْثٍ ارْجِعِی إِلَیْهِ فَأَنَا أَکْفُلُهُ فَرَجَعَتْ فَأَخْبَرَتْ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ ع بِقَوْلِ عَمْرٍو فَقَالَ لَهَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع وَ هُوَ مُتَجَاهِلٌ عَلَیْهَا وَ لِمَ یَکْفُلُ عَمْرٌو وَلَدَکِ فَقَالَتْ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ إِنِّی زَنَیْتُ فَطَهِّرْنِی فَقَالَ وَ ذَاتُ بَعْلٍ أَنْتِ إِذْ فَعَلْتِ مَا فَعَلْتِ قَالَتْ نَعَمْ قَالَ أَ فَغَائِباً کَانَ بَعْلُکِ إِذْ فَعَلْتِ مَا فَعَلْتِ أَمْ حَاضِراً فَقَالَتْ بَلْ حَاضِراً قَالَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ ثَبَتَ لَکَ عَلَیْهَا أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ وَ إِنَّکَ قَدْ قُلْتَ لِنَبِیِّکَ ص فِیمَا أَخْبَرْتَهُ بِهِ مِنْ دِینِکَ یَا مُحَمَّدُ مَنْ عَطَّلَ حَدّاً مِنْ حُدُودِی فَقَدْ عَانَدَنِی وَ طَلَبَ بِذَلِکَ مُضَادَّتِی اللَّهُمَّ فَإِنِّی غَیْرُ مُعَطِّلٍ حُدُودَکَ وَ لَا طَالِبٍ مُضَادَّتَکَ وَ لَا مُضَیِّعٍ لِأَحْکَامِکَ بَلْ مُطِیعٌ لَکَ وَ مُتَّبِعٌ سُنَّةَ نَبِیِّکَ ص قَالَ فَنَظَرَ إِلَیْهِ عَمْرُو بْنُ حُرَیْثٍ وَ کَأَنَّمَا الرُّمَّانُ یُفْقَأُ فِی وَجْهِهِ فَلَمَّا رَأَی ذَلِکَ عَمْرٌو قَالَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ إِنَّمَا أَرَدْتُ أَکْفُلُهُ إِذْ ظَنَنْتُ أَنَّکَ تُحِبُّ ذَلِکَ فَأَمَّا إِذَا کَرِهْتَهُ فَإِنِّی لَسْتُ أَفْعَلُ فَقَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع أَ بَعْدَ أَرْبَعِ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ لَتَکْفُلَنَّهُ وَ أَنْتَ صَاغِرٌ فَصَعِدَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع الْمِنْبَرَ فَقَالَ یَا قَنْبَرُ نَادِ فِی النَّاسِ الصَّلَاةَ جَامِعَةً فَنَادَی قَنْبَرٌ فِی النَّاسِ فَاجْتَمَعُوا حَتَّی غَصَّ الْمَسْجِدُ بِأَهْلِهِ وَ قَامَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ص فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَی عَلَیْهِ ثُمَّ قَالَ أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ إِمَامَکُمْ خَارِجٌ بِهَذِهِ الْمَرْأَةِ إِلَی هَذَا الظَّهْرِ لِیُقِیمَ عَلَیْهَا الْحَدَّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَعَزَمَ عَلَیْکُمْ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ لَمَّا خَرَجْتُمْ وَ أَنْتُمْ مُتَنَکِّرُونَ وَ مَعَکُمْ أَحْجَارُکُمْ لَا

[۳۹] - من لا یحضره الفقیه: ۴۵۳/۴

يَتَعَرَّفُ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِلَي أَحَدٍ حَتَّي تَنْصَرِفُوا إِلَي مَنَازِلِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ ثُمَّ نَزَلَ فَلَمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ بُكْرَةً خَرَجَ بِالْمَرْأَةِ وَ خَرَجَ النَّاسُ مُتَنَكِّرِينَ مُتَلَثِّمِينَ بِعَمَائِمِهِمْ وَ بِأَرْدِيَتِهِمْ وَ الْحِجَارَةُ فِي أَرْدِيَتِهِمْ وَ فِي أَكْمَامِهِمْ حَتَّي انْتَهَي بِهَا وَ النَّاسُ مَعَهُ إِلَي الظَّهْرِ بِالْكُوفَةِ فَأَمَرَ أَنْ يُحْفَرَ لَهَا حَفِيرَةٌ ثُمَّ دَفَنَهَا فِيهَا ثُمَّ رَكِبَ بَغْلَتَهُ وَ أَثْبَتَ رِجْلَيْهِ فِي غَرْزِ الرِّكَابِ ثُمَّ وَضَعَ إِصْبَعَيْهِ السَّبَّابَتَيْنِ فِي أُذُنَيْهِ ثُمَّ نَادَي بِأَعْلَي صَوْتِهِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَي عَهِدَ إِلَي نَبِيِّهِ ص عَهْداً عَهِدَهُ مُحَمَّدٌ ص إِلَيَّ بِأَنَّهُ لَا يُقِيمُ الْحَدَّ مَنْ لِلَّهِ عَلَيْهِ حَدٌّ فَمَنْ كَانَ عَلَيْهِ حَدٌّ مِثْلُ مَا عَلَيْهَا فَلَا يُقِيمُ عَلَيْهَا الْحَدَّ قَالَ فَانْصَرَفَ النَّاسُ يَوْمَئِذٍ كُلُّهُمْ مَا خَلَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ع فَأَقَامَ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةُ عَلَيْهَا الْحَدَّ يَوْمَئِذٍ وَ مَا مَعَهُمْ غَيْرُهُمْ قَالَ وَ انْصَرَفَ فِيمَنِ انْصَرَفَ يَوْمَئِذٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۷ صفحه: ۱۸۵ – ۱۸۷

وَ إِنَّ امْرَأَةً أَتَتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَتْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي زَنَيْتُ فَطَهِّرْنِي طَهَّرَكَ اللَّهُ فَإِنَّ عَذَابَ الدُّنْيَا أَيْسَرُ مِنْ عَذَابِ الْآخِرَةِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ فَقَالَ مِمَّ أُطَهِّرُكِ قَالَتْ مِنَ الزِّنَا فَقَالَ لَهَا فَذَاتُ بَعْلٍ أَنْتِ أَمْ غَيْرُ ذَاتِ بَعْلٍ فَقَالَتْ ذَاتُ بَعْلٍ فَقَالَ لَهَا فَحَاضِراً كَانَ بَعْلُكِ أَمْ غَائِباً قَالَتْ حَاضِراً فَقَالَ انْتَظِرِي حَتَّي تَضَعِي مَا فِي بَطْنِكِ ثُمَّ ائْتِينِي فَلَمَّا وَلَّتْ عَنْهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَسْمَعُ كَلَامَهُ قَالَ اللَّهُمَّ هَذِهِ شَهَادَةٌ فَلَمْ تَلْبَثْ أَنْ أَتَتْهُ فَقَالَتْ إِنِّي وَضَعْتُ فَطَهِّرْنِي فَتَجَاهَلَ عَلَيْهَا وَ قَالَ لَهَا أُطَهِّرُكِ يَا أَمَةَ اللَّهِ مِمَّا ذَا قَالَتْ إِنِّي قَدْ زَنَيْتُ وَ قَدْ وَضَعْتُ فَطَهِّرْنِي قَالَ وَ ذَاتُ بَعْلٍ أَنْتِ إِذْ فَعَلْتِ مَا فَعَلْتِ أَمْ غَيْرُ ذَاتِ بَعْلٍ قَالَتْ بَلْ ذَاتُ بَعْلٍ قَالَ وَ كَانَ بَعْلُكِ غَائِباً أَمْ حَاضِراً قَالَتْ بَلْ حَاضِراً قَالَ اذْهَبِي حَتَّي تُرْضِعِيهِ فَلَمَّا وَلَّتْ حَيْثُ لَا تَسْمَعُ كَلَامَهُ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا شَهَادَتَانِ فَلَمَّا أَرْضَعَتْهُ عَادَتْ إِلَيْهِ فَقَالَتْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي زَنَيْتُ فَطَهِّرْنِي فَقَالَ لَهَا وَ ذَاتَ بَعْلٍ كُنْتِ إِذْ فَعَلْتِ مَا فَعَلْتِ أَمْ غَيْرَ ذَاتِ بَعْلٍ قَالَتْ بَلْ ذَاتَ بَعْلٍ قَالَ وَ كَانَ زَوْجُكِ حَاضِراً أَمْ غَائِباً قَالَتْ بَلْ حَاضِراً قَالَ اذْهَبِي فَاكْفُلِيهِ حَتَّي يَعْقِلَ أَنْ يَأْكُلَ وَ يَشْرَبَ وَ لَا يَتَرَدَّي مِنْ سَطْحٍ وَ لَا يَتَهَوَّرَ فِي بِئْرٍ فَانْصَرَفَتْ وَ هِيَ تَبْكِي فَلَمَّا وَلَّتْ حَيْثُ لَا تَسْمَعُ كَلَامَهُ قَالَ اللَّهُمَّ هَذِهِ ثَلَاثُ شَهَادَاتٍ فَاسْتَقْبَلَهَا عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ وَ هِيَ تَبْكِي فَقَالَ مَا يُبْكِيكِ قَالَتْ أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَسَأَلْتُهُ أَنْ يُطَهِّرَنِي فَقَالَ لِي اكْفُلِي وَلَدَكِ حَتَّي يَأْكُلَ وَ يَشْرَبَ وَ لَا يَتَرَدَّي مِنْ سَطْحٍ وَ لَا يَتَهَوَّرَ فِي بِئْرٍ وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ يُدْرِكَنِي الْمَوْتُ وَ لَمْ يُطَهِّرْنِي فَقَالَ لَهَا عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ ارْجِعِي فَإِنِّي أَكْفُلُ وَلَدَكِ فَرَجَعَتْ فَأَخْبَرَتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع بِقَوْلِ عَمْرٍو فَقَالَ لَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لِمَ يَكْفُلُ عَمْرٌو وَلَدَكِ قَالَتْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي زَنَيْتُ فَطَهِّرْنِي قَالَ وَ ذَاتَ بَعْلٍ كُنْتِ إِذْ فَعَلْتِ مَا فَعَلْتِ قَالَتْ نَعَمْ قَالَ وَ كَانَ بَعْلُكِ حَاضِراً أَمْ غَائِباً قَالَتْ بَلْ حَاضِراً فَرَفَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع رَأْسَهُ إِلَي السَّمَاءِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ أَثْبَتُّ ذَلِكَ عَلَيْهَا أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ وَ إِنَّكَ قَدْ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِيمَا أَخْبَرْتَهُ مِنْ دِينِكَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ عَطَّلَ حَدّاً مِنْ حُدُودِي فَقَدْ عَانَدَنِي وَ ضَادَّنِي فِي مُلْكِي اللَّهُمَّ وَ إِنِّي غَيْرُ مُعَطِّلٍ حُدُودَكَ وَ لَا طَالِبٍ مُضَادَّتَكَ وَ لَا مُعَانِدٍ لَكَ وَ لَا مُضَيِّعٍ أَحْكَامَكَ بَلْ مُطِيعٌ لَكَ مُتَّبِعٌ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ فَنَظَرَ إِلَيْهِ عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي إِنَّمَا أَرَدْتُ أَنْ أَكْفُلَهُ لِأَنِّي ظَنَنْتُ أَنَّ ذَلِكَ تُحِبُّهُ فَأَمَّا إِذْ كَرِهْتَهُ فَلَسْتُ أَفْعَلُ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بَعْدَ أَرْبَعِ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ لَتَكْفُلَنَّهُ وَ أَنْتَ صَاغِرٌ ثُمَّ قَامَ ع فَصَعِدَ الْمِنْبَرَ فَقَالَ يَا قَنْبَرُ نَادِ فِي النَّاسِ الصَّلَاةَ جَامِعَةً- فَاجْتَمَعَ النَّاسُ حَتَّي غَصَّ الْمَسْجِدُ بِأَهْلِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ إِمَامَكُمْ خَارِجٌ بِهَذِهِ الْمَرْأَةِ إِلَي الظَّهْرِ لِيُقِيمَ عَلَيْهَا الْحَدَّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نَزَلَ فَلَمَّا أَصْبَحَ خَرَجَ بِالْمَرْأَةِ وَ خَرَجَ النَّاسُ مُتَنَكِّرِينَ مُتَلَثِّمِينَ بِعَمَائِمِهِمْ وَ الْحِجَارَةُ فِي أَيْدِيهِمْ وَ أَرْدِيَتِهِمْ وَ أَكْمَامِهِمْ حَتَّي انْتَهَوْا إِلَي الظَّهْرِ فَأَمَرَ فَحُفِرَ لَهَا حَفِيرَةٌ ثُمَّ دَفَنَهَا فِيهَا إِلَي حَقْوَيْهَا ثُمَّ رَكِبَ بَغْلَتَهُ وَ أَثْبَتَ رِجْلَهُ فِي غَرْزِ الرِّكَابِ ثُمَّ وَضَعَ يَدَيْهِ السَّبَّابَتَيْنِ فِي أُذُنَيْهِ ثُمَّ نَادَي بِأَعْلَي صَوْتِهِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَي عَهِدَ إِلَي نَبِيِّهِ ص عَهْداً وَ عَهِدَ نَبِيُّهُ إِلَيَّ أَنْ لَا يُقِيمَ الْحَدَّ مَنْ لِلَّهِ عَلَيْهِ حَدٌّ فَمَنْ كَانَ لِلَّهِ عَلَيْهِ حَدٌّ مِثْلُ مَا لَهُ عَلَيْهَا فَلَا يُقِيمُ الْحَدَّ عَلَيْهَا فَانْصَرَفَ النَّاسُ يَوْمَئِذٍ كُلُّهُمْ مَا خَلَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ع فَأَقَامُوا عَلَيْهَا الْحَدَّ وَ مَا مَعَهُمْ غَيْرُهُمْ مِنَ النَّاسِ.

نام کتاب: من لا یحضره الفقیه نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۴ صفحه: ۳۲ – ۳۳

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- در کافی آمده که امام علی فرموده اند:

کسي که حد الهي (زنا کرده باشد) برگردن دارد، به اقامه حد این زانیه نپردازد (یعنی آن زن را سنگسار نکند).

میثم تمار میگوید: در آن روز همه مردم برگشتند جز امیر مؤمنان علي علیه السّلام، امام حسن علیه السّلام و امام حسین علیه السّلام. پس همین سه نفر در آن روز حد آن زن را اجرا کردند و شخص دیگري با آنان نبود. میثم گوید: از کساني که در آن روز برگشتند، محمد حنفیه فرزند امام علی بود.

[انصرف فِيمَنِ انصرف يومئذ محمّد بن أمير المؤمنين عَلَيْهِ السّلام]

- اما شیخ صدوق این جمله را حذف و سانسور کرده است!

هدف تحریف:

- روایت بیانگر زنا کار بود محمد حنفیه فرزند امام علی رضی الله عنه است.

- نکته: محمد تقی مجلسی در شرح من لایحضره الفقیه میگوید:

- شیخ صدوق بخاطر ادب و احترام، آن را حذف کرد!

(((زاد فی آخره) قال: و انصرف فیمن انصرف یومئذ (محمد بن أمیر المؤمنین علیه السلام)

و لم (یذکره) المصنف للأدب))[۴۰]

- تصور کنید اگر امام بخاری این کار را میکرد شیعیان چه تهمت هایی که نمیزدند!

روایت بیست و ششم

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ مُرْسَلًا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ قَالَ :اعْلَمْ عَلَّمَكَ اللَّهُ الْخَيْرَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَي قَدِيمٌ وَ الْقِدَمُ صِفَتُهُ الَّتِي دَلَّتِ الْعُقَلَ عَلَي أَنَّهُ لَا شَيْءَ قَبْلَهُ وَ لَا شَيْءَ مَعَهُ فِي دَيْمُومِيَّتِهِ فَقَدْ بَانَ لَنَا بِإِقْرَارِ الْعَامَّةِ مُعْجِزَةُ الصِّفَةِ أَنَّهُ لَا شَيْءَ قَبْلَ اللَّهِ وَ لَا شَيْءَ مَعَ اللَّهِ فِي بَقَائِهِ وَ بَطَلَ قَوْلُ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ كَانَ قَبْلَهُ أَوْ كَانَ مَعَهُ شَيْءٌ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَوْ كَانَ مَعَهُ شَيْءٌ فِي بَقَائِهِ لَمْ يَجُزْ أَنْ يَكُونَ خَالِقاً لَهُ لِأَنَّهُ لَمْ يَزَلْ مَعَهُ فَكَيْفَ يَكُونُ خَالِقاً لِمَنْ لَمْ يَزَلْ مَعَهُ وَ لَوْ كَانَ قَبْلَهُ شَيْءٌ كَانَ الْأَوَّلَ ذَلِكَ الشَّيْءُ لَا هَذَا وَ كَانَ الْأَوَّلُ أَوْلَي بِأَنْ

[۴۰] – روضة المتقین: ۳۵/۱۰

يَكُونَ خَالِقاً لِلْأَوَّلِ ثُمَّ وَصَفَ نَفْسَهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِأَسْمَاءِ دَعَا الْخَلْقَ إِذْ خَلَقَهُمْ وَ تَعَبَّدَهُمْ وَ ابْتَلَاهُمْ إِلَى أَنْ يَدْعُوهُ بِهَا فَسَمَّى نَفْسَهُ سَمِيعاً بَصِيراً قَادِراً قَائِماً نَاطِقاً ظَاهِراً بَاطِناً لَطِيفاً خَبِيراً قَوِيّاً عَزِيزاً حَكِيماً عَلِيماً وَ مَا أَشْبَهَ هَذِهِ الْأَسْمَاءَ فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ مِنْ أَسْمَائِهِ الْقَالُونَ الْمُكَذِّبُونَ وَ قَدْ سَمِعُونَا نُحَدِّثُ عَنِ اللَّهِ أَنَّهُ لَا شَيْءَ مِثْلُهُ وَ لَا شَيْءَ مِنَ الْخَلْقِ فِي حَالِهِ قَالُوا أَخْبِرُونَا إِذَا زَعَمْتُمْ أَنَّهُ لَا مِثْلَ لِلَّهِ وَ لَا شِبْهَ لَهُ كَيْفَ شَارَكْتُمُوهُ فِي أَسْمَائِهِ الْحُسْنَى فَتَسَمَّيْتُمْ بِجَمِيعِهَا فَإِنَّ فِي ذَلِكَ دَلِيلًا عَلَى أَنَّكُمْ مِثْلُهُ فِي حَالَاتِهِ كُلِّهَا أَوْ فِي بَعْضِهَا دُونَ بَعْضٍ إِذْ جَمَعْتُمُ الْأَسْمَاءَ الطَّيِّبَةَ قِيلَ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَلْزَمَ الْعِبَادَ أَسْمَاءً مِنْ أَسْمَائِهِ عَلَى اخْتِلَافِ الْمَعَانِي- وَ ذَلِكَ كَمَا يَجْمَعُ الِاسْمُ الْوَاحِدُ مَعْنَيَيْنِ مُخْتَلِفَيْنِ وَ الدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ قَوْلُ النَّاسِ الْجَائِزُ عِنْدَهُمُ الشَّائِعُ وَ هُوَ الَّذِي خَاطَبَ اللَّهُ بِهِ الْخَلْقَ فَكَلَّمَهُمْ بِمَا يَعْقِلُونَ لِيَكُونَ عَلَيْهِمْ حُجَّةً فِي تَضْيِيعِ مَا ضَيَّعُوا فَقَدْ يُقَالُ لِلرَّجُلِ كَلْبٌ وَ حِمَارٌ وَ ثَوْرٌ وَ سِكَّرَةٌ وَ عَلْقَمَةٌ وَ أَسَدٌ كُلُّ ذَلِكَ عَلَى خِلَافِهِ وَ حَالَاتِهِ لَمْ تَقَعِ الْأَسَامِي عَلَى مَعَانِيهَا الَّتِي كَانَتْ بُنِيَتْ عَلَيْهِ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ لَيْسَ بِأَسَدٍ وَ لَا كَلْبٍ فَافْهَمْ ذَلِكَ رَحِمَكَ اللَّهُ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ اللَّهُ تَعَالَى بِالْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ حَادِثٍ عَلِمَ بِهِ الْأَشْيَاءَ اسْتَعَانَ بِهِ عَلَى حِفْظِ مَا يُسْتَقْبَلُ مِنْ أَمْرِهِ وَ الرَّوِيَّةِ فِيمَا يَخْلُقُ مِنْ خَلْقِهِ وَ يُفْسِدُ مَا مَضَى مِمَّا أَفْنَى مِنْ خَلْقِهِ مِمَّا لَوْ لَمْ يَحْضُرْهُ ذَلِكَ الْعِلْمُ وَ يَغِيبُهُ كَانَ جَاهِلًا ضَعِيفاً كَمَا أَنَّا لَوْ رَأَيْنَا عُلَمَاءَ الْخَلْقِ إِنَّمَا سُمُّوا بِالْعِلْمِ لِعِلْمٍ حَادِثٍ إِذْ كَانُوا فِيهِ جَهَلَةً وَ رُبَّمَا فَارَقَهُمُ الْعِلْمُ بِالْأَشْيَاءِ فَعَادُوا إِلَى الْجَهْلِ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ اللَّهُ عَالِماً لِأَنَّهُ لَا يَجْهَلُ شَيْئاً فَقَدْ جَمَعَ الْخَالِقَ وَ الْمَخْلُوقَ اسْمُ الْعَالِمِ وَ اخْتَلَفَ الْمَعْنَى عَلَى مَا رَأَيْتَ وَ سُمِّيَ رَبُّنَا سَمِيعاً لَا بِخَرْتٍ فِيهِ يَسْمَعُ بِهِ الصَّوْتَ وَ لَا يُبْصِرُ بِهِ كَمَا أَنَّ خَرْتَنَا الَّذِي بِهِ نَسْمَعُ لَا نَقْوَى بِهِ عَلَى الْبَصَرِ وَ لَكِنَّهُ أَخْبَرَ أَنَّهُ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنَ الْأَصْوَاتِ لَيْسَ عَلَى حَدِّ مَا سُمِّينَا نَحْنُ فَقَدْ جَمَعَنَا الِاسْمُ بِالسَّمْعِ وَ اخْتَلَفَ الْمَعْنَى وَ هَكَذَا الْبَصَرُ لَا بِخَرْتٍ مِنْهُ أَبْصَرَ كَمَا أَنَّا نُبْصِرُ بِخَرْتٍ مِنَّا لَا نَنْتَفِعُ بِهِ فِي غَيْرِهِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ لَا يَحْتَمِلُ شَخْصاً مَنْظُوراً إِلَيْهِ فَقَدْ جَمَعَنَا الِاسْمُ وَ اخْتَلَفَ الْمَعْنَى وَ هُوَ قَائِمٌ لَيْسَ عَلَى مَعْنَى انْتِصَابٍ وَ قِيَامٍ عَلَى سَاقٍ فِي كَبِدٍ كَمَا قَامَتِ الْأَشْيَاءُ وَ لَكِنْ قَائِمٌ يُخْبِرُ أَنَّهُ حَافِظٌ كَقَوْلِ الرَّجُلِ الْقَائِمُ بِأَمْرِنَا فُلَانٌ وَ اللَّهُ هُوَ الْقَائِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ الْقَائِمُ أَيْضاً فِي كَلَامِ النَّاسِ الْبَاقِي وَ الْقَائِمُ أَيْضاً يُخْبِرُ عَنِ الْكِفَايَةِ كَقَوْلِكَ لِلرَّجُلِ قُمْ بِأَمْرِ بَنِي فُلَانٍ أَيِ اكْفِهِمْ وَ الْقَائِمُ مِنَّا قَائِمٌ عَلَى سَاقٍ فَقَدْ جَمَعَنَا الِاسْمُ وَ لَمْ نَجْمَعِ الْمَعْنَى وَ أَمَّا اللَّطِيفُ فَلَيْسَ عَلَى قِلَّةٍ وَ قَضَافَةٍ وَ صِغَرٍ وَ لَكِنْ ذَلِكَ عَلَى النَّفَاذِ فِي الْأَشْيَاءِ وَ الِامْتِنَاعِ مِنْ أَنْ يُدْرَكَ كَقَوْلِكَ لِلرَّجُلِ لَطُفَ عَنِّي هَذَا الْأَمْرُ وَ لَطُفَ فُلَانٌ فِي مَذْهَبِهِ وَ قَوْلُهُ يُخْبِرُكَ أَنَّهُ غَمَضَ فِيهِ الْعَقْلُ وَ فَاتَ الطَّلَبُ وَ عَادَ مُتَعَمِّقاً مُتَلَطِّفاً لَا يُدْرِكُهُ الْوَهْمُ فَكَذَلِكَ لَطُفَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَنْ أَنْ يُدْرَكَ بِحَدٍّ أَوْ يُحَدَّ بِوَصْفٍ وَ اللَّطَافَةُ مِنَّا الصِّغَرُ وَ الْقِلَّةُ فَقَدْ جَمَعَنَا الِاسْمُ وَ اخْتَلَفَ الْمَعْنَى وَ أَمَّا الْخَبِيرُ فَالَّذِي لَا يَعْزُبُ عَنْهُ شَيْءٌ وَ لَا يَفُوتُهُ لَيْسَ لِلتَّجْرِبَةِ وَ لَا لِلِاعْتِبَارِ بِالْأَشْيَاءِ فَعِنْدَ التَّجْرِبَةِ وَ الِاعْتِبَارِ عِلْمَانِ وَ لَوْ لَا هُمَا مَا عُلِمَ لِأَنَّ مَنْ كَانَ كَذَلِكَ كَانَ جَاهِلًا وَ اللَّهُ لَمْ يَزَلْ خَبِيراً بِمَا يَخْلُقُ وَ الْخَبِيرُ مِنَ النَّاسِ الْمُسْتَخْبِرُ عَنْ جَهْلٍ الْمُتَعَلِّمُ فَقَدْ جَمَعَنَا الِاسْمُ وَ اخْتَلَفَ الْمَعْنَى وَ أَمَّا الظَّاهِرُ فَلَيْسَ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ عَلَا الْأَشْيَاءَ بِرُكُوبٍ فَوْقَهَا وَ قُعُودٍ عَلَيْهَا وَ تَسَنُّمٍ لِذُرَاهَا وَ لَكِنْ ذَلِكَ لِقَهْرِهِ وَ لِغَلَبَتِهِ الْأَشْيَاءَ وَ قُدْرَتِهِ عَلَيْهَا كَقَوْلِ الرَّجُلِ ظَهَرْتُ عَلَى أَعْدَائِي وَ أَظْهَرَنِي اللَّهُ عَلَى خَصْمِي يُخْبِرُ عَنِ الْفَلْجِ وَ الْغَلَبَةِ فَهَكَذَا ظُهُورُ اللَّهِ عَلَى الْأَشْيَاءِ وَ وَجْهٌ آخَرُ أَنَّهُ الظَّاهِرُ لِمَنْ أَرَادَهُ وَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ أَنَّهُ مُدَبِّرٌ لِكُلِّ مَا بَرَأَ فَأَيُّ ظَاهِرٍ أَظْهَرُ وَ أَوْضَحُ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِأَنَّكَ لَا تَعْدَمُ صَنْعَتَهُ حَيْثُمَا تَوَجَّهْتَ وَ فِيكَ مِنْ آثَارِهِ مَا يُغْنِيكَ وَ الظَّاهِرُ مِنَّا الْبَارِزُ بِنَفْسِهِ وَ الْمَعْلُومُ بِحَدِّهِ فَقَدْ جَمَعَنَا الِاسْمُ وَ لَمْ يَجْمَعْنَا الْمَعْنَى وَ أَمَّا الْبَاطِنُ فَلَيْسَ عَلَى مَعْنَى الِاسْتِبْطَانِ لِلْأَشْيَاءِ بِأَنْ يَغُورَ فِيهَا وَ لَكِنْ ذَلِكَ مِنْهُ عَلَى اسْتِبْطَانِهِ لِلْأَشْيَاءِ عِلْماً وَ حِفْظاً وَ تَدْبِيراً كَقَوْلِ الْقَائِلِ أَبْطَنْتُهُ يَعْنِي خَبَّرْتُهُ وَ عَلِمْتُ مَكْتُومَ سِرِّهِ وَ الْبَاطِنُ مِنَّا الْغَائِبُ فِي الشَّيْءِ الْمُسْتَتِرُ وَ قَدْ جَمَعَنَا الِاسْمُ وَ اخْتَلَفَ الْمَعْنَى وَ أَمَّا الْقَاهِرُ فَلَيْسَ عَلَى مَعْنَى عِلَاجٍ وَ نَصَبٍ وَ احْتِيَالٍ وَ مُدَارَاةٍ وَ مَكْرٍ كَمَا يَقْهَرُ الْعِبَادُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً وَ الْمَقْهُورُ مِنْهُمْ يَعُودُ قَاهِراً وَ الْقَاهِرُ يَعُودُ مَقْهُوراً وَ لَكِنْ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى أَنَّ جَمِيعَ مَا خَلَقَ مُلَبَّسٌ بِهِ الذُّلُّ لِفَاعِلِهِ وَ قِلَّةُ الِامْتِنَاعِ لِمَا أَرَادَ بِهِ لَمْ يَخْرُجْ مِنْهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ وَ الْقَاهِرُ مِنَّا عَلَى مَا ذَكَرْتُ وَ وَصَفْتُ فَقَدْ جَمَعَنَا الِاسْمُ وَ اخْتَلَفَ الْمَعْنَى وَ هَكَذَا جَمِيعُ الْأَسْمَاءِ وَ إِنْ كُنَّا لَمْ نَسْتَجْمِعْهَا كُلَّهَا فَقَدْ يَكْتَفِي الِاعْتِبَارُ بِمَا أَلْقَيْنَا إِلَيْكَ وَ اللَّهُ عَوْنُكَ وَ عَوْنُنَا فِي إِرْشَادِنَا وَ تَوْفِيقِنَا.

نام كتاب: الكافي- ط الاسلاميه نويسنده: الشيخ الكليني جلد: ۱ صفحه: ۱۲۰ - ۱۲۳

حدثنا علی بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق رحمه‌الله قال : حدثنا محمد بن يعقوب الكليني ، قال : حدثنا علی بن محمد ، عن محمد بن عيسي ، عن الحسين ابن خالد ، عن أبي الحسن الرضا عليه‌السلام أنه قال : إعلم ـ علمك الله الخير ـ أن الله تبارك

وتعالي قديم ، والقدم صفة دلت العاقل علي أنه لا شيء قبله ولا شيء معه فى ديموميته ، فقد بان لنا بإقرار العامة مع معجزة الصفة لا شيء قبل الله ولا شيء مع الله فى بقائه وبطل قول من زعم أنه كان قبله أو كان معه شيء وذلک أنه لو كان معه شئ فبقائه لم يجز أن يكون خالقا له لأنه لم يزل معه : فكيف يكون خالقا لمن لم يزل معه ، ولو كان قبله شيء كان الأول ذلک الشيء لا هذا ، وكان الأول أولي بأن يكون خالقا للأول الثانى. ثم وصف نفسه تبارک وتعالي بأسماء دعا الخلق إذ خلقهم وتعبدهم وابتلاهم إلي أن يدعوه بها ، فسمي نفسه سميعا بصيرا قادرا قائما ظاهرا باطنا لطيفا خبيرا قويا عزيزا حكيما عليما وما أشبه هذه الأسماء ، فلما رأي ذلک من أسمائه الغالون المكذبون وقد سمعونا نحدث عن الله أنه لا شيء مثله ولا شيء من الخلق فى حاله قالوا : أخبرونا إذ زعمتم أنه لا مثل لله ولا شبه له كيف شاركتموه فى أسمائه الحسني فتسميتم بجميعها؟! فإن فى ذلک دليلا علي أنكم مثله فى حالاته كلها أو فى بعضها دون بعض ، إذ جمعتكم الأسماء الطيبة ، قيل لهم : إن الله تبارک وتعالي ألزم العباد أسماء من أسمائه علي اختلاف المعانى وذلک كما يجمع الاسم الواحد معنيين مختلفين ، والدليل علي ذلک قول الناس الجائز عندهم الشائع ، وهو الذى خاطب الله به الخلق وكلمهم بما يعقلون ليكون عليهم حجة فى تضييع ما ضيعوا ، وقد يقال للرجل : كلب وحمار وثور وسكرة وعلقمة وأسد ، وكل ذلک علي خلافه وحالاته لم تقع الأسامى علي معانيها التى كانت بنيت عليها ، لأن الإنسان ليس بأسد ولا كلب ، فافهم ذلک رحمک الله. وإنما نسمى الله بالعلم بغير علم حادث علم به الأشياء ، واستعان به علي حفظ ما يستقبل من أمره والروية فيما يخلق من خلقه ، وبعينه ما مضي مما أفني من خلقه مما لو لم يحضره ذلک العلم ويعنه كان جاهلا ضعيفا كما أنا رأينا علماء الخلق أنما سموا بالعلم لعلم حادث إذ كانوا قبله جهلة ، وربما فارقهم العلم بالأشياء فصاروا إلي الجهل وإنما سمى الله عالما لأنه لا يجهل شيئا ، فقد جمع الخالق والمخلوق اسم العلم واختلف المعني علي ما رأيت ، وسمي ربنا سميعا لا بجزء فيه يسمع به الصوت ولا يبصر به ، كما أن جزءنا الذى نسمع به لا نقوي علي النظر به ، ولكنه أخبر أنه لا يخفي عليه الأصوات ، ليس علي حد ما سمينا نحن ، فقد جمعنا الاسم بالسميع واختلف المعني ، وهكذا البصر لا بجزء به أبصر ، كما أنا نبصر بجزء منا لا ننتفع به فى غيره ، ولكن الله بصير لا يجهل شخصا منظورا إليه ، فقد جمعنا الاسم واختلف المعني ، وهو قائم ليس علي معني انتصاب وقيام علي ساق فى كبد كما قامت الأشياء ولكن أخبر أنه قائم ، يخبر أنه حافظ ، كقولک : الرجل القائم بأمرنا فلان ، وهو قائم علي كل نفس بما كسبت ، والقائم أيضا فى كلام الناس الباقى ، والقائم أيضا يخبر عن الكفاية ، كقولک للرجل قم بأمر فلان أى اكفه ، والقائم منا قائم علي ساق ، فقد جمعنا الاسم ولم يجمعنا المعني ، وأما اللطيف فليس علي قلة وقضافة وصغر ، ولكن ذلک علي النفاذ فى الأشياء والامتناع من أن يدرک ، كقولک لطف عنى هذا الأمر ، ولطف فلان فى مذهبه وقوله يخبرک أنه غمض فبهر العقل وفات الطلب وعاد متعمقا متلطفا لا يدركه الوهم ، فهكذا لطف الله ، تبارک وتعالي عن أن يدرک بحد أو يحد بوصف ، واللطافة منا الصغر والقلة ، فقد جمعنا الاسم واختلف المعني ، وأما الخبير فالذى لا يعزب عنه شيء ولا يفوته شيء ، ليس للتجربة ولا للاعتبار بالأشياء فيفيده التجربة والاعتبار علما لولاهما ما علم ، لأن من كان كذلک كان جاهلا ، والله لم يزل خبيرا بما يخلق والخبير من الناس المستخبر عن جهل المتعلم ، وقد جمعنا الاسم واختلف المعني ، وأما الظاهر فليس من أجل أنه علا الأشياء بركوب فوقها ، وقعود عليها ، وتسنم لذراها ، ولكن ذلک لقهره ولغلبته الأشياء ولقدرته عليها كقوله الرجل : ظهرت علي أعدائى وأظهرنى الله علي خصمى ، يخبر عن الفلج والغلبة ، فهكذا ظهور الله علي الأعداء. ووجه آخر أنه الظاهر لمن أراده ، لا يخفي عليه شيء وأنه مدبر لكل ما برأ ، فأى ظاهر أظهره وأوضح من الله تعالي ، وإنک لا تعدم صنعه حيثما توجهت ، وفيک من آثاره ما يغنيک ، والظاهر منا البارز بنفسه والمعلوم بحده ، فقد جمعنا الاسم ولم يجمعنا المعني ، وأما الباطن فليس علي معني الاستبطان للأشياء بأن يغور فيها ولكن ذلک منه علي استبطانه للأشياء علما وحفظا وتدبيرا ، كقول القائل أبطنته ، يعنى خبرته وعلمت مكتوم سره ، والباطن منا بمعني الغائر فى الشيء والمستتر به فقد جمعنا الاسم واختلف المعني ، وأما القاهر فإنه ليس علي معني علاج ونصب واحتيال ومداراة ومكر ، كما يقهر العباد بعضهم بعضا ، فالمقهور منهم يعود قاهرا ، والقاهر يعود مقهورا ، ولكن ذلک من الله تبارک وتعالي علي أن جميع ما خلق ملتبس به الذل لفاعله وقلة الامتناع لما أراد به ، لم يخرج منه طرفة عين غير أنه يقول له : كن فيكون ، والقاهر منا علي ما ذكرته ووصفت ، فقد جمعنا الاسم واختلف

المعني ، وهكذا جميع الأسماء وإن كنا لم نسمها كلها ، فقد يكتفى للاعتبار بما ألقينا إليک ، والله عوننا وعونک فى إرشادنا وتوفيقنا.

نام كتاب: التّوحيد نويسنده: الشيخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۱۸۶ - ۱۸۷

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- کلینی با سند منقطع از امام رضا راجع به اسماء خداوند روایت میکند:

[فسمي نفسه "سميعاً بصيراً قادراً قائماً ناطقاً ..."]

- اما عجیب اینجاست که شیخ صدوق توسط علی الدقاق از کلینی همین روایت رو با سند متصل روایت میکند و کلمه [ناطقاً] رو حذف میکند!

- بعید نیست سند هم ترکیب و وضع شده باشد!

روایت بیست و هفتم

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ آزَرَ أَبَا إِبْرَاهِيمَ ع كَانَ مُنَجِّماً لِنُمْرُودَ وَ لَمْ يَكُنْ يَصْدُرُ إِلَّا عَنْ أَمْرِهِ فَنَظَرَ لَيْلَةً فِي النُّجُومِ فَأَصْبَحَ وَ هُوَ يَقُولُ لِنُمْرُودَ لَقَدْ رَأَيْتُ عَجَباً قَالَ وَ مَا هُوَ قَالَ رَأَيْتُ مَوْلُوداً يُولَدُ فِي أَرْضِنَا يَكُونُ هَلَاكُنَا عَلَى يَدَيْهِ وَ لَا يَلْبَثُ إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى يُحْمَلَ بِهِ قَالَ فَتَعَجَّبَ مِنْ ذَلِكَ وَ قَالَ هَلْ حَمَلَتْ بِهِ النِّسَاءُ قَالَ لَا قَالَ فَحَجَبَ النِّسَاءَ عَنِ الرِّجَالِ فَلَمْ يَدَعِ امْرَأَةً إِلَّا جَعَلَهَا فِي الْمَدِينَةِ لَا يُخْلَصُ إِلَيْهَا وَ وَقَعَ آزَرُ بِأَهْلِهِ فَعَلِقَتْ بِإِبْرَاهِيمَ ع فَظَنَّ أَنَّهُ صَاحِبُهُ فَأَرْسَلَ إِلَى نِسَاءٍ مِنَ الْقَوَابِلِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ لَا يَكُونُ فِي الرَّحِمِ شَيْءٌ إِلَّا عَلِمْنَ بِهِ فَنَظَرْنَ فَأَلْزَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا فِي الرَّحِمِ إِلَى الظَّهْرِ فَقُلْنَ مَا نَرَى فِي بَطْنِهَا شَيْئاً وَ كَانَ فِيمَا أُوتِيَ مِنَ الْعِلْمِ أَنَّهُ سَيُحْرَقُ بِالنَّارِ وَ لَمْ يُؤْتَ عِلْمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيُنْجِيهِ قَالَ فَلَمَّا وَضَعَتْ أُمُّ إِبْرَاهِيمَ أَرَادَ آزَرُ أَنْ يَذْهَبَ بِهِ إِلَى نُمْرُودَ لِيَقْتُلَهُ فَقَالَتْ لَهُ امْرَأَتُهُ لَا تَذْهَبْ بِابْنِكَ إِلَى نُمْرُودَ فَيَقْتُلَهُ دَعْنِي أَذْهَبْ بِهِ إِلَى بَعْضِ الْغِيرَانِ أَجْعَلْهُ فِيهِ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيْهِ أَجَلُهُ وَ لَا تَكُونَ أَنْتَ الَّذِي تَقْتُلُ ابْنَكَ فَقَالَ لَهَا فَامْضِي بِهِ قَالَ فَذَهَبَتْ بِهِ إِلَى غَارٍ ثُمَّ أَرْضَعَتْهُ ثُمَّ جَعَلَتْ عَلَى بَابِ الْغَارِ صَخْرَةً ثُمَّ انْصَرَفَتْ عَنْهُ قَالَ فَجَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رِزْقَهُ فِي إِبْهَامِهِ فَجَعَلَ يَمَصُّهَا فَيَشْخُبُ لَبَنُهَا وَ جَعَلَ يَشِبُّ فِي الْيَوْمِ كَمَا يَشِبُّ غَيْرُهُ فِي الْجُمُعَةِ وَ يَشِبُّ فِي الْجُمُعَةِ كَمَا يَشِبُّ غَيْرُهُ فِي الشَّهْرِ وَ يَشِبُّ فِي الشَّهْرِ كَمَا يَشِبُّ غَيْرُهُ فِي السَّنَةِ فَمَكَثَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَمْكُثَ ثُمَّ إِنَّ أُمَّهُ قَالَتْ لِأَبِيهِ لَوْ أَذِنْتَ لِي حَتَّى أَذْهَبَ إِلَى ذَلِكَ الصَّبِيِّ فَعَلْتُ قَالَ فَافْعَلِي فَذَهَبَتْ فَإِذَا هِيَ بِإِبْرَاهِيمَ ع وَ إِذَا عَيْنَاهُ تَزْهَرَانِ كَأَنَّهُمَا سِرَاجَانِ قَالَ فَأَخَذَتْهُ فَضَمَّتْهُ إِلَى صَدْرِهَا وَ أَرْضَعَتْهُ ثُمَّ انْصَرَفَتْ عَنْهُ فَسَأَلَهَا آزَرُ عَنْهُ فَقَالَتْ قَدْ وَارَيْتُهُ فِي التُّرَابِ فَمَكَثَتْ تَفْعَلُ فَتَخْرُجُ فِي الْحَاجَةِ وَ تَذْهَبُ إِلَى إِبْرَاهِيمَ ع فَتَضُمُّهُ إِلَيْهَا وَ تُرْضِعُهُ ثُمَّ تَنْصَرِفُ فَلَمَّا تَحَرَّكَ أَتَتْهُ كَمَا كَانَتْ تَأْتِيهِ فَصَنَعَتْ بِهِ كَمَا كَانَتْ تَصْنَعُ فَلَمَّا أَرَادَتِ الِانْصِرَافَ أَخَذَ بِثَوْبِهَا فَقَالَتْ لَهُ مَا لَكَ فَقَالَ لَهَا اذْهَبِي بِي مَعَكِ فَقَالَتْ لَهُ حَتَّى أَسْتَأْمِرَ أَبَاكَ قَالَ فَأَتَتْ أُمُّ إِبْرَاهِيمَ ع آزَرَ فَأَعْلَمَتْهُ الْقِصَّةَ فَقَالَ لَهَا ائْتِينِي بِهِ فَأَقْعِدِيهِ عَلَى

الطَّرِيقِ فَإِذَا مَرَّ بِهِ إِخْوَتُهُ دَخَلَ مَعَهُمْ وَ لَا يُعْرَفُ قَالَ وَ كَانَ إِخْوَةُ إِبْرَاهِيمَ ع يَعْمَلُونَ الْأَصْنَامَ وَ يَذْهَبُونَ بِهَا إِلَي الْأَسْوَاقِ وَ يَبِيعُونَهَا قَالَ فَذَهَبَتْ إِلَيْهِ فَجَاءَتْ بِهِ حَتَّي أَقْعَدَتْهُ عَلَي الطَّرِيقِ وَ مَرَّ إِخْوَتُهُ فَدَخَلَ مَعَهُمْ فَلَمَّا رَآهُ أَبُوهُ وَقَعَتْ عَلَيْهِ الْمَحَبَّةُ مِنْهُ فَمَكَثَ مَا شَاءَ اللَّهُ قَالَ فَبَيْنَمَا إِخْوَتُهُ يَعْمَلُونَ يَوْماً مِنَ الْأَيَّامِ الْأَصْنَامَ إِذَا أَخَذَ إِبْرَاهِيمُ ع الْقَدُومَ وَ أَخَذَ خَشَبَةً فَنَجَرَ مِنْهَا صَنَماً لَمْ يَرَوْا قَطُّ مِثْلَهُ فَقَالَ آزَرُ لِأُمِّهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ نُصِيبَ خَيْراً بِبَرَكَةِ ابْنِكِ هَذَا قَالَ فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذَا أَخَذَ إِبْرَاهِيمُ الْقَدُومَ فَكَسَرَ الصَّنَمَ الَّذِي عَمِلَهُ فَفَزِعَ أَبُوهُ مِنْ ذَلِكَ فَزَعاً شَدِيداً فَقَالَ لَهُ أَيَّ شَيْءٍ عَمِلْتَ فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ع وَ مَا تَصْنَعُونَ بِهِ فَقَالَ آزَرُ نَعْبُدُهُ فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ع أَ تَعْبُدُونَ ما تَنْحِتُونَ فَقَالَ آزَرُ لِأُمِّهِ هَذَا الَّذِي يَكُونُ ذَهَابُ مُلْكِنَا عَلَي يَدَيْهِ.

نام كتاب: الكافي- ط الاسلاميه نويسنده: الشيخ الكليني جلد: ٨ صفحه: ٣٦٦ - ٣٦٨

حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ [1] عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ أَبُو إِبْرَاهِيمَ ع مُنَجِّماً لِنُمْرُودَ بْنِ كَنْعَانَ وَ كَانَ نُمْرُودُ لَا يَصْدُرُ إِلَّا عَنْ رَأْيِهِ فَنَظَرَ فِي النُّجُومِ لَيْلَةً مِنَ اللَّيَالِي فَأَصْبَحَ فَقَالَ لَقَدْ رَأَيْتُ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ عَجَباً فَقَالَ لَهُ نُمْرُودُ وَ مَا هُوَ فَقَالَ رَأَيْتُ مَوْلُوداً يُولَدُ فِي أَرْضِنَا هَذِهِ فَيَكُونُ هَلَاكُنَا عَلَي يَدَيْهِ وَ لَا يَلْبَثُ إِلَّا قَلِيلًا حَتَّي يُحْمَلَ بِهِ فَعَجِبَ مِنْ ذَلِكَ نُمْرُودُ وَ قَالَ لَهُ هَلْ حَمَلَتْ بِهِ النِّسَاءُ فَقَالَ لَا وَ كَانَ فِيمَا أُوتِيَ بِهِ مِنَ الْعِلْمِ أَنَّهُ سَيُحْرَقُ بِالنَّارِ وَ لَمْ يَكُنْ أُوتِيَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَي سَيُنْجِيهِ قَالَ فَحَجَبَ النِّسَاءَ عَنِ الرِّجَالِ فَلَمْ يَتْرُكْ امْرَأَةً إِلَّا جُعِلَتْ بِالْمَدِينَةِ حَتَّي لَا يَخْلُصَ إِلَيْهِنَّ الرِّجَالُ قَالَ وَ وَقَعَ أَبُو إِبْرَاهِيمَ عَلَي امْرَأَتِهِ فَحَمَلَتْ بِهِ وَ ظَنَّ أَنَّهُ صَاحِبُهُ فَأَرْسَلَ إِلَي نِسَاءٍ مِنَ الْقَوَابِلِ لَا يَكُونُ فِي الْبَطْنِ شَيْءٌ إِلَّا عَلِمْنَ بِهِ فَنَظَرْنَ إِلَي أُمِّ إِبْرَاهِيمَ فَأَلْزَمَ اللَّهُ تَعَالَي ذِكْرُهُ مَا فِي الرَّحِمِ الظَّهْرَ فَقُلْنَ مَا نَرَي شَيْئاً فِي بَطْنِهَا فَلَمَّا وَضَعَتْ أُمُّ إِبْرَاهِيمَ بِهِ أَرَادَ أَبُوهُ أَنْ يَذْهَبَ بِهِ إِلَي نُمْرُودَ فَقَالَتْ لَهُ امْرَأَتُهُ لَا تَذْهَبْ بِابْنِكَ إِلَي نُمْرُودَ فَيَقْتُلَهُ دَعْنِي أَذْهَبْ بِهِ إِلَي بَعْضِ الْغِيرَانِ أَجْعَلْهُ فِيهِ حَتَّي يَأْتِيَ عَلَيْهِ أَجَلُهُ وَ لَا تَكُونَ أَنْتَ تَقْتُلُ ابْنَكَ فَقَالَ لَهَا فَاذْهَبِي بِهِ فَذَهَبَتْ بِهِ إِلَي غَارٍ ثُمَّ أَرْضَعَتْهُ ثُمَّ جَعَلَتْ عَلَي بَابِ الْغَارِ صَخْرَةً ثُمَّ انْصَرَفَتْ عَنْهُ فَجَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رِزْقَهُ فِي إِبْهَامِهِ فَجَعَلَ يَمُصُّهَا فَيَشْرَبُ لَبَناً وَ جَعَلَ يَشِبُّ فِي الْيَوْمِ كَمَا يَشِبُّ غَيْرُهُ فِي الْجُمُعَةِ وَ يَشِبُّ فِي الْجُمُعَةِ كَمَا يَشِبُّ غَيْرُهُ فِي الشَّهْرِ وَ يَشِبُّ فِي الشَّهْرِ كَمَا يَشِبُّ غَيْرُهُ فِي السَّنَةِ فَمَكَثَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَمْكُثَ- ثُمَّ إِنَّ أُمَّهُ قَالَتْ لِأَبِيهِ لَوْ أَذِنْتَ لِي حَتَّي أَذْهَبَ إِلَي ذَلِكَ الصَّبِيِّ فَأَرَاهُ فَعَلْتُ قَالَ فَافْعَلِي فَأَتَتِ الْغَارَ فَإِذَا هِيَ بِإِبْرَاهِيمَ ع وَ إِذَا عَيْنَاهُ تَزْهَرَانِ كَأَنَّهُمَا سِرَاجَانِ فَأَخَذَتْهُ وَ ضَمَّتْهُ إِلَي صَدْرِهَا وَ أَرْضَعَتْهُ ثُمَّ انْصَرَفَتْ عَنْهُ فَسَأَلَهَا أَبُوهُ عَنِ الصَّبِيِّ فَقَالَتْ لَهُ قَدْ وَارَيْتُهُ فِي التُّرَابِ فَمَكَثَتْ تَعْتَلُّ وَ تَخْرُجُ فِي الْحَاجَةِ وَ تَذْهَبُ إِلَي إِبْرَاهِيمَ ع فَتَضُمُّهُ إِلَيْهَا وَ تُرْضِعُهُ ثُمَّ تَنْصَرِفُ فَلَمَّا تَحَرَّكَ أَتَتْهُ أُمُّهُ كَمَا كَانَتْ تَأْتِيهِ وَ صَنَعَتْ كَمَا كَانَتْ تَصْنَعُ فَلَمَّا أَرَادَتِ الِانْصِرَافَ أَخَذَ بِثَوْبِهَا فَقَالَتْ لَهُ مَا لَكَ فَقَالَ لَهَا اذْهَبِي بِي مَعَكِ فَقَالَتْ لَهُ حَتَّي أَسْتَأْمِرَ أَبَاكَ فَلَمْ يَزَلْ إِبْرَاهِيمُ ع فِي الْغَيْبَةِ مَخْفِيّاً لِشَخْصِهِ كَاتِماً لِأَمْرِهِ حَتَّي ظَهَرَ فَصَدَعَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَي ذِكْرُهُ وَ أَظْهَرَ اللَّهُ قُدْرَتَهُ فِيهِ ثُمَّ غَابَ ع الْغَيْبَةَ الثَّانِيَةَ وَ ذَلِكَ حِينَ نَفَاهُ الطَّاغُوتُ عَنْ مِصْرَ فَقَالَ وَ أَعْتَزِلُكُمْ وَ ما تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ أَدْعُوا رَبِّي عَسي أَلَّا أَكُونَ بِدُعاءِ رَبِّي شَقِيًّا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَ ما يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنا لَهُ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ كُلًّا جَعَلْنا نَبِيًّا وَ وَهَبْنا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنا وَ جَعَلْنا لَهُمْ لِسانَ صِدْقٍ عَلِيًّا يَعْنِي بِهِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع لِأَنَّ إِبْرَاهِيمَ قَدْ كَانَ دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَجْعَلَ لَهُ لِسانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَجَعَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَي لَهُ وَ لِإِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيّاً. فَأَخْبَرَ عَلِيٌّ ع بِأَنَّ الْقَائِمَ هُوَ الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ وَ أَنَّهُ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً وَ أَنَّهُ تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ وَ أَنَّ هَذَا كَائِنٌ كَمَا أَنَّهُ مَخْلُوقٌ. وَ أَخْبَرَ ع فِي حَدِيثِ كُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ النَّخَعِي أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ خَافٍ مَغْمُورٍ لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ.. و قد أخرجت هذين الخبرين في هذا الكتاب بإسنادهما في باب ما أخبر به أمير المؤمنين ع من وقوع الغيبة و كررت ذكرهما للاحتياج إليه علي أثر ما ذكرت من قصة إبراهيم ع. و لإبراهيم ع غيبة أخري سار فيها في البلاد وحده للاعتبار.

[1]. كأن فيه سقطا لما رواه الكليني في روضة الكافي بإسناده عن ابن أبي عمير عن هشام عن أبي أيوب الخزاز عن أبي بصير.

نام کتاب: کمال الدین و تمام النعمه- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۱۳۸ – ۱۳۹

قال الشيخ- رضى اللّه عنه-: اعتقادنا فى آباء النبى أنّهم مسلمون من آدم إلي أبيه عبد اللّه،

نام کتاب: الإعتقادات نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۱۱۰

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- شیخ صدوق این روایت را در چندین موضع دستکاری کرده!

- هر آنچه لفظ [آزر / آزر أبا ابراهیم] بوده؛ کلمه آزر از آن انداخته است!

- کلمه [لیقتله] انداخته است!

- جمله [و ما تصنعون به؟ فقال آزر نعبده] رو حذف کرده است!

هدف تحریف:

﴿ ۞ وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ ءَازَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا ءَالِهَةً إِنِّيٓ أَرَىٰكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴾

- همانطور که اسکن کتاب اعتقادات شیخ صدوق را مشاهده میکنید، اعتقاد دارند که تمام پدران انبیاء باید مسلمان باشند نه مشرک و از این خاطر آیات قرآن راجع به آزر و أب بودن ایشان را به معنای عمو گرفته اند!

- اما در این روایت تصریح شده که مادر ابراهیم توسط آزر، از ابراهیم علیه السلام حامله شده فلذا جای تأویل دیگر وجود ندارد و از این خاطر شیخ صدوق آن را دستکاری کرده است!

روایت بیست و هشتم

وعنه : عن أبيه ، عن الحسن بن محبوب ، عن داودَ الرَّقّي قال : سمعت أبا عبدالله عليه‌السلام يقول : ما خلق الله خلقاً أكثر مِن الملائكة ، وأنّه ينزل من السَّماء كلَّ مَساءٍ سبعون ألف ملك يطوفون بالبيت الحرام ليلتهم حتّي إذا طلع الفجر انصرفوا إلي قبر النَّبيِّ صلي‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فيسلّمون عليه ، ثمَّ يأتون قبر أمير المؤمنين عليه‌السلام فيسلّمون ، ثم يأتون قبر الحسين عليه‌السلام فيسلّمون عليه ، ثمَّ يعرجون إلي السّماء قبل أن تطلع الشَّمس ، ثمَّ تنزل ملائكة النّهار سبعون ألف ملك ، فيطوفون بالبيت الحرام نهارَهم حتّي إذا غربتِ الشَّمس انصرفوا إلي قبر رَسول الله صلي‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فيسلّمون عليه، ثمَّ يأتون قبر أمير المؤمنين عليه‌السلام فيسلّمون عليه ، ثمّ يأتون قبر الحسين عليه‌السلام فيسلّمون عليه ، ثمَّ يعرجون إلي السّماء قبل أن تغيب الشَّمس.

نام کتاب: کامل الزیارات – ط مکتبه الصدوق نویسنده: ابن قولویه القمی جلد: ۱ صفحه: ۱۲۳

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقاً أَكْثَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ إِنَّهُ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ كُلَّ مَسَاءٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ لَيْلَتَهُمْ حَتَّي إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ انْصَرَفُوا إِلَي قَبْرِ النَّبِيِّ ص فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ ثُمَّ يَأْتُونَ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَيُسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَأْتُونَ قَبْرَ الْحَسَنِ فَيُسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَأْتُونَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ فَيُسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَعْرُجُونَ إِلَي السَّمَاءِ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ تَنْزِلُ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَيَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ الْحَرَامِ نَهَارَهُمْ حَتَّي إِذَا دَنَتِ الشَّمْسُ لِلْغُرُوبِ انْصَرَفُوا إِلَي قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَيُسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَأْتُونَ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَيُسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَأْتُونَ قَبْرَ الْحَسَنِ فَيُسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَأْتُونَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ فَيُسَلِّمُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَعُودُونَ إِلَي السَّمَاءِ قَبْلَ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ.

نام کتاب: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۹۶

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- ابن قولویه در کامل الزیارات روایتی می آورد که در آن آمده است که فرشتگان قبر پیامبر، قبر امام علی و امام حسین زیارت میکنند و نام امام حسن در آن نیست!

- اما شیخ صدوق با همان سند، زیارت فرشتگان به قبر امام حسن را اضاف کرده اند!

هدف تحریف:

-در کتب شیعه روایات و آثار زیادی به چشم میخورد که امام حسین از امام حسن فضل خیلی بالاتری دارد و چه بسا به امام حسن توهیناتی کرده اند و از این خاطر شیخ صدوق در این روایت نام امام حسن را اضاف نمودند که چنین تهمتی به شیعه نزنند!

روایت بیست و نهم

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَي عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ :إِذَا خَرَجَ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُسَافِراً أَفْطَرَ وَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص خَرَجَ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَي مَكَّةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مَعَهُ النَّاسُ وَ فِيهِمُ الْمُشَاةُ فَلَمَّا انْتَهَي إِلَي كُرَاعِ الْغَمِيمِ دَعَا بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فِيمَا بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ فَشَرِبَ وَ أَفْطَرَ ثُمَّ أَفْطَرَ النَّاسُ مَعَهُ وَ ثَمَّ أُنَاسٌ عَلَي صَوْمِهِمْ فَسَمَّاهُمُ الْعُصَاةَ وَ إِنَّمَا يُؤْخَذُ بِآخِرِ أَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۴ صفحه: ۱۲۷

وَ رَوَي الْعِيصُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ :إِذَا خَرَجَ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُسَافِراً أَفْطَرَ وَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص خَرَجَ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَي مَكَّةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مَعَهُ النَّاسُ وَ فِيهِمُ الْمُشَاةُ فَلَمَّا انْتَهَي إِلَي كُرَاعِ الْغَمِيمِ عَا بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فِيمَا بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ فَشَرِبَ وَ أَفْطَرَ وَ أَفْطَرَ النَّاسُ مَعَهُ وَ تَمَّ أُنَاسٌ عَلَي صَوْمِهِمْ فَسَمَّاهُمُ الْعُصَاةَ وَ إِنَّمَا يُؤْخَذُ بِأَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص.

نام کتاب: من لا یحضره الفقیه نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۲ صفحه: ۱۴۱

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- در کافی آمده که رسول اکرم ﷺ در سفر روزه دار بود و سپس روزه خود را قطع کرد و افطار نمود؛ سپس امام صادق فرمودند:

["إنما يؤخذ بآخر أمر رسول الله ﷺ"]

یعنی آنها بایستي آخرین امر رسول الله را (که همان خوردن روزه در سفر است) به کار ببندند.

- اما شیخ صدوق از آنجا که تغییر نظر خود پیامبر و همچنین حرام بودن روزه در سفر، مخالف عصمت میداند، کلمه [آخر] را حذف کرد!

روایت سی‌ام

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ :أَصَابِعُ الْيَدَيْنِ وَ الرِّجْلَيْنِ سَوَاءٌ فِي الدِّيَةِ فِي كُلِّ إِصْبَعٍ عَشْرٌ مِنَ الْإِبِلِ وَ فِي الظُّفُرِ خَمْسَةُ دَنَانِيرَ.

نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیه نویسنده: الشیخ الکلینی جلد: ۷ صفحه: ۳۲۸

وَ رَوَي ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَصَابِعُ الْيَدَيْنِ وَ الرِّجْلَيْنِ فِي الدِّيَةِ سَوَاءٌ وَ قَالَ فِي السِّنِّ إِذَا ضُرِبَتِ انْتُظِرَ بِهَا سَنَةً فَإِنْ وَقَعَتْ أُغْرِمَ الضَّارِبُ خَمْسَمِائَةِ دِرْهَمٍ وَ إِنْ لَمْ تَقَعْ وَ اسْوَدَّتْ أُغْرِمَ ثُلُثَيْ دِيَتِهَا.

نام کتاب: من لا یحضره الفقیه نویسنده: الشیخ الصدوق جلد: ۴ صفحه: ۱۳۶

اعلم أن المصنف أسقط جزء الخبر، (و فی کل إصبع عشر من الإبل)...

نام کتاب: روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط-القدیمة) نویسنده: المجلسی، محمد تقی جلد: ۱۰ صفحه: ۴۰۳

دستکاری شیخ صدوق (کذوب) ↓

- کلینی راجع به دِیه روایت کرده:

["أصابع الیدین والرجلین سواء فی الدیة، فی کل إصبع عشرة من الإبل"]

- اما شیخ صدوق این قسمت [فی کل إصبع عشرة من الإبل] را حذف کرده تا با دیگر روایات جمع بزند (همانطور که محمد تقی مجلسی در اسکنی که قرار داده ام اقرار کرده)

- نکته: شیخ صدوق سند خود به حسن بن محبوب در مشیخه از همین کتاب "من لا یحضره الفقیه" بیان کردند.

به همین قدر اکتفاء می‌کنم؛ حال این که بیش از ده مثال دیگر در دسترس است.

سه نکته:

۱. این ۳۰ عدد که از دستکاری شیخ صدوق (کذوب) آورده شد، تنها مثال است و الا اگر کسی بین این همه کتاب های ایشان بیشتر وقت بزارد، به بیش از ۱۰۰ مورد از چنین موارد پیدا خواهد کرد، حال آنکه ۳۰ عدد مذکور برای اسقاط عدالت شیخ صدوق کافی است، جدا از کلام اهل علم که راجع به ایشان و تدلیساتشان آورده شد.

۲. این مثال ها که یاد شد، تنها با مقارنه بین روایات منقوله ایشان و منبع اصلی و مأخذ او بود و الا بعید نیست روایاتی که از تفردات ایشان است، بیش از این اعداد و شمارش احادیث وضع و ساخته است.

- نظر بنده این است که شیخ صدوق برای خود قانون و اعتقاد خاصی راجع به تجویز دروغگویی و وضع روایات داشته است، همانطور که خیلی از زنادقه و حتی زهّاد چنین گمانی در برابر وضع حدیث داشته اند که اگر مسأله ای میدیدند که نیاز به هدایت مردم بوده، حدیثی برای آن میساختند.

۳. دستکاری های شیخ صدوق، در ابواب مختلف است، که اگر ملاحظه کرده باشید بیشتر در مسائل امامت، اصول اعتقاد (صفات و...) و همچنین فقهیات بود.

اما باید به این نکته توجه کنید، مثال هایی که آورده شد، دستکاری در کلام اصحاب ائمه و علما نبوده، بلکه در کلام خود معصوم و شرع است که آنان را تخطئه و کلام آنان را تحریف میکرده، و اگر این را نوعی وضع و کذب بر امامان ندانیم، چه باید آن را نامید!

پایان